

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

موضوع :

رابطه بین طلاق والدین و بزهکاری فرزندان

www.asemankafinet.ir

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فهرست مطالب

فصل اول:	۵
کلیات	۵
-مقدمه و طرح مسأله	۶
۱-۱ اهمیت و ضرورت مسأله:	۷
۱-۲ اهداف تحقیق	۸
فصل دوم:	۱۰
ادبیات تحقیق	۱۰
۲-پیشینه تحقیق (مروری بر ادبیات موضوع)	۱۱
۲-۱ تعریف مسأله	۱۱
انحراف:	۱۱
طلاق:	۱۲
خانواده:	۱۲
نظم:	۱۳
نظریه فشار ساختاری	۱۴
۲-۲-۲ نظریه روانشناختی در مورد انحرافات	۱۴
۲-۲-۳ نظریات جامعه شناختی انحراف StructuralStrain	۱۵
نظریه فشار ساختاری	۱۵
تیپولوژی (نوع شناسی)مرتون از انواع انطباق فردی	۱۷
همنوایی:	۱۷
نوآوری:	۱۷
شعاعگرایی:	۱۸
انزوای طلبی:	۱۸
شورش:	۱۸
انحراف اولیه	۱۹
کاربرد نظریه برجسب:	۲۱

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

- ۲۲.....ارزیابی نظریه برچسب:
- ۲۲.....۲-۲-۳-۳ نظریه انتقال فرهنگی
- ۲۴.....نظریه والتر میلر
- ۲۵.....ارزیابی نظریه انتقال فرهنگی:
- ۲۵.....۲-۲-۳-۴ ارزیابی نظریه انتقال فرهنگی:
- ۲۷.....دیاگرام متغیرها و روابط علی تئوری هیرشی
- ۲۸.....۲-۲-۳-۶ Conflict Theory The تضاد نظریه
- ۳۰.....نظریه آلبرت کوهن :
- ۳۱.....۲-۲-۳-۷ Delinquency and Drift نظریه دیوید ماتزا- بزهکاری و دنباله روی
- ۳۲.....دیاگرام متغیرها و روابط علی تئوری ماتزا
- ۳۲.....۲-۲-۳-۸ نظریه بوم شناسی انحراف- مکتب شیکاگو
- ۳۳.....ارزیابی نظریه مکتب شیکاگو در مورد انحراف:
- ۳۳.....۲-۲-۳-۹ نظریه ویلیامزهاال- عوامل خانواده موثر بر بزهکاری
- ۳۶.....۲-۲-۳-۱۰ نظریه امیل دورکیم
- ۴۲.....انواع گسیختگی خانواده:
- ۵۰.....۲-۲-۳-۱۲ نظریه تالکوت پارسنز
- ۵۶.....متغیرهای الگوی پارسنز
- ۵۶.....۱- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی :
- ۵۶.....۲- پراکنده بودن در برابر ویژه بودن :
- ۵۷.....۳- عام گرایی در برابر خاص گرایی :
- ۵۷.....۴- اکتسابی در برابر انتسابی :
- ۵۷.....۵- نفع شخصی در برابر نفع جمعی :
- ۶۳.....۲-۲-۳-۱۴ تأثیر مشکل اقتصادی روی کیفیت و بی ثباتی زندگی زناشویی:
- ۷۱.....روابط خارج از زناشویی
- ۷۱.....ترک یا رهایی :

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

عادات ناسالم و بدخلقی:	۷۱
سن:	۷۲
عدم تشابه تحصیلی و موقعیت اجتماعی:	۷۲
دین:	۷۲
۱-۳ نظریه چلبی- نظم در سطح خرد:	۸۱
همچنین چلبی اشاره می کند که:	۸۲
چلبی می گوید:	۸۳
فصل سوم:	۹۰
روش تحقیق	۹۰
۳-روش های جمع آوری اطلاعات	۹۱
هدف از انجام این تحقیق بررسی عوامل گرایش زوجین به سوی طلاق می باشد	۹۴
فصل چهارم:	۹۶
نتیجه گیری	۹۶
۴-نتیجه گیری:	۹۷
فهرست منابع	۹۹

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فصل اول:

کلیات

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

مقدمه و طرح مسأله

بزهکاری پدیده ای اجتماعی و دارای بستر اجتماعی است هر چند که عوامل زیستی، روانی، جغرافیایی، قومی، نژادی و موارد دیگر در نحوه شکل گیری و بروز نوع بزه بسیار مهمی ایفاء می کنند، تبیین مسأله بر اساس عامل محیط اجتماعی، تحدید نگرش حوزه جامعه شناسی اجتماعی است خصوصاً نحوه عملکرد کوچکترین و مهمترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده که نقش مهمی را در همکاری و متجانس کردن رفتارهای هنجاری افراد با محیط اجتماع بر عهده دارد. در اینجا به بررسی نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده) می پردازیم. این کار به خصوص به لحاظ تحدید عوامل مورد بررسی در یک کار علمی اهمیت دارد چرا که نمی توان در آن حد در یک کار پژوهشی تمام ابعاد و زوایا را به طور دقیق در نظر داشته و مورد بررسی قرار داد. اگر خانواده می تواند عامل مهم بزهکاری باشد و شرایط نامطلوب آن بزهکار پرورش دهد، به همان نسبت وجود شرایط مطلوب در خانواده رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی نوجوان را امکان پذیر ساخته، مهمترین گام در پیشگیری از بزهکاری است. به نظر می رسد افزایش میزان بزهکاری حاکی از تضعیف مناسبات گروهی خانواده بوده، به طوری که وحدت گروهی از هم پاشیده است. به هر میزانی که روابط اعضاء از سیطره روابط صمیمی، عاطفی، و اخلاقی خارج شود، خطر از بین رفتن کارکرد بسیار مهم خانواده آموزش هنجارها و ارزشهای اجتماعی به فرزندان دور نخواهد بود. آنچه مهم است مناسبات و پیوندهای گروه خانواده است به شکلی که افراد به عنوان حاملین و عاملین نقشها باید به گونه ای ایفاء نمایند که کارکرد اساسی حفظ وحدت و انسجام خانواده را به دنبال داشته باشد. خانه ای که از سخن محبت آمیز خالی است آفت رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی نوجوان است، عدم عشق و محبت و نبود ثبات و هماهنگی در خانواده زمینه ساز رفتار بزهکارانه است.

هر گاه بنیان عاطفی و اخلاقی خانواده سست گردد روی نظم خانواده (طلاق) تأثیر گذاشته، بزهکاری نیز رخ می نماید. نظم و تعدل در خانواده رابطه معکوس با روند بزهکاری داد. آنگاه که طلاق رو به فزونی می رود، کشمکشهای درونی خانواده اوج می یابد و فرزندان در سنین نوجوانی به دور از نظر والدین در ورطه آلامی چون اعتیاد، بزهکاری و ... گرفتار می آیند. بهر حال روابط بین والدین و فرزند، از هم پاشیدگی خانواده و فقدان نظم و تعادل در خانواده، سست شدن عقاید مذهبی و اخلاقی در بزهکاری نوجوانان نقش مهمی دارد.

اگر ارزشهای یک نفر و ارزشهای افرادی که بر اثر او تأثیر شدید دارند به جای حمایت از رفتار از رفتار غیر مجرمانه را رفتار تبهکارانه حمایت کنند، احتمالاً آن شخص مجرم خواهد شد. همبستگی و پیوستگی و ثبات ارکان خانواده کانون مناسبی را پدید می آورد تا افراد به صورت نسبتاً کاملی هنجارهای مقبول تعمیم یافته را

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

ملکه‌سازی و درونی کرده و به سهولت در عرضه اجتماعی، نقشهای محول و محقق را به نحوی که از آن انتظار می‌رود به اجراء گذارند. خانواده، گروه کوچکی است که ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن صمیمت آن است. اجتماعی کردن نسل آینده جزء بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین وظایف خانواده است. (روزن باوم، ۱۹۷۳: ۱۴۹) محبت موجب استواری کانون خانوادگی است، نفرت در جهت معکوس آن جریان دارد و متضمن نفاق و جدایی و مخاصمه و جدال است. هنگامی که نفرت و اختلاف عمیق و مخاصمه به کانونی راه یافت، بقای نظم خانوادگی بین افراد آن متزلزل و دشوار می‌شود.

۱-۱ اهمیت و ضرورت مسأله:

اگر با دیدی جامعه‌شناسانه به این پدیده نگریسته شود بزهکاری را می‌توان به منزله یک بیماری اجتماعی تلقی نمود که باید معالجه شود. مسلماً برای مبارزه با هر مرضی باید ابتدا آن را شناخت و به زمینه‌های پیدایش آن پی‌برد، سپس بیمار را نجات دار و از بروز دوباره این عارضه پیشگیری نمود. چنانچه بزهکاری یک عارضه و آسیب اجتماعی تلقی شود، لذا «قشر نوجوان» به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در معرض ابتلا به این عارضه هستند یا به نوعی از آن دچار شده‌اند.

بررسی علت‌ها، سبب می‌شود که مسئولین مربوط، به چگونگی شکل‌گیری اعمال نابهنجار شناخت پیدا کنند، آنگاه شیوه‌های صحیح و مناسب مبارزه با آنها را جستجو نمایند. لذا اینگونه مطالعات و تحقیقات ضرورت می‌یابند تا کجرویها و جرایم بهتر و عمیق‌تر شناخته شود، منشاء آنها کشف گردد و بالاخره راههای اصلاح و بازپروری بزهکاران هموار گردد. بالاخره این قبیل کاوش‌هاست که امکان پیشگیری از ابتلاء به انحراف و سقوط استعدادها را در نیروهای انسانی بالقوه جامعه، فراهم می‌سازد و خانواده و دولت، حال و آینده کشور از خسارات مادی و معنوی فراوانی رهایی می‌یابند.

با توجه به اینکه سازندگی فردای جامعه بستگی به نیروی فعال پر شور و سلامت جسمی و روحی نسل نوجوان دارد، لازم است که همه امکانات جامعه را برای پیشگیری و مبارزه و ریشه کن کردن بزهکاری نوجوانان کشورمان به کار بردیم. از طرف دیگر آنچه موجب نگرانی شده است صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری است که بر اثر فروپاشیدن کانون خانواده ایجاد می‌شود، صدماتی که متوجه تمام اعضای خانواده منجمله فرزندان می‌شود. بعد از جدایی برای اکثر افراد یک دوره تضاد و دوگانگی عاطفی و تغییرات خلقی جدید پیش می‌آید که در رفتار خانواده بخصوص فرزندان تأثیر عمیقی می‌گذارد که از جمله آن بزهکاری است.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۲-۱ اهداف تحقیق

هدف ما در تحقیق حاضر این است که ببینیم خانواده چه نقشی در بوجود آوردن یا مانع شدن بزهکاری در نوجوانان دارد و چه عوامل خانوادگی در بزهکاری آنها مؤثر است. بزهکاری چیست و با چه متغیرها و معرفیهایی می توان آنرا سنجید؟ (متغیر وابسته)

به طور کلی می خواهیم بزهکاری را در چارچوب خانواده و روابط والدین و فرزندان و با تأکید بر نظم خانواده بررسی کنیم. نظم چیست و نظم خانواده چگونه حفظ می شود؟ چه عواملی باعث ایجاد اختلال در نظم خانواده می شود؟ نظم در خانواده (را با چه معرفیهایی می توان سنجید؟ با توجه به اینکه نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با مشکل ماهوی مواجه است) که عبارتند از:

۱- همفکری مشترک

۲- همگامی مشترک

۳- همدلی مشترک

۴- همبختی مشترک

اگر این چهار مشکل در گروه اجتماعی (خانواده) حل شود، خانواده دارای نظم و تعادل خواهند بود. (چلبی، ۱۹:۱۳۷۵) به عبارت دیگر، عدم همفکری، همگامی، همدلی و همبختی مشترک در خانواده منجر به اختلال در نظم خانواده می گردد. می خواهیم بدانیم آیا این اختلال در نظم خانواده می تواند منجر به طلاق شود. همچنین آیا اختلال در نظم خانواده می تواند منجر به بزهکاری اعضاء خانواده از جمله فرزندان گردد. علاوه بر این آیا طلاق روی بزهکاری فرزندان تأثیر می گذارد.

شکل بحرانی از بین رفتن نظم در خانواده را طلاق در نظر می گیریم. از بین رفتن نظم در خانواده پیامدهای از جمله بزهکاری را به دنبال خواهد داشت. در تحقیق حاضر ما دو گروه خانواده سالم و ناسالم (افراد بزهکار و غیر بزهکار) را با هم مقایسه می کنیم.

با این امید که با انجام این تحقیق توانسته باشیم در شناخت و رفع مشکلات رفتاری نوجوانان قدمی کوچک برداشته باشیم و نتایج حاصله برای اولیاء مربیان و خانوادههایی که با نوجوانان خود مسأله دارند در زمینه آگاه

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

کردن آنها در مورد نحوه برخورد با فرزندان شان و همچنین برای مراکز دادگستری و مراکز زندانها و مسئولین کشور مفید و سودمند باشد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فصل دوم:

ادبیات تحقیق

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

۲- پیشینه تحقیق (مروری بر ادبیات موضوع)

در این بخش ما در ابتدا به مشخص کردن واژه انحراف و بزهکاری، طلاق، خانواده و نظم می‌پردازیم و سپس تئوریهای مختلف را مطرح می‌سازیم.

۱-۲ تعریف مسأله

انحراف:

هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزشها و هنجارها تبعیت کنند، اما همواره عده‌ای پیدا می‌شوند که پاره‌ای از این ارزشها و هنجارها را رعایت نمی‌کنند. جامعه افرادی را که هماهنگ و همساز با ارزشها و هنجارها باشند «سازگار» یا «همنوا» و اشخاصی را که بر خلاف آنها رفتار می‌کنند «نا سازگار» یا «نا همنوا» می‌خواند. بنابراین همنوایی اجتماعی یعنی مراعات هنجارها، ولی منظور از ناهمنوایی اجتماعی نقص هنجارهای اجتماعی است. از اینرو کسانی که با جامعه همنوا هستند، «بهنجار» شمرده می‌شوند و آنان که همنوایی ندارند، «نا بهنجار» نام می‌گیرند. از میان افراد نا بهنجار، کسی که رفتار ناهنجارش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام آورد، کجرو یا منحرف است و رفتار او را «کجروی اجتماعی» یا «انحراف اجتماعی» می‌خواند.

در جامعه شناسی مراد از «انحراف» مجموعه رفتارهایی است که با هنجارهای اجتماعی در عین اعتبار و اجرا مطابقت ندارند و بنابراین در گروه اجتماعی موجب بروز واکنشهای متنوعی می‌شوند که نظارت اجتماعی خوانده می‌شود. از اینرو انحراف از نقص بدنی و روانی آغاز و بر اثر نقض مقررات مذهبی، اوامر اخلاقی، رسوم اجتماعی و قواعد قانونی غیر کیفری به بزهکاری می‌رسد. (گسن، ۱۹۸۸: ۴۸)

مارشال کلینارد پیشنهاد کرده است که اصطلاح «انحراف» باید به موقعیتهایی اطلاق شود که انسان بر خلاف مسیر مورد قبول جامعه رفتار کند تا حدی که جامعه توان تحمل آن را داشته باشد. بنابراین جنایت و بزهکاری، آشکارترین اشکال انحراف هستند. تبهکاری به اعمالی گفته می‌شود که جنبه قانون شکنی دارند و مستوجب مجازات قانونی هستند و بزهکاری به اعمالی جنایی افراد نوجوان اطلاق می‌شود.

بزهکار به کسی اطلاق می‌گردد به نحوی عمل خلاف قوانین و قواعد جامعه از وی صورت گرفته و در پی آن بوسیله قوانین اجتماعی محکوم شده و به زندان افتاده است. بزهکار در برگیرنده کودکان و نوجوانان می‌باشد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

انحراف جنبه نسبی دارد، بدین معنی که نمی توان برای آن یک تعریف قاطع ارائه داد. اعمال، نه تنها در ارتباط با معیارهای جامعه بخصوصی در زمان معینی از تاریخ آن جامعه انحراف به شمار می روند.

طلاق:

طلاق در لغت جدا شدن زن و مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است. طلاق رابطه ای اجتماعی (بین دو نفر و از خلال آن دو گروه اجتماعی) است، با نظارت مقامات ذی صلاح (به عنوان نمایندگان جامعه) و با تحقیق تمهیدات لازم.

طلاق در زمره غم انگیزترین پدیده ای اجتماعی است. تعادل انسانها را ناپدید می سازد، همان طور که بر جامعه آثاری شوم برجای می گذارد. به درستی می توان گفت هیچگاه مطالعه آسیب شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی و بزهکاری اجتماعی بدون شناسایی طلاق صورت پذیر نیست. به تعبیر دیگر هر جامعه که در جستجوی سلامت است باید این پدیده را مهار کند. (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۰۱۱۸)

فروپاشی خانواده «یک موقعیت که در آن والدین فرزند به قصد فسخ یا انحلال ازدواج از هم جدا شده اند و این دوره جدایی از سه ماه بیشتر ادامه می یابد». (Fergusson, ..., ۱۹۸۴: ۵۴۰)

ادبیات و نوشته های طلاق مشخص می کند که بیشترین موارد طلاق یک بحران توأم با فشار و تنش است که بر همه اعضاء خانواده تأثیر می گذارد. مطالعات نشان می دهد که به طور متوسط برای هر کودک ۱۸ تا ۲۴ ماه طول می کشد تا با طلاق سازگار شوند. (Benjamin Schlesinger, ۱۹۹۶: ۹۳)

کونینگ، طلاق را معلول تناسب نداشتن خصوصیات زوجین می داند نه معلول ساخت ازدواج و خانواده موجود.

عدم ثبات زناشویی کم و بیش مترادف با مفاهیمی نظیر فسخ زناشویی، طلاق، کیفیت پایین زندگی زناشویی به کار رفته است. (Booth, ..., ۱۹۸۳: ۳۸۷)

خانواده:

برگس و لاک ۱۹۵۳ می نویسد،

«خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش (به عنوان فرزند) با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متابند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می کنند»

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

خانواده در زمره عمومی ترین سازمانهای اجتماعی است و بر اساس ازدواج بین دست کم دو جنس مخالف شکل می گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسناد یافته به چشم می خورد. (به همراه این مناسبات شاهد پیوندهایی قرار دادی مبتنی بر پذیرش فرزند نیز هستیم)، خانواده معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است، هر چند همواره چنین نیست و همین نیز وجه تمایز مفاهیم خانواده و خانوار است و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی و تربیتی و ... را به عهده دارد. هرگز هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت رسد مگر آنکه از خانواده های سالم برخوردار باشد.

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در جامعه است. منظور از نهاد خانواده شبکه نقش ها و یا شبکه انتظارات و تکالیف در خانواده است اما وقتی از خانواده به عنوان یک اجتماع طبیعی کوچک صحبت می شود، منظور «مایی» است که در یک میدان تعاملی گرم با حریم نسبتاً مشخص به وجود آمده و اعضاء «ما» نسبت به آن احساس تعلق و وابستگی عاطفی مشترک دارند و در مقابل «ما» نیز به آنها نوعی هویت جمعی مشترک اعطاء می کند.

نظم:

نظم حالت ساختی دارد. معنی لغوی نظم بسیار صریح و روشن است، نظم در لغت به معنی آرایش، ترتیب و توالی است. (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۱)

در معنا یعنی برقرار نمودن مقررات و هنجارها و اجرای هنجارها و وجود ضمانت اجرایی برای اجرای هنجارها، اگر جامعه منظم نباشد نشانگر عدم رعایت هنجارها در آن جامعه است.

تعادل نیز علاوه بر اینکه حالتی ساختی دارد، در عین حال، رابطه ای متعادل و متوازن روانشناختی را بین اجزاء ساختی مشخص می کند. یعنی، آیا رعایت هنجارها به شکلی متعادل و متوازن است. یا خیر؟ پارسنز ابعاد مختلف نظم اجتماعی را به بعد هنجاری تقلیل می دهد.

آلکساندر نظم جمعی را به نوعی تعهدات درونی مشترک می داند. طبق این دیدگاه نظم اجتماعی نظامی است هنجاری و فوق فردی، در واقع این هنجارها هستند که افراد را به عنوان مجموعه ای مشبک به صورت بین ذهنی به هم مرتبط می سازند. وجدان جمعی دورکیم بیانگر چنین نظامی است به همین دلیل هم است که دورکیم در تحلیل نهایی خود پایه هر نظم اجتماعی را عاطفی می داند. در صورتی که نظم درونی اجتماعی، صبغه عاطفی خود را از دست بدهد، خود نیز همزمان محو می شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

پارسنز می گوید که در نظرش نظم نه یک آرزو است، نه یک آرمان بلکه یک مسأله است. پارسنز پایه و اساس زندگی را در درونی شدن هنجارها و ارزشهای نهادی شده اجتماعی از سوی اشخاص می داند.

هومنز آزادی انسان را تنها به عنوان درونی کردن کامل هنجارهای گروهی به مثابه نظم مطلوب معرفی می کند.

۲-۲ بررسی تئوریه‌ها و نظریات بزهکاری (انحراف) و نظم خانواده

در مورد رفتارهای انحرافی نظریات مختلفی وجود دارد که هر کدام بر اساس فرضها و یافته‌های خود به بررسی این اعمال می پردازند. در این زمینه می توان به سه رویکرد عمده یعنی روانشناسی و جامعه‌شناسی اشاره کرد.

ابتدا روانشناسی انحراف را مرور می کنیم و سپس نظریات جامعه‌شناسی انحراف را مورد بررسی قرار می دهیم که عبارتند از:

نظریه فشار ساختاری

نظریه برچسب یا عکس‌العمل اجتماعی

نظریه انتقال فرهنگی

نظریه کنترل اجتماعی

۲-۲-۲ نظریه روانشناختی در مورد انحرافات

نظریه‌های روانشناختی، کجروی را عکس‌العملی نسبت به مشکلات شخصیتی می داند. اطلاق عناوین «دیوانه»، «مریض» و امثال آن به افراد کجرو حاکی از مرتبط دانستن نابهنجاری با خصوصیات شخصیتی و روانشناختی است.

زیگموند فروید شخص «روان رنجور» را حاصل توسعه نیافتگی و نقصان «خود برتر» دانسته و آن را نیز معلول «جامعه پذیری» غیر طبیعی در دوران کودکی می شمارد.

اغلب تئوریه‌های روانشناسی بر آنند که در فرایند اجتماعی شدن فرد منحرف و معمولاً در رابطه بین والدین و فرزند، نقصان وجود داشته است. این نقصیه شامل ناراحتی عاطفی است که به تشکیل خصلتهای شخصیتی کژ سازگار منتهی می شوند. گفته می شود که تجارب دوران کودکی می تواند تأثیر دیرپای در رفتار دوران بلوغ و

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

بزرگسالی داشته باشد. جان باولبی استدلال می کند که کودک نیازهای دارد و مهمترین نیاز او امنیت عاطفی است که مؤثرترین وجه ممکن می تواند با رابطه صمیمانه ای که بین مادر و فرزند برقرار می شود، تامین گردد. چنانچه کودک به ویژه در اوان کودکی از عشق مادری محروم شود این امکان وجود دارد که به شخصیت روان رنجور مبتلا گردد. افراد روان رنجور معمولاً بون تأمل و اندیشه عمل می کنند، بندرت احساس می کنند و در مقابل مجازات و درمان واکنش چندانی نشان نمی دهند.

هانس آبریک، بر آن است که بین ویژگیهای شخصیتی که جنبه ژنتیک دارند و رفتار انحرافی رابطه ای وجود دارد. وی مدعی است که بین خصایص شخصیتی از قبیل برون گرایی با رفتار جنایی رابطه وجود دارد. یک فرد برون گرا ماجراجوست، مغرور است، سریعاً واکنش نشان می دهد و بدون تأمل و اندیشه عمل می کند. برعکس، شخصیت درون گرا که شخصیتی آرام و کنترل شده است.

آلبرت باندورا و ریچارد والترز گفته اند که هم تنبیهات بدنی مستمر و هم بی مبالاتی زیاد در کنترل رفتار پسران جوان توسط والدین به بزهکاری جوانان می انجامد، توسط والدین به بزهکاری جوانان می انجامد، به نظر آنان، پسرانی که اغلب توسط پدران خود کتک می خورند به کنترلهای خارجی متکی می شوند، یعنی در انجام هر عملی به جای آنکه اساس تصمیمات خود را بر احساس درونی خود از درستی و نادرستی آن عمل بگذارند بیشتر احتمال به دام افتادن را محاسبه می کنند. از سوی دیگر پسرانی که همیشه و در مقابل هر نوع عملی با تأیید و تشویق والدین مواجه بوده اند، با این ذهنیت رشد یافته اند که هر چه بکنند پسندیده و مقبول است.

لازم به تذکر است که هنوز هیچ صفت خاصی از شخصیت انسان را به طور کلی علمی با کجروی مرتبط ندانسته اند و هیچ اختلاف مستمر روانشناختی بین کجروان و راستروان شناخته نشده است.

۲-۲-۳ نظریات جامعه شناختی انحراف Structural Strain

همانطور که قبلاً اشاره شد، نظریات جامعه شناختی انحراف خود به شش بخش عمده تقسیم می شود که در اینجا به بررسی و ارزیابی هر یک از نظریات می پردازیم:

نظریه فشار ساختاری

۱-۲-۳-۲ در سال ۱۹۳۸ رابرت کی. مرتون، جامعه شناس هاروارد، یک مقاله تحت عنوان ساختار اجتماعی و آنومی به چاپ رساند نظریه خود را بر اساس عقاید دورکیم از آنومی (بی هنجاری) و انسجام اجتماعی بنا کرده است. (ander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۳۸/Hall Williams, ۱۹۸۲: ۱۳۶) مرتون بر آن است که انحراف از

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

ساختار و فرهنگ جامعه سرچشمه می گیرد. وی استدلال خود را با معیار توافق جمعی درباره ارزشها آغاز می کند و معتقد است که تمام اعضای جامعه در ارزشهای مشترک سهیم اند. اما از آنجایی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیتهای مختلفی قرار می گیرند، برای درک ارزشهای مشترک از فرصتهای مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود. به بیان مرتون ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رفتار منحرف اجتماعی مردمی که در جایگاههای مختلفی قرار گرفته اند، ایجاد فشار می کند.

به خاطر شکافهای ساختی از نظر اجتماعی بین آرزوها (اهداف مشترک) و دستیابی واقعی (دسترسی به ابزار اجتماعی برای رسیدن به این اهداف) آنومی (بی هجاری) در نظام اجتماعی ایجاد شده است.

(Hamilton, ۱۹۸۷: ۱۲۰-۱۲۱)

مرتون ایالات متحده آمریکا را مورد مثال قرار داده و تئوری خود را به شرح زیر طراحی می کند: او می گوید که برای تعداد زیادی از آمریکاییها موفقیت مادی، مخصوصاً حالت رفاه مادی (تملک و ثروت اندوزی) یک هدف فرهنگی است. در آنجا پول به عامل موفقیت به حساب می آید. همینطور تنها ابزار و راههای قابل قبول از لحاظ فرهنگی برای کسب موفقیت، داشتن تحصیلات عالی و شغل های با درآمد بالا می باشد.

ممکن است مشکلی وجود نداشته باشد، اگر همه آمریکایی ها دسترسی یکسانی به ابزارهای مورد تأیید و قانونی برای بدست آوردن موفقیت پولی داشته باشند. اما تأکید خاص در آمریکا بر تبلیغ اهداف بدون توجه یکسان به حصول ابزار برای دستیابی به این اهداف می باشد. فقرا و اقلیتها اغلب خودشان را از نظر دستیابی به حداقل آموزش رسمی و منابع اقتصادی ناچیز در وضع نامساعدی می بینند. لذا فشار زیاد افراد را به سمت ناهمناوی و استفاده از اعمال نامتعارف سوق می دهد. آنها نمی توانند اهداف تأیید شده از لحاظ فرهنگی را از طریق استفاده از ابزار قانونی بدست آورند. از اینرو برای بدست آوردن اهداف به هر ابزار و شیوه ای مثل شرارت، فساد و جرم روی می آورند. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۳۸/Hamilton, ۱۹۸۷: ۱۲۱)

مرتون پنج شیوه عمل یا انطباق را مطرح می کند، اولین شیوه همناو و چهار شیوه دیگر که از عدم قبول وسایل یا هدف های قانونی یا هر دو آنها حاصل می شود، انحراف به شمار می رود. ساخت فرصت موقعیتهای اجتماعی را که در سه دسته همناو، منحرف، ناهمناو، سازمان یافته شامل می شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

تیپولوژی (نوع شناسی) مرتون از انواع انطباق فردی

ابزار نهادی شده اهداف فرهنگی انواع انطباق

++ همنوایی

- نوآوری

+ - شعائرگرایی

- - انزوطلبی

شورش

پذیرش +=

رد کردن = -

رد ارزشهای موجود و جایگزینی ارزشهای جدید =

(Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۳۹, Hamilton/ ۱۹۸۷: ۱۰۸, Merton/ ۱۹۴: ۱۹۵۷)

همنوایی:

وقتی که مردم هم اهداف فرهنگی موفقیت مادی و هم ابزارهای قانونی از لحاظ فرهنگی برای رسیدن به این اهداف را می پذیرند، ایجاد می شود، چنین رفتاری پایه محکم یک جامعه باثبات است.

نوآوری:

در نوآوری افراد اهداف تأیید شده موفقیت از نظر فرهنگی را می پذیرند در حالیکه ابزار و راههای تأیید شده و قانونی از لحاظ فرهنگی برای جستجوی آن اهداف را رد می کنند. چنین افرادی ممکن است به فاحشگی یا روسپیگری، فروختن (قاچاق) مواد مخدر، چک جعلی، کلاهبرداری، اختلاس کردن، دزدی، دستبرد زدن یا لخت کردن و اخاذی کردن برای بدست آوردن پول و نمادهای موفقیت دست زنند. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۳۹)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

شعائرگرایی:

شامل رها کردن اهداف عالی موفقیت می شود در حالیکه برده وار و بی اختیار از ابزارهای تأیید شده، پیروی می کنند. برای مثال، اهداف سازمان برای عده ای از دیوان سالاران علاقه مند نامربوط می شود در عوض آنها ابزاری را به خاطر خودشان بدست می آورند، یک بت از مقررات و بوروکراسی افراطی می سازند. (Vander Zanden, ۱۳۹۶:۱۹۹۶)

انزوای طلبی:

انزوای طلبی هم اهداف فرهنگی و هم ابزار تأیید شده یا قانونی از لحاظ فرهنگی را در می کنند بدون جایگزین کردن شیوه های جدید. برای مثال، آدمهای الکلی، معتاد به مواد مخدر، آدمهای ولگرد و کسانی که از جامعه به بیرون پرت شدند، آنها در جامعه هستند ولی جزیی از جامعه نیستند.

شورش:

شورشیان هم اهداف فرهنگی و هم ابزار تأیید شده و یا قانونی از لحاظ فرهنگی را رد می کنند و برای آنها شیوه های جدیدی جانشین می کنند. چنین افرادی خود را از رفاذاری و طرفداری از نظم اجتماعی موجود عقب می کشند و طرفداری شان را به گروه های جدید با ایدئولوژیهای جدید منتقل می کنند. جنبشهای اجتماعی رادیکالی (تندرو) یک نمونه خوبی از این نوع اطباق هستند. (Vander Zanden, ۱۳۹۶:۱۹۹۶-۱۴۰)

به طور خلاصه، مرتون در تحلیل خود نشان می دهد که چگونه فرهنگ و ساختار جامعه موجب انحراف می شود. تأکید بیش از حد بر هدفهای فرهنگی در جامعه آمریکایی که به قیمت زیر پا گذاشتن راههای متعارف کسب موفقیت تمام می شود، تمایل برای ایجاد انحراف فشار وارد می سازد، فشاری که با توجه به پایگاه شخص در ساختار اجتماعی متفاوت است. همچنین شیوه واکنش شخص در مقابل این فشار به پایگاه او در طبقه اجتماعی بستگی خواهد داشت. مرتون انحراف را بر حسب ماهیت جامعه تبیین می کند، نه ماهیت فرد منحرف.

به نظر مرتون هرگاه فردگرایی مفرط غالب شود و تنها هدف کسب موفقیت باشد، دگرگونی ظریفی اتفاق خواهد افتاد. در این حال قواعد و مقررات غیر رسمی توانایی خود را برای نظام بخشیدن از دست می دهند، مجازاتهای نهادی شده که ابزارهای نظم اجتماعی هستند، اثر بخشی خود را از دست می دهند و همه افراد به مهارت و کاردانی شخصی خود باز می گردند فردیت جای مشارکت اجتماعی را می گیرد، آن همان نتایجی است که بعضی جامعه شناسان آنرا ویرانگر «وحدت اجتماعی» می نامند.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

نظریه عکس‌العمل اجتماعی تأکید می‌کند که از طریق برچسب زدن یک عمل به عنوان منحرف زنجیره‌ای از حوادث را به حرکت در می‌آوریم که فرد را به سوی انحرافات بزرگتری می‌راند و بالاخره به آغوش یک تشکیلات و ساختار زندگی انحرافی می‌اندازد. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۱)

بیکر در کتاب خود به نام «بیگانگان - مطالعاتی در جامعه‌شناسی انحراف» نشان می‌دهد که انحراف عبارت است از کنش متقابل بین آنهایی که مرتکب یک عمل انحرافی می‌شوند و (یا گفته می‌شود که مرتکب شده‌اند) و بقیه افراد جامعه که احتمالاً خود به گروه‌های مختلفی تقسیم شده، می‌باشند. باز در جای دیگر اشاره می‌کند که: «انحراف، چگونگی عملی که شخص مرتکب می‌شوند، نیست. بلکه نتیجه عملی است که دیگران بر حسب ضمانت اجرایی قوانین به یک متخلف نسبت می‌دهند. این برچسب به ایده‌ای درست یا غلط خود اجتماع و یا حتی به خرده گروه‌های درون جامعه بستگی دارد. بیکر ظاهراً با این نظریه عمومی که «قوانین مجرمین را بوجود می‌آورد» موافق است.

انحراف اولیه

گاهی اوقات برچسب مورد نظر اساساً غلط است چنانکه در مواردی که جوانان به بازداشتگاه‌های جوانان سپرده می‌شوند تنها به این علت که والدین آنها ایشان را ترک کرده و هیچگونه امکانات حمایتی در اختیارشان نمی‌باشد، گاهی اوقات این جوانان در ذهن عمومی به عنوان بزهکار برچسب زده می‌شوند و این عنوان منحرف به نظر می‌رسد گروه اجتماعی هویت جدیدی به این افراد می‌دهد یا یک نقش جدید، یک سری انتظارات جدید به او نسبت می‌دهد. از آن پس این گروه اجتماعی بر اساس همین انتظارات به این فرد پاسخ می‌دهد و از این راه برچسب را در جای خود محکمتر کرده و روی کلیه عکس‌العملها و کنش‌های متقابل آینده فرد تأثیر می‌گذارد. این مساله برچسب زدن به خصوص در مورد افرادی که بیماریهای ذهنی دارند و عموماً تحت عنوان رفتارهای منحرف آورده شده اند جدی است زیرا اینگونه افراد قادر به ایفای نقشی که جامعه از ایشان انتظار دارد، نیستند. فردی که برچسب بیمار ذهنی به او خورده است مشکل بتواند آن را از روی خود بردارد، صرف نظر از اینکه تا چه حد بتواند با جامعه خود دوباره سازگار شود. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۱۳۶ /Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۰)

نظریه پردازان برچسب اشاره می‌کنند که ما همگی درگیر رفتار منحرف هستیم، زیرا بعضی از هنجارها را نقض می‌کنیم. آنها این ایده عمومی را رد می‌کنند که انسانها را می‌توان به دو گروه بهنجار و نا بهنجار تقسیم کرد. به عنوان مثال بعضی از ما حداکثر سرعت در رانندگی را نقض می‌کنیم، مقدار درآمد واقعی خود را به مقامات

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

مالیاتی اطلاع نمی‌دهیم، به طور غیر مجاز در ملک خصوصی دیگران وارد می‌شویم و ... نظریه‌پردازان برچسب این کارها را «انحراف اولیه» می‌نامند. (Vander Zanden, ۱۹۹۶:۱۴۵) مفاهیم انحراف نخستین یا اولیه و انحراف دومین یا ثانویه که بوسیله لمرت ارائه شده است، کمک می‌کند به این که نشان دهد که چگونه مردم به عنوان منحرفین تأیید می‌شوند.

انحراف اولیه رفتار انحرافی کسی است که در بقیه تشکیلات و ساختار زندگی خود یک هم‌نوا است. رفتار انحرافی آنقدر جزئی یا از طرف همه پذیرفته شده و یا آنقدر خوب پوشیده نگه‌داشته می‌شود و اغلب از طرف عاملین کنترل اجتماعی اظهار نمی‌شود که فرد به صورت علنی یک منحرف خوانده نمی‌شود بلکه به عنوان یک «فرد محترم و شایسته» که کمی مرموز یا غیر عادی است؛ شناخته می‌شود.

انحراف ثانویه آن است که هویت اجتماعی فرد را به عنوان یک منحرف به دنبال دارد. گاهی اوقات کشف یک عمل انحرافی خاص (تجاوز، نزدیکی به محارم، همجنس بازی، دزدی، استعمال مواد مخدر) و یا حتی یک تهمت دروغ کافی است که برچسب آدم منحرف بر یکی زده شود (تجاوزگر، معتاد و غیره).

فرایند برچسب زدن اهمیت زیادی دارد زیرا همین می‌تواند نقطه غیر قابل برگشت در سازماندهی یک زندگی انحرافی باشد. فردی که دچار انحراف اولیه است هنوز قادر است یک مجموعه‌ای از نقش‌ها و وضعیت‌های متعارف را حفظ و مراعات کند و می‌تواند در فشارها و روابط گروه هم‌نوا سهیم باشد. ولی هنگامی که برچسب «منحرف» به افراد می‌خورد از شغل خود محروم می‌شوند و یا از حرفه‌ای که دارند، دور می‌افتند، مردم عادی آنها را از خود می‌رانند، احتمالاً زندانی می‌شوند و برای همیشه نام «مجرم» روی آنها باقی می‌ماند. این طردشدگی و منزوی شدن، افرادی را که برچسب خورده‌اند به طرف گروه افراد منحرف می‌کشاند تا با افرادی سرکنند که دارای سرنوشت یکسان و وضعیتی مشابه او هستند، شرکت در خرده فرهنگ کج‌رو راهی برای کنار آمدن با وضعیت‌های ناامید و دلسرد کننده و برای یافتن حمایت‌های عاطفی و پذیرش فردی است. این همراه شدن با یک گروه افراد منحرف تصویر از خود فرد را به عنوان منحرف استحکام می‌بخشد و یک شیوه زندگی توأم با انحراف را در پیش می‌گیرد و از انحرافات به منظور دفاع در مقابل جامعه متعارف استفاده می‌کند. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴:۱۷۴/Vander Zandn, ۱۹۹۶:۱۴۵) بطور خلاصه نظریه‌پردازان برچسب می‌گویند که پاسخ یا عکس‌العمل اجتماع به یک عمل، نه خود رفتار، انحراف مشخص و تعریف می‌کند، هنگامیکه رفتار مردم به عنوان رفتاری که از هنجارهای متعارف دور است، ارزیابی شد این کار «زنجیره‌ای از عکس‌العمل‌های اجتماعی را سبب می‌شود» و دیگر افراد این رفتار را تعریف کرده، ارزیابی می‌کنند و برچسب بر

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

آن می‌زنند، به طور کلی، انحراف بستگی به اینکه چه قوانینی را یک جامعه انتخاب و در چه موقعیت‌ها و در مورد چه افرادی مورد تأکید قرار دهد. اهمیت عمده تماشاگران و ناظران اجتماعی این است که آیا عمل فرد به عنوان منحرف برچسب می‌خورد یا نه. پس به نظارت اجتماعی، ماهیت قوانین و برچسب‌هایی که به افراد زده می‌شود توجه شده است و بر این امر تأکید دارند که آنچه که برای یک نفر کجرو به حساب می‌آید ممکن است از نقطه نظر دیگری کجرو نباشد. (Vander Zanden, ۱۹۹۶:۱۴۵)

کاربرد نظریه برچسب:

از نظر گروهی از نویسندگان، نظریه عکس‌العمل اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه یک عمل انحرافی شروع یک سلسله وقایعی است که الگوی انحراف را عمیق‌تر و قابل قبول‌تر کرده است.

(Horton & Hunt, ۱۹۸۴:۱۷۴)

ولیم چمبلیس (۱۹۷۳) از تئوری برچسب برای توضیح برداشت‌ها و تعاریف متفاوت که اعضای جامعه از رفتار دو گروه نوجوانان ارائه می‌دهند، استفاده می‌کند. او فعالیت‌های گروه سینتز که یک گروه تبهکار سفید پوست ۸ نفره از پسران طبقه بالا بودند و گروه رافنکز یک گروه تبهکار سفید پوست ۶ نفره از پسران طبقه پایین را مورد مطالعه قرار داد. گرچه اعمال بزهکارانه گروه اول مشابه اعمال گروه دوم بود ولی همیشه گروه دوم بود که درگیر مشکلات می‌شد و به عنوان منحرف شناخته شده بود.

چمبلیس چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «اجتماع به گروه رافنکز به عنوان پسران شرور نگاه می‌کند. پسران این برداشت را می‌پذیرند و الگوهای رفتار بزهکارانه را در پیش می‌گیرند. یک تصور از خود به عنوان منحرف بدست می‌آورند و دوستانی برای خود انتخاب می‌کنند که این تصور از خود را تأیید می‌کنند، هر چه بیگانگی و جدایی آنها از جامعه بیشتر می‌شود آزادی آنها در ابراز بی‌احترامی و خشونت در مقابل نمایندگان و جامعه قانونی بیشتر می‌شود و همین بی‌احترامی نظر منفی اجتماع را افزایش داده و فرایند ارتکاب جرم را تداوم می‌بخشد».

(Vander Zanden, ۱۹۹۶:۱۴۵-۱۴۶)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

ارزیابی نظریه برجسب:

از نظر نظریه پردازان برجسب بیشتر مسئولیت بزهکاری جوانان متوجه رفتار خشن و ناپسند پلیس، دادگاهها و کارشناسان مربوطه است که ناخواسته به جوانان می آموزند که خود را بزهکار بدانند و مثل بزهکاران رفتار کنند، آیا واقعاً صحیح است؟

این تئوری فرد را مفعول پنداشته که توانایی تصمیم گیری آگاهانه را ندارد. چنانکه ماتزا اشاره می کند فرد منحرف به حال خود و بی پناه رها نشده است که به گودالی بیفتد که فرار از آن امکان پذیر نیست، برعکس فرد دارای امکان انتخاب است. در بسیاری از مراحل فرایند منحرف شدن، شخص خود انتخاب می کند که این راه را ادامه دهد.

از طرف دیگر اطلاعات کمی درباره اینکه در اصل چه چیزی سبب رفتار بزهکارانه می شود در اختیار می گذارد. یعنی انگیزه نخست بر کج رفتاری را مورد توجه قرار نداده اند. نظریه برجسب توضیح نمی دهد که چرا عکس العمل به برجسب در مرحله دومین تا این اندازه در شخصیت فرد تأثیر می گذارد. آنچه مورد توجه است کجروی ثانویه یا دومین است که نظارت اجتماعی مداخله می کند و با جدا کردن فرد از دیگران با یک انگ یا برجسب این رفتار او را در او تشدید می کند و توضیح نمی دهد که نقش جامعه پذیری در اینجا چیست. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۵)

انحرافات را نمی توان بدون توجه به هنجارها تشخیص داد. اگر رفتاری انحرافی نیست مگر اینکه چنین برجسبی بر آن خورده باشد چگونه خواهیم توانست انحرافات پنهان و کشف نشده را طبقه بندی کنیم.

(Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۷)

۳-۲-۲-۳ نظریه انتقال فرهنگی

گابریل تارد (۱۹۰۴-۱۸۴۳) تئوری تقلید را برای توضیح انحراف مطرح کرد. تارد شدیداً تحت تأثیر این مسأله قرار گرفته بود که تکرار چه نقش چشمگیری در رفتار انسان بازی می کند. او می گوید که مجرمین نظیر آدمهای «خوب» شیوه های افرادی را که ملاقات کرده، شناخته یا در باره شان شنیده اند، تقلید می کنند ولی برعکس مردمی که تابع قانون هستند آنها از دیگر مجرمین تقلید می کنند.

شاو و مک کی اصطلاح «منطقه بزهکاری» را ابداع کردند و می گویند که در محله های فقیر نشین شهرها، رفتار بزهکارانه یک الگوی عادی است. در چنین مناطقی جوانان ارزش ها و رفتارهای کجرو را یاد می گیرند و

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

درونی می کنند و در نتیجه جوانان بزهکار می شوند زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می کنند که خود بزهکار و منحرف بوده اند. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۰-۱۴۱, Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۲)

نظریه ادوین ساترلند- معاشرت گوناگون: Differential Association ساترلند (۱۹۵۰-۱۸۸۳) جامعه شناسی است که با مکتب شیکاگو در جامعه شناسی همکاری داشته و تئوری معاشرت گوناگون را بنیاد نهاد. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۱) این تئوری بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادی استوار شده و نقشی را که کنش متقابل اجتماعی در شکل گیری رفتار و گرایشات انسان ها بازی می کند، مورد تأکید قرار می دهد. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۱, Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۲۰۹).

رفتار مجرمانه از طریق ارتباط و همنشینی با الگوهای جنایی که در دسترس و قابل قبول بوده و در محیط زندگی فرد (محیط فیزیکی و اجتماعی) مورد تشویق می باشد، آموخته می شود. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۲)

ساترلند می گوید افراد تا آن حد منحرف می شوند که در محیط هایی شرکت کنند که ایده ها، محرک ها و تکنیک های بزهکاری مورد قبول آن محیط باشد بعنوان مثال یاد می گیرند چگونه مواد مخدر غیرقانونی بدست آورده، استعمال کنند و یا چگونه دزدی کنند و سپس اشیاء دزدی را بفروشند.

هر چه تماس افراد با چنین محیط هایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیکتر و عمیق تر باشد (عمق معاشرت) و مدت این معاشرت ها طولانی تر باشد (مدت زمان معاشرت) به همین نسبت احتمال اینکه آنها نیز در نهایت به یک بزهکار تبدیل شوند، بیشتر است.

مسئله در تقلید صرف نیست، رفتار منحرف نه تنها آموخته می شود، بلکه یاد داده می شود. بنابراین این تئوری بر این که چه چیزی آموخته می شود (شامل فنون و تکنیک های خاص ارتکاب جرم) و از چه کسی آموخته می شود، متمرکز می گردد. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۱)

ساترلند ادعا نمود که از طریق فرایندهای جامعه پذیری بعضی افراد نسبت به دیگران بیشتر مستعد ارتکاب به جرایم هستند این افراد یک جهت گیری به سمت جرایم را درونی کرده اند که این جهت را از گروه هایی کسب کرده اند که به آنها در رابطه نزدیک بوده اند. این گروه ممکن است خانواده، یا گروه بازی دوران کودکی، گروه دوستان بزرگسالی و یا همسایگان باشد که در جامعه پذیری فرد موثرند. همچنین خرده فرهنگ هایی وجود

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

دارد که در آنها می توان راه ارتکاب جرایم را آموخت و رفتارهایی خلاف رفتارهای رایج در جامعه را تشویق می کنند.

هر چه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر می باشد.

(Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۱۴۰; vold & Bernard, ۱۹۸۶/۲۱۰-۲۱۱)

یک خانواده منظم و منجسم از نظر مسئله بزهکاری به مراتب کمتر با مشکلات روبرو است تا یک خانواده بی نظم. در این جا حمایت های هنجاری قوی تر است و فرصت برای آموختن و یادگیری انحرافات کمتر می باشد.

یک اجتماع و گروه همسایگان با ثبات احتمالاً دارای درصد پایین تری از ارتکاب جرم نسبت به یک اجتماع بی ثبات می باشد. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۱۴۰)

هر چه خانواده منظم و منسجم تر باشد، حمایت های هنجاری قوی تر و فرصت یادگیری انحرافات کمتر می باشد.

نظریه والتر میلر

در جوامع مختلط با خرده فرهنگ های متفاوت گروه ها به نسبت ارزشها و انتظاراتی که در مورد رفتار انسان ها دارند، از هم متمایز می شوند، میلر (۱۹۷۵، ۱۹۵۸) این ایده را در مطالعات خود حول اعمال غیرقانونی در میان نوجوانان طبقه پایین بنا می کند. در نظر وی رفتار آنان در مطابقت با الگوهای فرهنگی است که از طریق جامعه پذیری در محله های فقیرنشین و محیط شهرک ها کسب و درونی می کنند. او می گوید فرهنگ طبقه پایین برای بعضی رفتارها ارزش زیادی قائل است اینان عبارتند از:

«دردسر- استقبال» از درگیری با پلیس، مسئولین مدارس و دیگر نمایندگان جامعه بزرگتر.

«خسونت» نشان دادن مهارت در درگیری های شخصی و توانایی برای از عهده بر آمدن این قبیل درگیری ها.

«باهوشی» توانایی در فریب دادن دیگران از طریق نمایش باهوش.

«هیجان» دنبال همه گونه خطرات رفتن (به استقبال خطر رفتن).

«سرنوشت» اعتقاد به این که بسیاری از حوادث ناخوشایند زندگی خارج از کنترل انسان است و تحت سلطه شانس و سرنوشت است.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

«خودمختاری» عشق به آزاد بودن از هر گونه کنترل بیرونی و سرپرستی دیگران.

گرچه این مسائل به خودی خود و الزاماً بزهکاری به شمار نمی آیند ولی دنباله روی از آنها موقعیت هایی را بوجود می آورد که در آن فعالیت های غیرقانونی احتمالاً بروز خواهند کرد.

ارزیابی نظریه انتقال فرهنگی:

تئوری انتقال فرهنگی نشان می دهد که رفتارهای مردود از نظر اجتماع همانند رفتارهای مورد تأیید از نظر اجتماعی از طریق فرایندهای جامعه پذیری به وجود می آیند. این تئوری برای بعضی از اشکال انحراف کاربردی ندارد به خصوص در اشکالی که نه تکنیک ها و نه تعاریف و تمایلات متناسب از دیگر بزهکاران کسب نشده است. نمونه ها شامل: متقلبین چک، حمله کنندگان گاهگاهی و تصادفی در بعضی مواقع، دزدی غیرحرفه ای از مغازه ها، مجرمین غیرحرفه ای و ... می گردند. به علاوه هم بزهکاران و هم غیربزهکاران اغلب در یک محیط یکسان پرورش می یابند. الگوهای رفتار مجرمانه به هر دو نفر ارائه می شود ولی تنها یکی از آن دو بزهکار می شود (مثل دو بردار که در یک شرایط بد و آزارنده رشد می کنند اما یکی کشیش و دیگری یک گانگستر می شود).

افراد ممکن است با همان الگو روبرو شوند و برداشت متفاوتی داشته باشند و رفتار متفاوتی از خود بروز دهند. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۲)

۴-۳-۲ ارزیابی نظریه انتقال فرهنگی:

بلومر معتقد بود جامعه معاصر وی، اکنون به سرایشی سقوط ارزشها و نیز به سقوط انسان و کنش متقابل نمادی کشیده می شود، درست از همین دیدگاه بود که بلومر سعی نمود به نکات اساسی و بنیادی آسیب های اجتماعی و انحرافات مرضی موجود در جامعه با دیدی تازه روبرو شود.

از نظر بلومر، واکنش افراد انسانی در مقابل اشیاء بر اساس معنای آنها صورت می گیرد. وی کنش متقابل را بر سه قضیه ساده متکی می داند:

۱- افراد انسانی همه در مقابل اشیاء و موضوعات بر اساس معنایی که آن اشیاء برای آنها دارند، واکنش نشان می دهند. این موضوعات هر چیزی را که در جهان مورد ملاحظه و توجه قرار می گیرد، شامل می شوند. اشیاء

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فیزیکی نظیر درخت، صندلی، سایر افراد مثل مادر، فروشنده، گروه های انسانی از قبیل دوستان و دشمنان، نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه یا حکومت و ... به طور کلی اوضاعی که افراد در زندگی روزمره با آن درگیر می شوند، سراسر در زمره (شیء) تلقی می گردند.

۲- معنی اشیاء از کنش متقابل سرچشمه می گیرد. بنابراین معانی نه در ذات پدیده ها وجود دارند و نه در ذهن انسان، بلکه تنها در روابط متقابل اجتماعی معنا می یابند. ما معانی را از روابط متقابل اجتماعی یعنی از هنجارهای اجتماعی و از ساخت اجتماعی - اقتصادی خانواده می گیریم، نه از ذهنیت خودمان.

۳- معانی مذکور در جریان کنش و برخورد فرد با چیزها مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته، تغییر می کند.

هر کدام از افراد در برخورد و در کنش و واکنش با دیگری کاری را که آن دیگری انجام می دهد ارزیابی می کنند و سپس سعی می کنند رفتار و وضعیت خود را بر اساس ارزیابی خود از کنش دیگران جهت یا تغییر دهند. بنابراین کنش های دیگران به عنوان عامل موثر در شکل دادن کنش های آنان تأثیر می کند و بر اثر کنش دیگران ممکن است فرد وضعیت خود را رها کرده و در آن تجدیدنظر کند. بنابراین رفتار دیگران در عمل فرد حضور دارد و در طرحی که فرد برای کنش خود ترسیم نموده است، موثر واقع می گردد.

۵-۳-۲ نظریه کنترل اجتماعی - علل هیرشی از بزهکاری: Social Control

نظریه پردازان کنترل اجتماعی فرض می کنند که یک نظام هنجاری وجود دارد و از این نظام است که انحرافات بیرون می آید و اینکه اکثر مردم با ارزشهای مسلط و حاکم همنا هستند، علتش وجود کنترل های درونی و بیرونی است. کنترل های درونی، عبارتند از هنجارهای درونی شده و ارزشهایی که فرد آنها را می آموزد. در این مورد نظریه پردازان کنترل با نظریه پردازان اجتماعی شدن همفکر هستند. کنترل های بیرونی پاداش های اجتماعی به خاطر همناوایی و مجازات های اجتماعی به خاطر انحرافات است که فرد دریافت می کند. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که علقه ای فرد را به جامعه پیوند می دهد. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۷)

این نظریه همناوایی را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه و اعمال انواع کنترل از طرف جامعه بر افراد دانسته و ناهمناوایی را ناشی از گسستن پیوندهای شخص با نظم قراردادی جامعه می داند.

تراوس هیرشی معتقد است که کجروی معلول ضعف و یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است. هیرشی بحث می کند که ضرورتی ندارد انگیزه برای بزهکاری را توضیح دهیم زیرا «ما همگی موجوداتی هستیم که همه به طور طبیعی قادر به ارتکاب اعمال جنایی هستیم». او می گوید افرادی که با گروه های دیگر مثل خانواده، مدرسه و

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

گروه همسالان رابطه قوی و محکمی دارند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند او چهار حلقه اجتماعی را مطرح کرد، که عبارتند از عقیده یا باور، دلبستگی و تعلق، تعهد و مشغولیت. (Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۲۴۱)

منظور از عقیده: ارزش های درونی شده است هر چه عقیده محکمر باشد، احتمال انحراف کمتر است. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۷) هیرشی می گوید: «شخصی که کمتر معتقد به اطاعت از مقررات باشد با احتمال بیشتری قانون را نقض می کند».

دلبستگی یا تعلق: دلبستگی و عاطفه و حساسیت نسبت به دیگران است و عنصر اساسی برای درونی کردن ارزشها و هنجارهاست.

تعهد: سرمایه گذاری معقول فرد در جامعه و احتمال خطری که وجود دارد زمانی که خود گرفتار رفتار کجرو می شود. (Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۲۴۱-۲۴۲) تعهد، پذیرفتن هدف های قراردادی کل جامعه می باشد.

مشغولیت: مشغولیت به فعالیت های فرد در نهادهای اجتماعی همچون کلیسا، مدرسه و سازمان های محلی اشاره می کند. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۷) این عنصر مبتنی بر مشاهده این برداشت عمومی است که «دستان بیکار کارگاه شیطان و شر می باشد» و این که مشغول بودن، فرصت برای فعالیت های بزهکارانه را محدود می کند. (Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۲۴۲)

بین بیکاری و شدت بزهکاری همبستگی وجود دارد، هر چه فرد در هر یک از این عناصر نقش مهمتری داشته باشد احتمال ارتکاب به انحراف کمتر است.

دیاگرام متغیرها و روابط علی تئوری هیرشی

هیرشی گزارش می دهد که در کل، اینجا ارتباطی بین فعالیت های بزهکارانه گزارش شده و طبقه اجتماعی وجود ندارد به جزء آن که بچه ها از فقیرترین خانواده ها احتمال بیشتری دارد که منحرف شوند.

همچنین تأثیرات وابستگی به والدین، مدارس و گروه همسالان را روی اعمال بزهکارانه گزارش شده، تحلیل می کند و در می یابد که بدون توجه به نژاد و طبقه و بدون توجه به بزهکاری دوستان، پسرانی که شدیداً وابسته به والدین شان هستند که کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند نسبت به پسرانی که وابستگی کمتری

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

دارند. (Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۲۴۲) هر چقدر دلبستگی بین والدین و فرزند ضعیف شود، شدت بزهکاری فرزند بیشتر می شود.

از نکات گفته شده، نتیجه می گیریم که:

- کاهش صمیمیت در روابط متقابل اعضا خانواده روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد.
- بین اعتقادات اخلاقی و شدت بزهکاری رابطه معکوس وجود دارد.
- بین همبستگی میان اعضاء و میزان کنترل رابطه مستقیم وجود دارد (هر چقدر همبستگی میان اعضاء بیشتر، میزان کنترل هم بیشتر می باشد).
- هر چقدر میزان کنترل بیشتر باشد، بزهکاری کمتر است.
- دانسر و لاوب اظهار داشتند که هیچگونه رابطه ای بین بزهکاری نوجوانان و بیکاری آنها و بیکاری بزرگسالان وجود ندارد. برک و همکارانش نتیجه می گیرند: حداقل برای مجرمین، بیکاری و فقر علت ارتکاب جرم است. لغتین و هیل لیستی از فقر ساختاری تهیه کرده بودند که شامل معیارهای مرگ و میر کودکان، تحصیلات پایین، خانواده های تک والدینی و درآمد بوده است. آنها دریافتند که رابطه قوی بین این معیارها و میزان آدم کشی وجود دارد. (Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۱۳۳-۱۳۵)
- بین بیکاری و احتمال ارتکاب جرم رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین فقر (مشکل اقتصادی و درآمد کم) و میزان بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین خانواده از هم گسسته و میزان بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد. (یعنی بین نظم خانواده و میزان بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد).

۶-۲-۲-۳ نظریه تضاد Conflict Theory

نظریه پردازان تضاد می گویند: «این واقعیت دارد که گروه ها دارای ارزشها و هنجارهای متفاوتی هستند ولی مسئله این است که کدام گروه قادر خواهد بود ارزشهای خود را به صورت مقررات جامعه تبدیل نموده و این مقررات را استوار سازد؟» «چه کسی سهم عمده و اصلی را از منافع حاصل در ترتیبات خاص اجتماعی بدست می آورد؟» یا اگر به صورت دیگر گفته شود، «جامعه چگونه ساخته شده است که در آن بعضی گروه ها دارای

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

امتیاز هستند در حالیکه بعضی از گروه های دیگر فاقد امتیاز بوده و حتی برچسب منحرف نیز به آنها زده می شود».

ریشه های اولیه دیدگاه تضاد را می توان در سنت مارکسیست ردیابی نمود. طبقه حاکم سرمایه در استثمار می کند ولی هرگز از بابت این جرایم خود مجازات نمی شود، افرادی که قربانی ظلم سرمایه داری شده اند به سویی رانده می شوند که مجبور به ارتکاب اعمالی در مبارزت خود برای ادامه حیات می شوند که طبقه حاکم آن را مجرمانه می نامد.

بیشتر جرایم مربوط به جرایم نسبت به دارایی هاست و بیشتر کار پلیس حفاظت از دارایی ها است. انحراف تا زمانی که نابرابری طبقاتی و استثمار طبقاتی ادامه داشته باشد برقرار خواهد بود. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۲-۱۴۳/ Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۱۷۶)

طبقه، دولت، جرم:

یک دیدگاه معاصر در مورد مسئله انحرافات که تحت تأثیر مارکسیست است، نظریه ای است که توسط ریچارد کوئینی (۱۹۸۰-۱۹۷۴) ابراز شده است. کوئینی می گوید: «که نظام قانونی(حقوقی) امریکا منعکس کننده منافع و ایدئولوژی طبقه حاکم سرمایه داری است. قانون بعضی از رفتارهای مشخص و معین را که با اعتقادات اخلاقی طبقه حاکم در تضاد است و امتیازات و منافع آن را به مخاطره می اندازد غیرقانونی اعلام می کند. قانون ابزار دست طبقه حاکم است تا نظم موجود را حفظ کند. در ایالات متحده امریکا، حکومت و سیستم قانونی آن به این علت وجود دارد که منافع سرمایه داری طبقه حاکم را حفظ و پایدار سازد».

کوئینی می گوید:

اگر می خواهیم «جرم را بشناسیم، باید توسعه اقتصاد سیاسی جامعه سرمایه داری را بشناسیم». از آن جایی که حکومت در خدمت منافع طبقه سرمایه دار و حاکم است جرم نیز در نهایت یک عمل سیاسی مبتنی بر طبقه اجتماعی است که در نظم اجتماعی سرمایه داری قرار گرفته است.

کوئینی می گوید:

در واقع «یکی از تناقضات سرمایه داری این است که بعضی از قوانین آن باید زیر پا گذاشته شوند تا نظام موجود حفظ شود». این جرایم عبارتند از جرایمی که از طرف سازمان ها و موسسات انجام می شود و در طیف

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

تعیین قیمت ها و آلودگی محیط زیست در نوسان است. ولی در کنار آن جرایم دولتی نیز وجود دارند که سردمداران حکومت سرمایه داری مرتکب می شوند. برعکس، بسیاری از اعمال جنای مردم عادی و یا جرایم سرقت، معاملات مواد مخدر در یک «نظم اجتماعی سرمایه داری در جهت احتیاج به ادامه حیات صورت می گیرد». جرایم شخصی - قتل، حمله، تجاوز « توسط کسانی انجام می گیرد که شرایط سرمایه داری نسبت به آنها خشونت اعمال نموده است » و سپس جرایم مقاومت که در آن کارگران کم کاری می کنند و اتحادیه های کارگری بر علیه صاحب کار خرابکاری می کنند. به طور خلاصه جرم از مظاهر خاص سرمایه داری است. (Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۳)

نظریه آلبرت کوهن :

آلبرت کوهن توضیحات ساترلند را در مورد خرده فرهنگ ها با تئوری آنومی مرتون ترکیب کرده و در مطالعات خود در زمینه گروه های کجرو (باند تبهکاران) آورده است. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۱۴۳) کوهن دو انتقاد عمده از نظرات مرتون در باره انحراف طبقه کارگر به عمل می آورد: نخست این که وی استدلال می کند که بزهکاری یک واکنش جمعی است تا فردی و به پیوستن افراد به یکدیگر در یک واکنش جمعی اعتقاد دارد. در حالیکه مرتون واکنش فرد نسبت به پایگاه اجتماعی خود در ساختار طبقاتی را مورد ملاحظه قرار می دهد. دومین انتقاد کوهن این است که عقیده دارد، مرتون تبهکاری غیرسود جویانه از قبیل ویرانگری و الواطی نوجوانان را که پاداش مالی در بر ندارد، حساب نمی آورد.

کوهن می گوید که پسران منحرف طبقه پایین اجتماع تلاش دارند تا در چشم گروه خود آدم موفق جلوه کنند و این موقعیت در توانایی در کلاه گذاشتن بر سر مقامات مدرسه، ترساندن پلیس و همسایه ها و وارد کردن صدمات خطرناک سنجدیده می شود.

در این جا مسئله پیشرفت و اهداف مربوط به کار و موفقیت در کسب پول به هیچ وجه مطرح نیست، در پشت سر انحرافات افراد طبقه پایین اجتماع بیان نارضایتی و عدم علاقه بر علیه جامعه ای پنهان است که به نظر آنها به هیچ وجه نمی توان به هنجارهای پذیرفته شده، در آن دست یافت. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۱۴۳)

نتیجه این عمل به یک فرهنگ فرعی بزهکاری منتهی می شود. این فرهنگ به بزهکاران پاداش مثبت می دهد. و آنها نزد همسالان بزهکار خود شهرت و وجهه کسب می کنند و بدین وسیله مسئله «محرومیت از پایگاه و منزلت اجتماعی» را حل می کنند.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۷-۲-۲ نظریه دیوید ماتزا-۱ بزهکاری و دنباله روی Delinquency and Drift

ماتزا می گوید برای این که منحرفین را درک کنیم باید:

اول به این مسئله از دید یا از نقطه نظر فاعل نزدیک شویم و به عبارت دیگر، ما باید بتوانیم موقعیت موردنظر را از دید یک منحرف نگاه کنیم نه این که از دید ارزش های مورد قبول خودمان.

دوم این که باید این حقیقت را در نظر بگیریم که انحراف در میان سیستم پیچیده ای از معانی و ارزش ها پدیدار می شود.

سوم این که ما باید از مقاصد انحراف آگاه شویم، همچنانکه یک فرد فرایند انحراف را طی می کند.

چهارم ما نبایستی عکس العمل اجتماع را در قبال این منحرفین نادیده بگیریم.

ماتزا این جهت گیری را در سه «مفهوم اصلی» در اثر خود تحت عنوان فرایند کجرو شدن مطرح می سازد که عبارتند از: ممنوعیت، ارتباط یا همبستگی و مشخص شدن.

ممنوعیت: به معنی هر چیزی است که فرد را در جامعه ای که اعتبار زیادی برای موفقیت های اقتصادی قائل است در وضعیت نامساعدی قرار می دهد، فقر، تبعیض نژادی و عقب ماندگی ذهنی در این طبقه بندی دلایل کمک کننده برای انحراف قرار می گیرند.

ارتباط نزدیک با پدیده کجرو: به معنی ارتباط با یک خرده فرهنگ کجرو است. در اینجا ماتزا اشاره می کند به این که ارتباط نزدیک با عمل کجرو می تواند انحرافات بعدی را تحریک کند.

مشخص شدن: اشاره است به اهمیت عمل از دید جامعه، از آن جمله اقدام به برچسب زدن. مشخص شدن می تواند عکس العمل منطقی جامعه باشد یا به قول یکی از طرفداران ماتزا ماهیت خود کامه و استهزاء آمیز درگیری دولت در زندگی کسانی است که از گروه خود جدا شده اند و باید آنها را مجرم یا چیزی شبیه آن نامگذاری کند. هر یک از این مفاهیم اصلی اگر به صورت جداگانه مدنظر گرفته شوند. بسیار ساده تر از آن هستند که پیشامد انحراف را توضیح دهند ولی ماتزا می گوید که این سه به اتفاق هم تصویر کاملتری از انحراف و روند کجرو شدن بدست می دهند. این مفاهیم تئوری معاشرت گوناگون، تئوری خرده فرهنگی و تئوری برچسب را در یک برداشت واحد ادغام می کنند. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸:۱۴۴)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

دیاگرام متغیرها و روابط علی تئوری ماتزا

دیوید ماتزا بزهکاران را بعنوان افرادی که نسبت به ارزش های انحرافی پایبند باشند، نمی نگرد. او بر آن است که چون بسیاری از بزهکاران از اعمالی که مرتکب شده اند، ابراز شرمساری و گناه می کنند باید تا حدودی نسبت به نظم اجتماعی حاکم بر جامعه متعهد باشند. رفتار ممکن است انحرافی باشد اما علت آن مردود دانستن هنجارها و ارزشهای اصلی جامعه نیست بلکه توسل به عذر و بهانه هایی از قبیل توجیهات و دلیل تراشی برای انحراف است که ماتزا آنها را فنون سترون سازی می نامد. با استفاده از چنین فنونی بسیاری از سرزنشها و زشتی هایی که با اعمال انحرافی همراه هستند، پذیرفتنی می شوند. فنون سترون سازی عبارتند از نادیده گرفتن مسئولیت در قبال یک عمل انحرافی- بزهکار ممکن است با مقصر شمردن والدین یا محیطی که در آن زندگی می کند از خود سلب مسئولیت کند و بدین طریق صدمه ای را که از عمل وی ناشی می شود، نادیده انگارد.

۸-۳-۲ نظریه بوم شناسی انحراف- مکتب شیکاگو

بوم شناسی به رابطه میان ارگانیزم ها و محیط اشاره می کند اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را در باره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می توان بر حسب محیط شهری او تبیین کرد. شهرهای بزرگ بخصوص قسمت مرکزی آن، اغلب صحنه جرایم سازمان یافته است و در آن جا برای جوانان فرصت یادگیری راههای موفقیت آمیز ارتکاب جرایم زیاد است. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸:۱۴۰) کتلیفورد شاو و هنری مک کی، با استفاده از این دیدگاه در مطالعه انحراف، شهر شیکاگو را به پنج ناحیه تقسیم کردند و دریافتند که میزان بزهکاری به ترتیب از ناحیه یک، که مرکز تجارت است به سمت ناحیه پنج که در حاشیه خارجی شهر قرار دارد، کاهش می یابد.

شاو و مک کی نتایج بدست آمده را این گونه توضیح می دهند: ناحیه یک، محل تردد و جابجایی زیاد جمعیت است. دو دلیل عمده در این باره وجود دارد: نخست اینکه مهاجرانی که از روستا به شهر می آیند چون اغلب پول کافی ندارند و مخارج زندگی در ناحیه یک کمتر است معمولاً زندگی شهری خود را از این ناحیه آغاز می کنند. گسترش مرکزیت تجاری در این ناحیه از شهر، دومین دلیل جابجایی جمعیت محسوب می شود. شاو و مک کی استدلال می کنند که این فرایند رشد شهری، دلیل تمرکز جنایت و بزهکاری در ناحیه انتقال جمعیت است.

جابجایی زیاد جمعیت، از شکل گرفتن جامعه ای با ثبات جلوگیری می کند و به بی سازمانی اجتماعی منتهی می شود. نشانه های بی سازمانی اجتماعی عبارتند از: بزهکاری، فحشاء، قمار بازی، مصرف غیرقانونی داروهای

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

مخدر، زیاده روی در مصرف مشروبات الکلی، خشونت و خانواده های از هم گسیخته، این ها ویژگی های مرکز تجارت و بازرگانی است. این اعمال به این دلیل رخ می دهند که در مراکز انتقال و جابجایی جمعیت، کنترل اجتماعی ضعیف است و کنترل هایی از قبیل عقیده عمومی، نظارت همگانی و کنترل خانوادگی آن قدر قوی نیستند که از پیدایش ارزش ها و هنجارهای انحرافی جلوگیری کنند.

مطالعه شاو و مک کی در بعضی از مناطق شیکاگو نشان می دهد که مناطق «بد» شهر (با ارزیابی نبود فرصت ها، خانه های مخروبه و وجود مظاهر فساد اخلاقی) دارای میزان بالای بزهکاری نوجوانان هستند که در بعضی موارد بیست بار بیشتر از مناطق خوب است. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۱۴۰-۱۴۲) لذا می توان نتیجه گرفت که بین فقر و وجود فساد اخلاقی و طلاق پدر و مادر در محیط زندگی میزان بزهکاری نوجوانان رابطه مثبت (مستقیم) وجود دارد. همچنین بین میزان کنترل و شدت بزهکاری رابطه معکوس وجود دارد.

ارزیابی نظریه مکتب شیکاگو در مورد انحراف:

دیدگاه مکتب شیکاگو از این مزیت برخوردار است که تئوری های ساختاری و خرده فرهنگی را با جامعه پیوند می دهد. شاو و مک کی خاطر نشان می سازند که میزان بزهکاری با عوامل اقتصادی دقیقاً تطبیق می کند، درآمدها از ناحیه یک به سمت ناحیه پنج به تدریج افزایش می یابد. نرخ بزهکاری نیز به ترتیب از نواحی مرکزی به سمت نواحی کناری کاهش می یابد.

۹-۲-۲-۳-۲ نظریه ویلیامزهاال - عوامل خانواده موثر بر بزهکاری

طبیعی است که باید تحقیق در مورد توضیح جامعه شناختی جنایت را با مطالعه تأثیرات خانواده شروع کنیم. چرا که جامعه شناسان با روانشناسان و روانکاوان در این مسئله متفق القولند که هیچ چیز بیشتر از تجارب بدست آمده کودک در حین رشد در خانواده، بر رفتار کودک تأثیر نمی گذارد. گرچه تأثیر عوامل دیگر نیز گاهی چشمگیر است ولی عاملی موثرتر از این وجود ندارد.

عوامل خانواده که نیازمند بحث می باشند را می توان به پنج عنوان ذیل تعقسیم بندی کرد:

الف) خانواده گسسته شده (از هم پاشیده)

ب) کشش یا فشار خانواده (طلاق)

ج) انضباط و روابط خانواده

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

(د) محرومیت در خانواده

ه) اهمال و غفلت

الف) خانواده گسسته شده:

بحث بزهکاری عموماً حول محور تأثیر خانواده گسسته می گردد. اغلب به نظر می رسد که خانواده گسسته که به دلیل فوت یکی یا هر دو والدین، طلاق، یا فرار یکی از زوجین گسسته و فرو پاشیده، عامل اصلی جرم است. گسستگی روابط خانواده منجر به عدم رضایت اعضاء می شود.

آقا و بانو گلوک در مطالعات سال ۱۹۵۰ دریافتند که خانواده های گسسته شده عموماً در مورد گروه آزمایش (بزهکاران)، در مقایسه با گروه کنترل تقریباً ۲ برابر هستند. (۰/۶۰/۴، ۰/۳۴/۲)

خانواده گسسته شده باعث افزایش امکان بزهکاری در کودکانی می شود که از نظر عاطفی ناپایدار هستند و احساس ناتوانی - ناکامی می کنند.

تحقیقات اف- ایوان نای، نیز تأثیر خانواده گسسته را بر بزهکاری فرزندان نشان می دهد. نای اختلاف جزئی ولی مشخصی را در رفتار بزهکاران جوان از خانواده های گسسته (ناسالم) و خانواده های سالم مشاهده کرد که این امر را ناشی از فقدان کنترل بر روی فرزندان خانواده های تک والدینی دانست و به علت وجود ناپدیری یا نامادری دچار آشفتگی می شدند. یک کشف چشمگیر این بود که میزان بزهکاری در خانواده های گسسته شده کمتر از خانواده های غیرگسسته، اما غیرخوشبخت بود که موجب شد نای پیشنهاد کند که «عامل خوشبختی» ارتباط خیلی نزدیکتری با بزهکاری دارد تا وضع رسمی خانواده ترورگین اشاره می کند که وضع خانواده غیر گسسته ممکن است در موقعیت هایی به بدی خانواده های گسسته باشد، در موارد که والدین با هم زندگی می کردند روابطشان تیره بود (۵۵٪ کل موارد)، نای همچنین در رابطه با سنی که در آن در خانواده گسست ایجاد می شود، اطلاعاتی دارد و به نظر وی اهمیتی ندارد که در چه سنی این اتفاق می افتد. در حالیکه مطالعات دیگر به آسیب پذیری کودکان نزدیک سنین نوجوانی، در هنگام گسسته شدن خانواده اشاره دارد. در دوره قبل از بلوغ نسبت به والدینی که ممکن است در اثر گسست آسیب ببینند وفاداری و علاقه یا دلبستگی بیشتری وجود دارد. کودک خیلی بیشتر از آن چه که تصور می شود از نظر عاطفی درگیر می شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

به نظر می رسد نتیجه عمومی چنین باشد که والدین ناراضی شانس کودکان را برای بزهکار شدن تا دو برابر افزایش می دهند. همچنین عوامل دیگری مثل کیفیت روابط خانوادگی و درجه گرمی و ملاطفت و محبت و عشق و فشار و اضطراب یا تضاد در خانواده مورد بحث قرار گرفته اند. (Hall Williams, ۱۹۸۲: ۸۹-۹۴)

اگر خانواده گسسته شده نباشد، اما در آن روابط تیره و اختلاف وجود داشته باشد روی انحراف تأثیر مثبت دارد. نوشته های جمعیتی و ارتباطی، خانواده را مسئول میزان های بالای اعمال جنسی جوانان، حاملگی، بزهکاری و استفاده از مواد مخدر و الکل می داند و اغلب سطوح پایین کنش متقابل والدین- فرزند و سطوح بالای تضاد و خانواده گسسته را عامل آن می دانند.

(ب) کشش یا فشار خانواده:

اهمیت چشمگیر جو خانواده و درجه گرمی یا عاطفه و محبتی که یکی یا هر دو والدین به بچه ابراز می کنند، باید مشخص شود.

شاو و مک کی در گزارش دهه ۱۹۳۰ نتیجه گرفتند که گسستگی در میان افراد خانواده نیست که عامل تعیین کننده بزهکاری می شود بلکه اثر فزاینده فشار درونی و اختلاف عامل تبیین کننده است.

دیوید آبراهامسون روانشناس برجسته امریکایی دریافت، خانواده هایی که جنایتکاران را بوجود می آورند نسبت به خانواده های گروه غیربزهکاران شیوع بیشتر شرایط عاطفی ناسالم را در افراد خانواده نشان می دهند- که فشار خانواده نامیده می شود. این فشار خانواده با خصومت، تنفر، عصبانیت، آزردهی، پرخاشگری، اختلالات روانی، آشفتگی های عاطفی بوجود آمده و حفظ شده، در هر دوی والدین و فرزندان آشکار می شود.

(ج) انضباط و روابط خانواده:

بارت با پی بردن به این موضوع که ۶۰/۹ درصد از بزهکاران مورد مطالعه اش متعلق به خانواده های دارای نظم و انضباط ناقص هستند (در مقایسه با ۱۱/۵ درصد در گروه گواه)، او نظم ناقص را در رأس لیست عوامل خود قرار داد. مطالعات آقا و بانو گلوک نظم ناکافی و بی ثبات شامل کنترل کاملاً سست یا کنترل شدید و سخت را در مردان بزهکار و تقریباً زنان بزهکار نشان داد. کتاب آنها تحت عنوان محیط خانواده، رابطه بین نظم در خانه و رشد ویژگی های شخصیتی فرزند را نشان داد.

(د) مجرمیت در خانواده:

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

تأثیر اعضای دیگر خانواده که قبلاً بزهکار بودند نه فقط برادر یا خواهران، بلکه نسبت های دیگر، نیز از طرف جرم شناسان علاقمند به تحقیق آسیب شناسی خانواده در ارتباط با جرم بررسی شده است. بارت دریافت که فساد و جرم در خانواده های بزهکاران مورد مطالعه اش از نظر فراوانی پنج برابر بیشتر نسبت به خانواده غیربزهکار (گروه گواه) می باشد.

آقا و بانو گلوک دریافتند که بخش زیادی (بالای ۸۰ درصد) از متخلفین در خانواده هایی که اعضای بزهکار دیگری وجود داشته و در آن عرق خوری، جرم و بی بند و باری اخلاقی وجود داشته، پرورش یافته اند. ساترلند و کرسی به این نتیجه رسیدند که بزهکاران در خانواده هایی رشد می کنند که در وضعیت غیرعادی هستند و در آنها الگوهای بزهکارانه، ارائه می شود.

تأثیر داشتن برادر بزهکار تقریباً مانند داشتن پدری بزهکار مهم است. وست و فارینگتون ابراز می دارند که اگر پدر بچه بزهکار باشد احتمال دارد که سرپرستی و نظارت کافی و صحیح کاهش یابد و احتمال بزهکاری در کودک وجود دارد.

ه) اهمال و غفلت:

برخی از جرم شناسان تأثیرات غفلت از بچه در الگوی رفتار بچه به هنگام رشد و بویژه رفتار بزهکارانه را مطالعه و بررسی کرده اند.

ویلسون پی برد که این واقعیت محض یعنی غفلت از بچه نخستین عامل و مسبب می باشد که می تواند سطح بزهکاری موجود در بین نمونه هایش را تشریح کند. (Hall Williams, ۱۹۸۲: ۹۵-۱۰۰) شواهد تجربی فراوانی نشان میدهد که فقدان کنترل رفتاری بچه ها ارتباطی مثبت با گونه های متعدد مسائل رفتاری دارد. مطالعات شواهد معتبری را فراهم کرده که موضع گیری های مدیریتی ضعیف والدین بعنوان مثال فقدان نظارت و کنترل (طلاق) با رفتار مشکل ساز بچه ها، بزهکاری، مصرف مواد مخدر، زودرسی جنسی ارتباط دارد. (Barber, ۱۹۹۲: ۷۲)

۱۰-۳-۲-۲ نظریه امیل دورکیم

جرم هر نوع عملی است که در حد معین خودش موجب واکنش ویژه ای بر ضد عامل عمل می شود که نامش مجازات است. جرم ها اعمالی هستند که همه اعضای یک جامعه آنها را به صورت عام محکوم می کنند. تنها

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

ویژگی مشترک عام جرم ها در این است که جملگی به معتقدات اخلاقی که عامه مردم سخت بدان ها پایبندند تجاوز می کنند و در نتیجه باعث عکس العمل کیفری جامعه می شوند. هر قدر وجدان جمعی قوی تر باشد خشم (عمومی) بر ضد جرم، یعنی بر ضد تخطی از فرامین اجتماعی حادثتر است.

دورکیم جرم را یک پدیده بهنجار می دانست و حتی برای پیامدهای آن کارکردهای مثبت اجتماعی نیز قابل شده بود. جرم برای آن بهنجار است که هیچ جامعه ای نیست که بتواند سازگاری تام با دستورهای اجتماعی را بر همه اعضایش تحمیل کند. البته به شرط آن که جرم برای هر نمونه اجتماعی به میزانی برسد و از این میزان تجاوز نکند.

تأثیر تئوری های دورکیم بر جرم شناسی بسیار زیاد و قابل توجه است. او فرایندهای تغییر اجتماعی شامل صنعتی شدن را بعنوان بخشی از توسعه از شکل ابتدایی تر جامعه، مکانیکی به شکل پیشرفته تر ارگانیکی توصیف می کند. در شکل مکانیکی هر گروه اجتماعی در جامعه نسبتاً از سایر گروه های اجتماعی جدا می باشد و اساساً خودکفا هستند افراد تحت شرایط یکسانی زندگی می کنند کارهای یکسانی انجام می دهند و ارزش های واحدی دارند تقسیم کار اندک است و نیاز کمی به استعداد های فردی وجود دارد و انسجام جامعه مبتنی بر هم رنگی و همانندی افراد جامعه است.

در مقابل جامعه ارگانیکی قرار دارد که در آن بخش های مختلف جامعه به طور زیادی متکی به تقسیم کار سازمان یافته می شود. انسجام اجتماعی مبتنی بر گوناگونی و تنوع و تفاوت کارکردهای بخش های مختلف جامعه می باشد.

قانون به شیوه های نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی هر کدام از این دو نوع جوامع بازی می کند. در جوامع مکانیکی کارکردهای قانون، تقویت همانندی و هم رنگی اعضاء گروه اجتماعی است و بنابراین به سمت سرکوب کردن هر انحرافی از هنجارها جهت گیری شده است. از طرف دیگر در جوامع ارگانیکی کار کردن قانون منظم کردن کنش های متقابل بخش های متفاوت جامعه است و رسیدگی در مورد کارهای غیرقانونی را انجام می دهد. اگر این تنظیم کردن ناکافی باشد نتیجه آن می تواند انواع نابهنجاری های اجتماعی از جمله جرم باشد. از آن جایی که قانون چنین نقش های متفاوتی را در دو نوع جامعه بازی می کند، جرم به اشکال متفاوتی ظاهر می شود. دورکیم بحث می کند که تا حدی که جامعه در حالت مکانیکی باقی مانده باشد جرم «عادی» است یعنی اگر جامعه بدون جرم باشد به طور بیمارگونه ای بیش از حد کنترل شده است همین طور که جامعه به سمت حالت ارگانیکی قدم می گذارد احتمال برای یک حالت بیمارگونه و نابهنجار وجود دارد که دورکیم آن

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

را (آنومی) می نامد و انواع مختلف اختلالات و نابهنجاری های اجتماعی از جمله جرم را ایجاد می کند (Vold & Bernard: ۱۹۶۶: ۱۴۲-۱۵۰) به نظر دورکیم، انسان ها موجوداتی با آرزوهای نامحدودند، آنان بر خلاف جانوران دیگر با برآورده شدن نیازهای زیستی شان سیری نمی پذیرند. «انسان هر چه که بیشتر داشته باشد، بیشتر هم می خواهد و برآورده شدن هر نیازی به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیازهای تازه ای را هم بر می انگیزد». از این سیری ناپذیری طبیعی نوع بشر چنین برمی آید که آرزوهای انسان را تنها می توان با نظارت های خارجی یعنی با نظارت اجتماعی مهار کرد. هرگاه شیرازه تنظیم های اجتماعی از هم گسیخته گردند، نفوذ نظارت کننده جامعه بر گرایش های فردی، دیگر کارایی اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. دورکیم چنین وضعیتی را بی هنجاری می خواند. در این وضعیت آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی شوند و در نتیجه، افراد بدون راهنمای اخلاقی می مانند و هر کسی تنها هدف های شخصی اش را دنبال می کند و زمینه را برای بروز رفتارهای جنایی و جرم فراهم می کند. (کوزو، ۱۹۷۱: ۱۹۲-۱۹۱ / Vold & Bernard, ۱۹۸۶: ۱۵۱-۱۵۲)

ساختارهای اجتماعی ای که نرخ های خودکشی بالایی دارند، از نظر فقدان نسبی انسجام و نابهنجاری با یکدیگر وجه اشتراک دارند گروه ها از نظر درجه یکپارچگی با یکدیگر متفاوتند، یعنی این که برخی گروه ها بر اعضای فردی شان تسلط کامل دارند و آنها را در چهارچوب گروهی شان کاملاً یکپارچه می سازند، اما گروه های دیگری هستند که به اعضای شان تا اندازه زیادی آزادی عمل می دهند.

هرگاه جامعه ای سخت یکپارچه باشد، آن جامعه اعضایش را تحت نظارت خود دارد، در نتیجه خودکشی کمتر است. دورکیم دو عامل مهم را به عنوان واقعیات اجتماعی مسئول نرخ خودکشی در جامعه دانسته است. این دو عامل عبارتند از: انسجام اجتماعی و تنظیم اجتماعی

دورکیم استدلال می کرد که فراوانی اقتصادی که امیال بشری را بر می انگیزد، با خود خطر وقوع بی هنجاری را نیز به همراه می آورد. زیرا این فراوانی ما را می فریبد تا باور کنیم که تنها به خودمان وابسته ایم. حال آن که «فقر ما را در برابر خودکشی محافظت می کند زیرا به خودی خود یک عامل بازدارنده است». «هر چه شخص کمتر داشته باشد کمتر نیز وسوسه می شود که دامنه نیازهایش را به گونه ای نامحدود گسترش دهد».

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

ماهیت واقعیت های اجتماعی و دگرگونی های آن موجب تفاوت در نرخ خودکشی می شود، برای مثال جنگ با رکود اقتصادی حالتی از افسردگی جمعی را ایجاد می کند که همین به نوبه خود منجر به افزایش نرخ خودکشی می شود.

عامل علی خود شرایط مادی نیست بلکه عدم ثباتی است که این اوضاع در زندگی اجتماعی بوجود می آورد. مفهوم آنومی دورکیم شکل گیری مبنایی برای تفاسیر جامعه شناختی از انحراف می باشد. برای دورکیم آنومی، معانی مشابه ای دارد: شکست در درونی کردن هنجارهای جامعه، عدم توانایی در سازگاری با هنجارهای در حال تغییر یا حتی تنش حاصل از تضاد در هنجارها.

از نظر دورکیم گرایش های اجتماعی جدید در جوامع شهری - صنعتی نتیجه تغییر هنجارها، اختلال و دست کم گرفتن کنترل اجتماعی افراد است. افزایش جمعیت، ایجاد شیوه های جدید زندگی و احتمالاً آزادی بیشتری به افراد داده می شود، اما همچنین احتمال رفتار منحرف هم بیشتر می شود. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸ : ۱۲۹-۱۳۰)

دورکیم به سه ملاک اساسی جهت جلوگیری از رخداد انحراف توجه می کند:

۱- ارائه قواعد و اعتقادات اخلاقی به فرد از طریق فرایند جامعه پذیری (دورکیم دین را یکی از نیروهای می دانست که در درون افراد احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست های جامعه را ایجاد می کند). اهمیت حفظ اخلاق جمعی و نظم اجتماعی از نظر دورکیم در جلوگیری از وقوع بی هنجاری و خودکشی در جامعه است که عموماً از پی تقسیم کار (و جریان تفکیک اجتماعی) بوجود می آید.

دورکیم در طرح جامعه شناسی اخلاق سه عنصر اساسی برای اخلاق قایل می شود که عبارتند از: الف) پیوند عاطفی و احساس صمیمیت نسبت به جامعه و خانواده ب) نظم و ترتیب (انتظام یا منظم بودن و خود تنظیمی)، ج) خودمختاری و آگاهی و احساس استقلال.

۲- ایجاد امکانات لازم جهت تحقق اهداف گوناگون افراد و جامعه.

۳- برقراری نظام کنترلی خارج از فرد جهت نظارت برکنش ها و هدایت آن به سوی منافع گروه یا جمع.

به همین جهت دورکیم معتقد است پدیده آسیب شناختی نابسامانی اجتماعی به علت کاهش اخلاق جمعی، فقدان نظام قانونی و نظارت بر افراد به دلیل طلاق به وجود می آید.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

دورکیم (۱۹۳۳) تئوری بنیاد نهاد که تقسیم کار بر مبنای جنس که وابستگی به یکدیگر (همبستگی) را تشویق می کند، در یک نظام خانوادگی ثابت و استوار امری ناگزیر است. (Brinkerhoff & White, ۱۹۷۸: ۲۵۹-۲۶۰) تقسیم کار الزاماً به معنای پراکندگی و بی انسجامی نیست، بلکه برعکس، وظایف اگر به حد کافی با هم در ارتباط باشند به خودی خود به تعادل و انتظام می گرایند. تقسیم کار یکی از بنیان های اساسی نظم اجتماعی است. (دورکیم، ۱۳۶۹: ۵۰، ۱۰) نتایج حاصل از تقسیم کار عبارت است از برقراری نوعی نظم خود بنیاد اجتماعی و اخلاقی.

نظام تقسیم کار، نقطه عطف و اساس کار دورکیم است، بعد از این مرحله است که در نتیجه ایجاد «چسب اجتماعی» جامعه دارای نظم و تعادل می شود. چنین جامعه ای در اصطلاح دورکیم جامعه «بهنجار» و طبیعی است. جامعه بهنجار دارای «انسجام» Integration است و در نهایت به «ثبات» می رسد.

به طور خلاصه، سیستم همان چیزی است که بر اساس نیازهای جمعی شکل گرفته است و نیازهای جمعی هم با برخورداری از باورهای جمعی و بر اساس قراردادهای جمعی، آگاهی جمعی را به وجود می آورند. آگاهی جمعی از طریق چهار کانال عمده هنجارهای اجتماعی عمل اجتماعی را شکل می دهد. که این عمل اجتماعی، خودش کارکرد اجتماعی است و کارکرد اجتماعی، فرایند درونی کردن را به حد نهایت خود می رساند و در این شرایط فرد وارد نظام تقسیم کار می شود. نظام تقسیم کار اولین مرحله ساختی شدن جامعه است که موجب تشکل بهنجاری در جامعه می گردد و بهنجاری یعنی آرامش و حفظ نظم. لذا جامعه به مرحله آخر که انسجام واقعی و ثبات است می رسد که این مرحله نیز از طریق «همبستگی اجتماعی» به نوبه خود آگاهی جمعی را تحکیم می بخشد. از دید دورکیم اگر جامعه ای این سیکل را طی کند جامعه ای سالم و درست و صحیح و بهنجار است.

مرحله دوم رشد سیستمی دورکیم به این ترتیب بود که هنجارها از آگاهی جمعی جدا می شود و به شکل وظایف و کارکردها در می آیند و سپس وارد مرحله ساختی نظام تقسیم کار می شوند. در این مرحله آن چه که مهم است، میزان «تفکیک» و تمایز نقش های اجتماعی است. تقسیم کار در دو قضیه خلاصه می شود، یکی تفکیک پذیری و تمایزگذاری نقش های اجتماعی و دیگری تأثیر این تفکیک پذیری و تمایزگذاری در انسجام اجتماعی و نوع و میزان رابطه عناصر اجتماعی با انسجام است.

دورکیم نشان می دهد که آن چه باعث انسجام اجتماعی می شود، مجموعه عواطف و رفتارهای مناسبی است. وابستگی عاطفی تولید متعهد می کند و تعهد و علاقه اجتماعی نیز عناصر اصلی تشکیل دهنده هنجارهای

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

اجتماعی و اخلاقی هستند. پس بدون وابستگی عاطفی، نظم هنجاری غیرممکن است پایه نظم هنجاری جامعه عاطفه است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از مشخصه های اصلی همبستگی اجتماعی اند همگی ریشه در وابستگی عاطفی دارند. وابستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی اجتماع است. خانواده اولین آژانس جامعه پذیری است که به پرورش عاطفه فرد می پردازد و در آن فرد نسبت به سایر اعضا وابستگی عاطفی پیدا می کند. به تعبیر دورکیم همبستگی اجتماعی مبتنی بر برابری در فکر، احساس و کنش است.

- بین اعتقادات اخلاقی و وابستگی های عاطفی اعضا گروه رابطه معناداری وجود دارد.

- هر چه درجه توافق گروهی قوی تر باشد اعضا رفتار انحرافی کمتری از خود به بروز می دهند و تقید به وجدان جمعی افزایش می یابد.

- هر چه نظام تخصیص نقش ها منسجم تر باشد، نظم بیشتر و لذا انحراف کمتر می باشد.

- هر چه انسجام بیشتر باشد، ثبات اجتماعی بیشتر می باشد.

- هرچه ثبات اجتماعی بیشتر باشد وجدان جمعی استحکام و مشروعیت بیشتری می یابد و میزان انحرافات کمتر می شود.

- هر چه فرایند جامعه پذیری کاملتر انجام گیرد، میزان انحراف از هنجارهای عام کمتر می شود.

۱۱-۳-۲ نظریه ویلیام گود:

احساسات و عواطف بین زن و شوهر در یک واحد کوچک خانوادگی دارای اهمیت است، خانواده زن و شوهری بر اساس عشق بوجود آمده و از افراد معدودی تشکیل شده که با هم در ارتباط نزدیک و تماس بسیارند. اگر زن یا مرد در یک چنین خانواده ای عشق و علاقه ای را که انتظار آن را دارند به دست نیاورند انگیزه ادامه زندگی خانوادگی سست می شود و به همین جهت است که میزان طلاق در چنین خانواده هایی نسبتاً بالا است.

گود گسیختگی خانواده را به این صورت تعریف می کند: فروپاشی واحد خانواده، انحلال یا تجزیه ساختی نقش های اجتماعی است، زیرا یک یا چند تن به طور شایسته از عهده انجام وظایف و تکالیف ناشی از نقش شان بر نیامده اند. توجه زیادی به طلاق کرده زیرا انواع دیگر گسیختگی خانواده احتمالاً به این شیوه ختم می شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

انواع گسیختگی خانواده:

۱- واحد خانوادگی کامل نشده است، عدم مشروعیت را می توان به عنوان یک شکل از هم گسیختگی خانواده به دو دلیل در نظر گرفت:

- (a) شوهر یا پدر در انجام تکالیف ناشی از نقش اش که به وسیله جامعه و مادر و فرزند تعریف شده ناتوان است.
- (b) اعضاء خانواده هم پدر و هم مادر از عهده انجام نقش شان بر نیامده اند مخصوصاً با توجه به کنترل اجتماعی، علت غیرمستقیم عمده برای عدم مشروعیت است.

۲- خانواده به این علت که یکی از دو همسر تصمیم داوطلبانه بر جدایی، فسخ، متارکه، طلاق می گیرد، تجزیه می شود، ترک شغل را نیز می توان در این جا در نظر گرفت.

۳- تغییر در تعریف نقش ناشی از تأثیر متفاوت تغییرات فرهنگی. این تغییرات ممکن است روی روابط بین شوهر و زن تأثیر گذارد. اما نتیجه عمده، تضاد والدین- جوانان می باشد.

۴- خانواده توخالی که در آن اعضاء با یکدیگر زندگی می کنند اما کمترین ارتباط و تماسی را با یکدیگر دارند و از عهده انجام وظیفه حمایت احساسی یکدیگر بر نیامده اند.

۵- علت بحران خانوادگی ممکن است حوادث بیرونی مثل فقدان یا غیبت موقتی یا دائمی یکی از همسران به علت مرگ یا زندانی بودن در زندان یا به علت فاجعه یا مصیبت های غیرشخصی مثل سیل، جنگ و رکود اقتصادی باشد.

۶- مشکلات درونی که باعث عدم موفقیت غیرارادی در اجرای نقش می شود. علت از هم گسیختگی خانواده ممکن است بیماری های روانی، احساسی و فیزیکی باشد. بچه ای ممکن است عقب افتاده روانی باشد، همچنین می توان روان پریشی بچه یا همسر یا بیماری های مزمن و علاج ناپذیر را ذکر کرد. (Merton & Nisbel. ۱۹۷۱: ۱۶۸-۱۶۹)

یک مجموعه حیاتی، هنگامی سالم و منسجم است که دقیقاً بر اساس الگویی مشخص و منظم عمل نماید. از این رو هرگاه جامعه نظم خود را از دست دهد، آرامش آن نیز از بین رفته و سازمان بندیش نیز متزلزل می گردد و

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

نهایتاً انسجامش از هم پاشیده می شود و ناگزیر آن جامعه دیگر جامعه ای پایدار و سالم نیست بلکه جامعه ای بحران زده است که دچار «از هم گسیختگی اجتماعی» و «از هم پاشیدگی اجتماعی» شده است.

چه اتفاقی برای کودکان می افتد هنگامی که کانون خانواده ای مادر یا پدر خود را از دست می دهد؟

گود می گوید کودکانی که در یک خانه شاد و خوشبخت پرورش یافته اند بسیار احتمال دارد که خود نیز تبدیل به افرادی شاد و از نظر روانی سالم شوند.

بررسی های روانی نشان می دهند که کودکان خانواده های «توخالی» کمتر احتمال دارد که از شادی و سلامت روانی برخوردار باشند دقیقاً به خاطر اینکه اعضای خانواده در وظایف عاطفی خود نسبت به همدیگر کوتاهی کرده اند و متخصصین رشد می گویند که گرمی (صمیمیت)، دلبستگی، عشق و محبت برای اجتماعی شدن مناسب و کافی لازم است. گود عوامل موثر در اجتماعی کردن فرزند را بیان می کند که از جمله این عوامل، گرمی، پرورش و محبت والدین یا اشخاص دیگری (مانند معلم و گروه همسالان)، که برای اجتماعی کردن فرزند در تلاش هستند، می باشد. اگر کسانی که فرزند را اجتماعی می کنند، با محبت باشند، این احتمال وجود دارد که کودک هم آنها را دوست داشته باشد و به آرزوها و احساسات آنها توجه نماید. والدین مهربان و با محبت، احتمالاً بیشتر از دیگران برای مواظبت از نیازهای فرزند مناسب می باشند. (Goode, ۱۹۸۹: ۸۷, ۱۶۵)

در رابطه با مشکلات رفتاری ساده، در طول چندین دهه نتیجه مطالعات این بوده است که بزهکاری نوجوانان با «خانواده های گسسته شده» ارتباط دارد. که البته بیشتر این گسستگی ها در نتیجه طلاق حاصل شده است. همچنین بزهکاری نوجوانان با وضعیت طبقاتی آنها رابطه داشته است به طوری که بالاترین میزان در جهت طبقه پایین تر اجتماع است. بنابراین این رابطه به نوبه خود نشان می دهد که هم طلاق و هم بزهکاری جوان به احتمال بیشتر تجربه کودکان خانواده هایی است که از وضعیت خانوادگی خوبی برخوردار نبوده اند.

مطالعات ثابت کرده اند که حتی در مواردی که وضعیت طبقاتی ثابت باشد میزان بزهکاری در خانواده های گسسته نسبتاً بالاتر از خانواده های سالم می باشد و بین کودکان خانواده های از هم گسسته شده در اثر جدایی یا طلاق بالاتر است تا در مورد کودکان خانواده هایی که در نتیجه مرگ یکی از والدین از هم گسیخته شده اند، زیرا شخص داغدار از حمایت اجتماعی برخوردار است و کمتر امکان دارد دوره ای از اختلاف نظرها (مشاجره ها)، کینه توزیها و تعیین هویت یا عدم وفاداری را پشت سر گذاشته باشند. مطالعات همچنین روشن می سازند که کودکان بزرگ شده در خانواده هایی که والدین از طلاق گرفتن خودداری نموده ولی به جنگ و دعوا با یکدیگر ادامه می دهند نسبت به کودکان خانواده های طلاق گرفته دارای مشکلات عاطفی بیشتری هستند. کیفیت

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

روابط بین والدین دارای بیشترین اثر است بنابراین دشمنی، عصبانیت، سردی و کناره گیری احتمالاً اثرات مخرب بیشتری روی کودکان دارد تا صرف غیبت یکی از والدین.

تضاد بین والدین تأثیرش از طلاق روی بچه ها بیشتر است، جلوگیری از طلاق ممکن است بیش از طلاق در به وجود آوردن جرم جوانان موثر باشد. (Merton & Nisbet, ۱۹۷۱: ۵۲۵-۵۲۶, Goode, ۱۹۸۹/ ۱۶۶-۱۶۷) بعضی مطالعات اشاره می کنند به اینکه زندگی فرزندان با مادران بیوه از زندگی فرزندان با مادران طلاق گرفته و یا هرگز ازدواج نکرده بهتر است. (Aston & Mclanahan, ۱۹۹۱: ۳۱۲) تضاد بین والدین بعد از طلاق مستقیماً مشکلات رفتاری افزایش یافته در فرزندان را پیش بینی می کند. بچه هایی که در خانواده پر تنش (همراه با تضاد) زندگی می کنند، احتمالاً بیشتر، مسائل و مشکلات عاطفی و رفتاری نشان می دهند تا بچه هایی که در خانواده های بدون تضاد زندگی می کنند. برای برخی یا تعدادی بچه ها، فایده اصلی طلاق والدین توقف یا قطع دشمنی و کینه توزی والدین می باشد.

از طرف دیگر این طبیعی است که برخی از والدین بعد از طلاق درگیر در اختلافات می شوند. تضاد بین والدین بعد از طلاق بر سازگاری رفتاری فرزندان که متأثر از ارتباط فرزند با هر دو والدین، رابطه والدین- فرزند، فرایندهای عاطفی (احساسی) فرزند است، تأثیر می گذارد. به همین اندازه نیز محتمل است که در طلاق هایی که زن و شوهر نسبت به هم دشمنی نشان می دهند، درصدد آن هستند که کودکانشان را در مشاجرات خود درگیر کنند به کودکان شان می گویند که طرف دیگر تا چه اندازه بد است بیشتر احتمال دارد اثر بدی روی رشد شخصیتی فرزندان داشته باشد. در حقیقت توجه به تأثیر منفی تضاد بین والدین بعد از طلاق بر سازگاری فرزند یک موضوع عمده برای بحث سرپرستی ایجاد می کند. (Lee, ۱۹۹۷: ۶۱-۶۲, Goode, ۱۹۸۹: ۱۶۵)

روابط بین فرزندان و والدین خونی- مخصوصاً مادران- اغلب نشانه هایی از تنش و کشمکش را نشان می دهد. برای مثال، هترینگتون و کاکس ۱۹۸۲ دریافتند که یک سال پس از طلاق، مادران خونی، محبت و دلبستگی کمتری نسبت به فرزندان دارند. آنها را بیرحمانه تر و شدیدتر تنبیه می کنند، در به کار بردن نظم، بی ثبات تر می شوند نسبت به مادرانی که طلاق نگرفته اند.

تحقیقات اخیر نشان می دهد که رسیدن به نوجوانی بهبودی در روابط ضعیف و آسیب دیده بین فرزند و والدین ایجاد نمی کند. فرزند بزرگسال والدین طلاق گرفته دلبستگی کمتری را نسبت به والدین شان احساس می کنند و ارتباط کمتری با آنها دارند. به هر حال چون مادران معمولاً سرپرستی از بچه را در اختیار دارند روابط بین فرزندان بزرگسال و پدران شان مخصوصاً پس از طلاق ضعیف و آسیب پذیر می باشد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

: مدل مسیر روابط بین دلبستگی والدین به فرزند در سال ۱۹۸۸، طلاق بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۸، مشکلات رابطه والدین- فرزند در سال ۱۹۸۰ و خوشبختی زندگی زناشویی والدین در سال ۱۹۸۰

دیگرام مسیر نشان می دهد: هر چه مشکلات رابطه والدین و فرزندان بیشتر، دلبستگی والدین- فرزند کمتر می شود و خوشبختی زندگی زناشویی تأثیر منفی روی طلاق دارد، هر چه خوشبختی زندگی زناشویی بیشتر باشد طلاق کمتر است.

هر چه خوشبختی زندگی زناشویی بیشتر، دلبستگی والدین- فرزند بیشتر می باشد و تأثیر منفی طلاق روی دلبستگی والدین- فرزند (در مورد پدر با فرزند) را نشان می دهد. (Amato & Booth, ۱۹۹۶: ۳۶۵, ۳۶۱) شواهد قوی نشان می دهد که رابطه مثبت فرزند با یکی از والدین می تواند حفاظی برای تأثیر نامطلوب طلاق والدین بر دختر یا پسر باشد. کلاین و جانستون (۱۹۹۱) در مطالعه طولی از ۱۸۴ خانواده در حال طلاق دریافتند که تضاد بین والدین به طور غیرمستقیمی با مشکلات رفتاری و عاطفی فرزند ارتباط دارد. چنین تضاد به زوال در روابط مادر- فرزند که بوسیله گرمی کمتر، همدلی کمتر و انتظار کمتر از کنترل خود مشخص می شود، می انجامد.

ادبیات مربوط به این موضوع نشان می دهد که یک رابطه خوب بین والدین- فرزند یک عامل مثبت در بهبود و افزایش سازگاری بعد از طلاق در فرزند می باشد. (Lee, ۱۹۹۷: ۶۳)

«تحلیل مسیر از تضاد بین والدین بعد از طلاق و سازگاری رفتاری فرزندان»

رابطه فرزند با هر دو والدین با مسائل رفتاری فرزند - $\beta_{26} =$ نشان می دهد که ارتباط افزایش یافته فرزند با هر دو والدین در حقیقت مسائل رفتاری کمتری در فرزند ایجاد می کند. همچنین ارتباط فرزند با هر دو والدین تأثیر غیرمستقیمی از طریق خشم و جستجو حمایت از والدین بر مسائل رفتاری فرزند دارد. تأثیر مستقیم تضاد بین والدین با مسائل رفتاری فرزندان، $\beta_{25} =$ می باشد. یعنی هر چه تضاد بین والدین بیشتر می شود مسائل رفتاری فرزندان نیز بیشتر می شود. مسیر غیرمستقیم از طریق ارتباط فرزند با هر دو والدین، مسائل رفتاری کاهش یافته در فرزند را نشان می دهد. (Lee, ۱۹۹۷: ۷۴-۷۵)

جدول ۱: تجزیه تأثیرات متغیرهای توضیحی بر مسائل رفتاری فرزندان در کل $N=58$

تأثیرات کل تأثیرات غیرمستقیم تأثیرات مستقیم

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

-۲۲ - ۰,۳ ۲۵. تضاد بین والدین

-۱۱. ۱۵. - ۲۶ ارتباط فرزند با هر دو والدین

۴۳. ۰۶. ۳۷. روابط مادر- فرزند

۲۹. ۰۷. ۲۲. خشم

-۲۷. - ۲۷. جستجو حمایت از والدین

نقل از لی، ۱۹۹۷، ص ۷۶

گود تعدادی از متغیرهای مربوط به آمادگی برای طلاق را خلاصه کرده از جمله: پیشینه شهری، ازدواج در سنین نوجوانی، آشنایی کوتاه یا کم قبل از ازدواج (کوتاه بودن دوران نامزدی)، زندگی ناموفق والدین زوج ها، عدم تأیید ازدواج از طرف دوستان و خویشاوندان، عدم تشابه در پیشینه و اختلاف در تعهدات و وظایف نقش متقابل زوجین. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۱۶)

بر طبق نظر دوول و لوئیس یکی از علل طلاق در جوامع امروزی ازدواجهای شتابزده و بی برنامه است. لن دیس و لن دیس متذکر شده اند که «کمبود آمادگی در ازدواج» یک علت طلاق است. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۳۶)

میزان طلاق و مرگ و میر در محله های فقیرنشین بالاتر می باشد جایی که میزان بزهکاری نیز بالاست، همچنین الگوهای نقشی که والدین در مورد فرزندشان و کنترل اجتماعی به آنها اعمال می کنند مورد توجه است اگر پدر و مادر نباشد دختر و پسر نمی توانند الگوهای نقشی کافی برای پیروی داشته باشند و نمی توانند الگوهای مناسب رفتار را یاد بگیرند. (Merton & Nisbet, ۱۹۷۱: ۵۲۵)

وضعیت اقتصادی در خانواده های تک والدینی متزلزل و بی ثبات است، به خصوص در خانواده هایی که فقط مادر وجود دارد، نسبت به خانواده های دیگر فقیرترند و فقر و کمبوداتشان عمیق تر از گروه های دیگر می باشد. به نظر دانکن و هوفمن ۱۹۸۵، در بین این گونه خانواده ها و حتی در میان خانواده های تک والدینی که در بالاتر از خط فقر زندگی می کنند، عدم امنیت اقتصادی وجود دارد، یا یک امر عادی است. متوسط درآمد خانواده ها با (مادر یا پدر خوانده) بیشتر از درآمد خانواده های تک والدینی است، اما تا اندازه ای، کمتر از درآمد خانواده های طبیعی (با پدر و مادر طبیعی) است. (Aston & McInanahan, ۱۹۹۱: ۳۰۹) از جمله

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

پیامدهای وخیمی که مشکلات اقتصادی برای والدین و بچه ها به همراه دارد سطوح پایین پرورش والدین، بی ثباتی نظم و انضباط و افسردگی نوجوانان می باشد. (Demo, ۱۹۹۲: ۱۱۰)

انواع گسیختگی خانواده:

- اکثراً زن سرپرست خانواده است، بیشتر طلاق گرفته و جدا شده اند، درآمد کم و معمولاً در فقر به سر می برند، زندگی در خانه های اجاره ای یا دولتی، شغل های کم درآمد.

والد تنها، وظایف خانه داری و نقش های پدر و مادری را در یک زمان می بایست انجام دهد و می بایست به فرزندانش حمایت عاطفی ارائه دهد. (Schlesinger, ۱۹۹۶: ۹۵-۹۶)

خصوصیات خانواده های تک والدینی

موضوعات احساسی (عاطفی) موضوعات مادی (عینی)

وظیفه عاطفی

جدایی

زمان کم برای خود

تنهایی

تصور از خود منفی

بار اضافی مسئولیت (سنگینی وظایف مراقبت بچه

استخدام

وضع مالی

خانه اجاره ای

کمک قانونی

زندگی جنسی - اجتماعی کنترل و محدود شده

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

نقل از شلسینگر، ۱۹۹۶، ص ۹۵

اخیراً جامعه شناسان به عامل دیگری که خود متأثر از ساخت خانواده است، توجه کرده اند و آن نحوه ترتیب فرزند (بچه چندم خانواده) می باشد و روی سلامت و رفاه فرزندان در بلند مدت تأثیر دارد. مطالعات والرستین، استینبرگ ۱۹۸۷، هترینگتون، کاکس ۱۹۷۸، نشان می دهد که بچه های خانواده های از هم پاشیده کمتر مورد توجه و کنترل اجتماعی والدین قرار می گیرند نسبت به بچه هایی که با والدین طبیعی شان زندگی می کنند. کیفیت روابط والدین- فرزندان در خانواده های تک والدینی و ناپدری و نامادری نسبت به خانواده های سالم ممکن است به علت فشار روحی مربوط به طلاق، ازدواج دوباره، یا هر دو اختلاف بین والدین طبیعی یا اختلاف بین فرزندان و ناپدری و نامادری، پایین تر باشد. مطالعات متعددی نشان داده است که فرزندان در خانواده های تک والدینی و یا ناپدری و نامادری کمتر به پدران خود احساس نزدیکی می کنند نسبت به بچه هایی که با پدر و مادر طبیعی خود زندگی می کنند.

به نظر دوتیت شواهدی وجود دارد که رابطه مادر و فرزند در خانواده های از هم پاشیده متفاوت از خانواده های سالم است. چون مادران تنها ساعت های مدیدی وقت خود را در خارج از خانه صرف می کنند، نسبت به مادران ازدواج کرده، یعنی زمان کمتری برای نظارت بر فرزندان خود دارند. (Aston & Mclanahan, ۱۹۹۱: ۳۱۰-۳۱۱)

به نظر نوک و استینرگ ۱۹۸۸، دی وال ۱۹۸۶ و ویس ۱۹۷۹ ساخت قدرت والدین در خانواده های تک والدینی و ناپدری یا نامادری ضعیف تر است. به خصوص در خانواده هایی که فقط مادر وجود دارد، در رابطه با فرزندان خود قدرت کمتری را اعمال می کنند و اغلب راز نگه دار بچه هایشان هستند بچه ها در خانواده تک والدینی کمتر مشمول نظارت و دقت خانواده در مورد کارهای مدرسه و خارج از خانه هستند و نوجوانان فرصت بیشتری برای تصمیم گیری های مستقل از والدین دارند.

(Aston & Mclanahan, ۱۹۹۱: ۳۱۱-۳۱۵/ Demo, ۱۹۹۲: ۱۱۰)

تفاوت در ترتیب فرزندان در خانواده تک والدینی در مقایسه با خانواده طبیعی محدودیت وقت و انرژی را برای فرزندان مطرح می کند. در خانواده تک والدینی، بزرگسال وقت و انرژی کمتری برای فرزند خود دارد در خانواده ای که مادر برای مدتی خودش به تنهایی با فرزندش زندگی کرده است، پدر خوانده ممکن است مانند یک مزاحم و یا رقیب در وقت مادر به حساب آید. بچه ها در خانواده ناپدری و نامادری دارای آرزوهای تحصیلی کمتر از جانب والدین و دقت و نظارت کمتر والدین در امور مدرسه هستند. اما در مورد نظارت کلی بر کار بچه

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

ها تفاوتی بین خانواده های ناپدری و نامادری و خانواده طبیعی وجود ندارد. تعداد والدین می تواند عنصر کلیدی در کنترل و نظارت در امور خارج از منزل باشد.

جالب این که، فرزندان در خانواده های تک والدینی بیش از سایر فرزندان وقت صرف گفتگو و صحبت با والدین خود (پدر یا مادر) می کنند. فقدان رابطه بین والدین و فرزندان در خانواده های ناپدری و نامادری دیده می شود زیرا در این گونه خانواده ها به ویژه در خانواده ناپدری روابط متقابل بین مادر و فرزند به خاطر صرف وقت و زمان مادر برای همسر تازه اش کاهش می یابد.

از هم پاشیدگی خانواده و زندگی زناشویی به کاهش صرف وقت والدین برای فرزندان در زمینه کارهای مدرسه و نظارت بر امور آنان می انجامد و به کاهش روابط متقابل والدین و فرزندان منجر می شود. این تغییرات در نظارت پدر بر امور تحصیلی فرزند شدیدتر است که احتمالاً نشان دهنده این واقعیت است که بیشتر فرزندان بعد از طلاق با مادر خود زندگی می کنند. فرزندان در خانواده های تک والدینی و ناپدری یا نامادری احتمالاً بیشتر از خود علایم ترک تحصیل را نشان می دهند.

سرمایه اجتماعی یعنی رابطه بین والدین و فرزندان تعیین کننده سرمایه مالی و انسانی است که والدین دارا می باشند و فرزندان می توانند از آن برخوردار شوند. کلمن معتقد است که تعداد والدین در خانه شاخص سرمایه اجتماعی فرزندان است. ما اضافه می کنیم که همچنین قوت و دلبستگی و تعلق خاطر بین فرزندان و والدین تعیین کننده سرمایه اجتماعی است. بدین ترتیب که فرزندی ممکن است با والدین خود زندگی کند اما دسترسی اش به سرمایه اجتماعی بستگی به دو امر دارد:

۱- تمایل و توانایی والدین در تخصیص وقت و توجه به فرزند.

۲- قابلیت پذیرش فرزند از این پیش درآمد عمل. (Aston & McLanahan, ۱۹۹۱: ۳۱۱-۳۱۹) بعضی طبقات بچه ها آسیب پذیر باقی می مانند، فرزندان جوان و کم سن و سال در خانواده های فقیر و محروم احتمالاً بیشتر مورد اذیت و خشونت قرار دارند. بعلاوه بیشترین موارد تجاوز جنسی به فرزندان توسط والدین انجام شده، اغلب پدر یا نامادری، دختران را از نظر جسمی مورد اذیت و تعدی قرار می دهند. (Demo ۱۹۹۲:

(۱۱۲)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۱۲-۳-۲ نظریه تالکوت پارسنز

پارسنز با جدیت تمام، مسئله هابزی را بنیان کار تئوری سازی جامعه شناختی خود قرار می دهد. در حقیقت مسئله اساسی نظریه تحلیلی کنش پارسونز، مسئله نظم اجتماعی است.

پارسنز واحد اساسی و ساده کنش را «واحد کنش» می نامد که به عنوان قسمتی از نظام عینی و واقعی کنش دارای معنا می باشد. واحد کنش عناصر زیر را شامل می شود:

۱- یک عامل که پارسنز آن را کنشگر می نامد.

۲- یک هدف، وضعیتی آتی که فرایند کنش به سمت آن جهت گیری شده و جنبه غایی دارد.

۳- ورود به «وضعیتی» متفاوت از آن چه که کنش به سمت آن سوء گرفته است (هدف) و دو عنصر را شامل می شود: آنهایی که کنشگر نمی تواند آن را تغییر دهد یا تحت نظارت داشته باشد- شرایط- و آنهایی که کنشگر قادر است آنها را کنترل کند- ابزار.

۴- هنجارها و ارزشها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدفها نقش بازی می کنند.

پارسنز همه تئوری خویش را بر نقش کانونی گرایش هنجاری در تبیین کنش اجتماعی قرار می دهد.

(Hamilton, ۱۹۸۳: ۷۰-۷۱, Ritzer, ۱۹۸۸/ ۴۴۶)

پارسنز در تئوری خود خطوط زیر را ترسیم می کند:

- کنشگران قادر به کنش اختیاری نسبت به دیگران می باشند،

- اهداف که آنها در تلاش برای بدست آوردن آن هستند از طریق،

- انتخابهایشان از میان ابزارها و شیوه های متفاوتی که بستگی دارد به،

- مجموعه ای از هنجارها، ارزشها، اخلاقیات و عقاید و ... که بر جهت انتخاب اهداف و ابزار رسیدن به اهداف تأثیر می گذارند،

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

- کنش در یک شرایط (موقعیت هایی) بیولوژیکی و محیطی انجام می گیرد که حد و مرزهای انتخاب و تحقق واقعی اهداف را تعیین می کند. (Hamilton ۱۹۸۳: ۷۷)

مفروضات پارسنز در نظم کارکرد گرایی ساختی:

پارسنز به شیوه کارکرد گرایی ساختاری پخش را به مسئله نظم بیان می کند و مجموعه مفروضات زیر را مطرح می کند:

۱- نظام ها از نظم و وابستگی اجزاء نسبت به یکدیگر برخوردارند.

۲- نظامها به سمت حفظ نظم و تعادل گرایش دارند.

۳- نظام ها می توانند ایستا باشند یا در یک فرایند تغییر منظم عمل کنند.

۴- ماهیت هر جزء از نظام شکلی که قسمتهای دیگر می تواند به خود بگیرد، تأثیر می گذارد.

۵- نظامها، مرزها با محیط شان را حفظ می کنند.

۶- تخصیص و ترکیب، دو فرایند اساسی است که برای وضعیت تعادل در نظام ضروری می باشند.

۷- نظام ها به سمت حفظ خود یعنی حفظ مرزها و روابط اجزاء با کل، کنترل گوناگونی های محیطی و کنترل تغییر در درون نظام گرایش دارند. (Ritzer, ۱۹۸۸: ۲۱۰)

منظور پارسنز از نظام اجتماعی، شبکه کنش متقابل میان افراد است که از طریق آن دو نفر (دو عامل) یا بیشتر با یکدیگر ارتباط می یابند، یکدیگر را تحت تأثیر قرار داده و در حد امکان جمعی عمل می کنند و نقش های محول شده هنجاری را ایفا می کنند. (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۴۷ / ترنر، ۱۹۷۷: ۵۱-۵۰)

در قالبهای زیر سه سطح انتزاعی از خرده نظام های جامعه مشاهده می شود.

سطوح انتزاعی خرده نظام های جامعه

G A G A

نظام شخصیت نظام ارگانیسمی هدف یابی تطابق

جامعه فرهنگ همبستگی (انسجام) حفظ تداوم الگو

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

I L I L

(۲) دومین سطح انتزاع، خرده نظامهای نظام کنش (۱) اولین سطح انتزاع: نظریه عام کنش

G A G A

شکل حکومت اقتصاد شخصیت ارگانیزم رفتاری

اجتماع جامعه‌ای جامعه پذیری جامعه فرهنگ

I L I L

(۴) خرده نظام های جامعه ۳- سومین سطح انتزاع: مفاهیم با اطلاق مشخص

سطوح نخست: هر نظام اجتماعی می بایست، «چهار مسئله کارکردی» عمده را داشته باشد. این چهار مسئله به عنوان طرح AGIL مطرح گردیدند.

تطابق به مسئله بدست آوردن منابع کافی، تجهیزات یا امکاناتی از محیط بیرونی نظام و توزیع بعدی شان در نظام اشاره می کند.

هدف یابی به خصوصیات یک نظام عمل که در آن برای حفظ و تأمین اهداف به انگیزه و بسیج تلاش و انرژی در نظام به منظور دستیابی به آنها، اشاره می کند (دستیابی به هدف، به مسئله برقرار کردن اولویت ها در میان هدفهای نظام و بسیج منابع نظام برای حصول آنها دلالت می کند).

همبستگی به مسئله حفظ انسجام یا یکپارچگی اشاره می کند که شامل عناصری می شود که به استقرار کنترل، حفظ هماهنگی یا تعادل خرده نظام ها و جلوگیری از گسستگی عمده در نظام کمک می کند.

نهفتگی «حفظ و نگهداری الگوها» ارائه سنبل ها، ایده ها، سلیقه ها و قضاوتها از نظام فرهنگی و اداره تنش، یعنی حل فشارهای درونی تنش های کنشگران.

حفظ الگو به این مسئله که چگونه مطمئن شویم که کنشگران در نظام اجتماعی خصوصیات «درخور» (انگیزه ها، نیازها، مهارت‌های ایفای نقش و جزء اینها) از خود نشان می دهند، مربوط می شود. (آموزش و پرورش و جامعه پذیری با میانجیگری خانواده در بسیاری از جوامع بزرگتر، همین نقش را ایفا می کند). این انتزاعی ترین و عامترین سطح است زیرا بر هر نظامی از کنش، از هر نوع که باشد، قابل انطباق است. دومین سطح از انتزاع

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

مرحله ای است که پارسنز طی آن میان چهار خرده نظام شامل ارگانیزم رفتاری، نظام شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی در درون نظام کنش، فرق می گذارد. کارکرد عمده خرده نظام «نظام فرهنگی» ایجاد پایداری در جامعه است، این کارکرد موجب بقای سیستم می شود این کار بوسیله اجتماعی کردن صورت می گیرد. اگر اجتماعی شدن موفق باشد سیستم «پایدار» می ماند در غیر این صورت جامعه از بین خواهد رفت. سرانجام سومین سطح از تحلیل آن است که در آن مفاهیم با واقعیت مشخص تطبیق داده می شوند و این موردی است که با در نظر گرفتن جامعه می تواند به نوبه خود به خرده نظام ها تجزیه شود. (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۴۸-۲۴۹/ ترنر، ۱۹۷۷: ۵۸/ تنهایی، ۱۳۷۱: ۱۵۷-۱۵۶/ Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۷-۱۰۸) پارسنز در معنای محدود کلمه، مشکل اساسی نظم اجتماعی را عمدتاً در بعد انسجامی می بیند و هسته اصلی مسئله نظم را در کم و کیف انسجام هنجاری می بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است، به بیان دقیق تر، در وهله اول، حل مسئله نظم منوط است به تنظیم هنجاری روابط بین واحدها بر مبنای اصول مشترک ارزشی که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و نهادینه شدن فرهنگی میسر می شود. او در وهله دوم حل مشکل نظم را با تنظیم هنجاری درون واحدی از طریق درونی کردن فرهنگ ممکن می داند. اصولاً مبنای انحرافات از ناهماهنگی و کارکردهای نامطلوب چهارم نظام است. اما نظام فرهنگی و نظام شخصیتی دو محور عمده تولید انحراف تلقی می شود، در نظام پارسنزی کارکردهای G و L ضامن سلامت یا انحراف هستند.

بل و وگل (۱۹۶۰) نیازهای کارکردی پارسنز را در قالب فرایندهای داخلی خانواده برای ابقاء سیستم به کار بردند که به ترتیب زیر می باشد:

- ۱- دستیابی به هدف (اقتصاد) بعنوان ایفای نقش و وظیفه همسران مفهوم سازی شد.
 - ۲- تطابق یا سازگاری (سیاست) به معنی رهبری خانواده می باشد (مثل حل مشکل و فرایندهای تصمیم گیری).
 - ۳- یگانگی (اجتماع) بعنوان یکپارچگی و انسجام مفهوم سازی می شود (مثل گروه های مرجع برای شوهران و زنان).
 - ۴- حفظ الگو (نظام ارزش یا فرهنگ) به کمک نظام ارزش خانوادگی ارائه می شود (مثل عواطف مربوط به درست بودن یا نبودن با توجه به جنبه های مختلف خانواده).
- بل و وگل آشکارا اهمیت برتر کارکرد اقتصادی (اینجا ایفای نقش) را پیشنهاد می کنند. اسکانزونی تعریف عملیاتی خرده نظام های کارکردی را بدین صورت مطرح می کند.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۱- ایفای نقش: میزان نزدیکی و انسجام همسران در نقش های شغلی یکدیگر مثل رضایت زن از دستاوردهای شغلی شوهرش و یا رضایت شوهر نسبت به کار کردن یا کار نکردن زن.

۲- رهبری خانواده: مقدار تضاد و کشمکش بین همسران (اقتدارگرایی شوهر در فرایندهای حل تضاد).

۳- انسجام، یگانگی: محدوده همسانی در زمینه شغل پدرها، همسانی تحصیلی شوهر و همسر.

۴- نظام ارزش: معیاری که بر مبنای آن باورها، ازدواج ثابت می ماند. (Osmond & Martin, ۱۹۸۷ : ۳۱۶-۳۱۷)

پارسنز برای «مسئله حفظ نظم اجتماعی» اهمیت فوق العاده ای قائل است. اجتماعی کردن و کنترل اجتماعی مکانیزم های اصلی هستند که نظام اجتماعی از طریق آنها تعادل خود را حفظ می کند. (Ritzer, ۱۹۸۸ : ۲۱۲, Hamilton/۱۹۸۳:۱۰۶) از نظر پارسنز اجتماعی شدن کودک که بوسیله خانواده می شود، در حقیقت تداوم و استحکام نظام اجتماعی جامعه را، که حیاتش وابسته به آن است، تضمین می کند.

پارسونز تأکید خاصی بر درونی کردن هنجارها و ارزشهایی که از سوی اجتماع تعیین می شود، دارد. به علاوه هر نظام کنش به یک ساز و کار تطابق که به تعادل منجر می شود، نیاز دارد. نیاز به تعادل یا «وحدت ساختی» دومین جنبه از نظریات پارسونز را تشکیل می دهد که به حل مشکل حفظ نظم کمک می کند. در نظر او نظام اجتماعی به گونه ای عمل می کند که نیازهای کارکردی تأمین گردد و وحدت نظام اجتماعی حفظ شود. پارسونز می نویسد، کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزشهای اجتماعی سازمان می یابد و هنجارهای اجتماعی کنش فرد را در جهت همنوایی نهایی نظام ارزش های اجتماعی سوق می دهد. در نظریه پارسنز فرد در تحلیل نهایی همیشه طریقی را پیش می گیرد که خواست نظام اجتماعی در آن منظور شده است، یعنی انگیزه های فردی به طور آرمانی با ارزش های اجتماعی موجود نظام اجتماعی انطباق می یابد و به همین دلیل نظام اجتماعی می تواند دوام یابد. (توسلی، ۱۳۷۰: ۱۸۹)

برای مثال خانواده به دلایل مختلف نظیر فقر مالی، قطع پیوندهای عاطفی، گسیختگی روابط، توجه به منافع فردی و... دیگر قادر به انجام رفتار تطابقی نمی باشد. پارسنز راه حل اساسی نظم اجتماعی را در نظام فرهنگی و هنجاری جامعه جستجو می کند و روابط از نوع اجتماعی را مسئول نظم و انسجام اجتماعی می داند، روابطی که به تعبیری خاص گرا- انتشاری (یعنی پیوندهای اظهار قوی) هستند. دورکیم و پارسنز هر دو قائل به نوعی مفهوم نهادینه کردن در ارتباط با نظم اجتماعی می باشند. (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۵، ۲۵) بدین شکل هر چه فرزند در

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

محیط خانوادگی ای پرورش یابد که اعضای آن بدلیل پیوستگی، انسجام و عدم گسیختگی روابط دائماً در حال آموزش فرزندان خود باشند روی نظم خانواده تأثیر می گذارد و لذا احتمال انحراف کمتر خواهد شد.

چنانکه خانواده نتواند به دلیل عدم استحکام روابط در انگیزه های اعضای خود اعمال کنترل و نظارت نماید، افراد از منافع جمعی دور شده و به سمت منافع شخصی جهت گیری می کنند و این مسئله روی نظم تأثیر منفی دارد.

گرایشات اعتقادی و اخلاقی خانواده یا حاکمیت وجوه اظهاری و ابزاری در خانواده می تواند در کنش افراد تأثیر گذار باشد هر چه حاکمیت به سمت وجه ابزاری میل کند، شدت وجه اظهاری کاهش یابد و میل به منافع شخصی افزایش یابد روی نظم خانواده تأثیر منفی دارد و این نیز به نوبه خود مسیر انحرافات را هموار می نماید.

پارسنز ساز و کارهای کنترل را چهار مورد می داند:

حمایت. به منظور تخفیف دادن اضطراب و نیاز مبادرت به واکنش های خصومت یا دفاعی. رواداری که اجازه می دهد احساسات نیرومندی را که تاکنون سرکوب شده یا ابراز نشده اند، ابراز کرد. امتناع از معامله به مثل که نمی گذارد خصومت با خصومت و اضطراب پاسخ داده شود. استفاده از اهرم ضمانت اجراهای مثبت و منفی (پاداش و تنبیه)

به طور کلی وقتی که ساز و کارهای کنترل، کار ساز و موثر نباشند یا دیگر نتوان از آنها استفاده کرد کنترل اجتماعی ضعیف شده و از بین می رود و عرصه را برای جولان انواع کجروی ها و رفتارهای انحرافی باز می گذارد.

اگر نظامی بخواهد نظم مستمر و ثابتی را بنیان نهد و یا روند رشد و توسعه منظمی را (علیرغم) تشنگی پشت سر گذارد، بایستی ضوابط کارگردگرایبی متعددی را متقبل شود:

۱- ارضای حداقل نیازهای افراد عامل.

۲- حفظ و ارائه کنترل رفتارهای ناهنجار.

۳- تضمین مناسب جهت شرکت تعداد کافی از افراد در نظام اجتماعی «یعنی، ترغیب آنان به حد کافی برای اجرای اعمالی که جهت تداوم نظام اجتماعی مورد بحث ضرورت دارد، در واقع ضرورت ارضای حداقل نیازهای عاملان از این جهت فرض قبلی به شمار می آید که شرط لازم برای تداوم نظام اجتماعی است.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

یگانگی و وحدت نظام کنش های متقابل مستلزم به رسمیت شناختن یک نظم هنجاری بوسیله افراد و اعضای آن گروه است این وحدت یافتن مجموعه الگوهای ارزشی از یکسو و ساخت نیازهای درونی شده افراد سازنده اجتماع از سوی دیگر، هسته پدیده پویایی نظام های اجتماعی را تشکیل می دهند. هنجارها عناصر مرکزی تشکیل دهنده نقش ها و نهادهای اجتماعی محسوب می شوند. معنای عبارت فوق به بیانی دیگر این است که هنجارها اساسی ترین رکن ساخت کلی نظام اجتماعی را تشکیل می دهند. بنابراین توافق، تفاهم و یگانگی تمامی اعضاء در مورد هنجارها و نقش ها زیر بنای هر نظام اجتماعی است.

متغیرهای الگوی پارسنز

متغیرهای الگویی، نظام تقسیم بندی دو قسمتی پنج گانه ای را در بردارند که می توان از آنها برای تقسیم بندی چگونگی جهت گیری کنشگران در نظام شخصیتی، نیازمندیهای هنجاری در نظام اجتماعی و الگوهای ارزشی نظام فرهنگی استفاده کرد. کنشگر در هر موقعیتی «با مجموعه ای از انتخابها که او می بایست از میان آنها انتخاب کند تا این که موقعیت برای او معنای معینی داشته باشد، رودرو است».

پارسنز در کتاب به سوی یک تئوری عمومی کنش بیان می دارد که کنشگر می بایست از میان تقسیم بندی های دو قسمتی پنج گانه انتخاب خود را بکند. این متغیرها عبارتند از:

۱- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی :

به مقدار انگیزه یا دلبستگی که برای یک موقعیت کنش متقابل مناسب است، ربط دارد. باید دلبستگی زیاد ابراز شود یا دلبستگی کم؟

این متغیر بود یا نبود عاطفه و احساس مناسب برای هر موقعیت خاصی را در بر می گیرد (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳) شقی که فرد نسبت به موضوع علاقمند یا بی علاقه و بی اعتناست. ما انتظار داریم کنش متقابل والدین با فرزندان بسیار عاطفی باشد، در حالیکه رابطه پزشک و بیمار احتمالاً بیشتر بوسیله خنثی بودن از نظر عاطفی مشخص می شود. (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳)

۲- پراکنده بودن در برابر ویژه بودن :

این متغیر به دامنه یا گستره وظایف و تعهدات در یک موقعیت کنش متقابل ارتباط دارد. چه این تعهدات یا وظایف دامنه وسیع و گسترده ای داشته باشند- برای مثال توجه والدین به همه جنبه های زندگی فرزندان- و

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

چه محدود به زمینه ویژه ای باشد، مثل توجه یا دلبستگی دندانپزشک به دندان و نه دیگر جنبه های زندگی بیمارانش. (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳) به عبارت دیگر نظر عامل متوجه کل موضوع است یا متوجه بخشی از آن.

۳- عام گرایی در برابر خاص گرایی :

این دو گانگی در کنش های متقابلی ایجاد می شود که نوع معیارهای ارزیابی که به کار برده می شوند یا کلی (عام) و بر اساس توافق دو طرفند یا کاملاً منحصر به کنشگران خاص هستند. برای مثال پدر و مادر ممکن است هنگام ارتباط با کودکانی که آنها را نمی شناسند با معیارهای عام «هوش» برخورد نمایند، اما وقتی با بچه خودشان سرو کار و ارتباط دارند با معیارهای خاص و ویژه نگر برخورد نمایند. (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳) به عبارت دیگر، بدین نکته اشاره دارد که در یک موقعیت کنش متقابل، ارزیابی و قضاوت دیگران باید مبتنی بر ملاکهای میزان شده و مورد توافق باشد یا بر پایه معیارهای ذهنی و خصوصی تر.

۴- اکتسابی در برابر انتسابی :

به این مسئله مربوط است که آیا باید دگر را با معیارهای عمومی ارزیابی کرد (مثل مدرک تحصیلی، موفقیت شغلی و ...) یا بر اساس ویژگی هایی که بر مبنای ارث، مادرزادی بدست آمده (مانند سن، جنس، نژاد، کاست و غیره) سنجید. (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳) آیا کنشگر باید بر اساس خصوصیات اکتسابی فرد دیگر با او رفتار کند یا بر پایه خصوصیات انتسابی که ربطی به عملکرد ندارند.

۵- نفع شخصی در برابر نفع جمعی :

این تقسیم بندی دوگانه، گرایشات کنش به سوی منافع فردی یا منافع و اهداف گروهی را در بر می گیرد. برای مثال، آیا کنشگر در یک کشتی در حال غرق باید خودش را نجات دهد و یا این که برای نجات دیگران کمک کند؟ (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳)

لذا نتیجه می گیریم که:

- بین دلبستگی عاطفی و نظم و ثبات در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.

- تمرکز اعضای خانواده در جهت اهداف همسان با نظم در خانواده رابطه مستقیم دارد.

- توجه به منافع شخصی راه را برای ایجاد انحراف هموار می سازد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

- بین توجه به خواسته های اعضاء خانواده و نظم رابطه مثبت وجود دارد.

پارسنز به نکات عاطفی موجود بین همسران در خانواده توجه دارد و خانواده را بعنوان تنها نهاد موجود در جامعه در نظر می گیرد که می تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز را برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد ارائه دهد. یک خانواده با ثبات، تنظیمات عاطفی که یک بخش اجتناب ناپذیر زندگی انسانی است را آسان خواهد کرد. (Atkinson, ۱۹۸۷: ۱۱۰)

پارسنز عقیده فروید درباره مراحل فرایند جامعه پذیری را می گیرد و آن را در مورد کنش های متقابل میان کنشگران که کودک را از میان این مراحل رشد «پیش می برند» قرار می دهد و در قالب طرح AGIL بیان می کند هر یک از پیش نیازهای کارکردی L,I,G,A یک مرحله در تکامل شخصیت را نشان می دهد که از طریق آن شخصیت بعنوان یک نظام دوباره سازماندهی می شود. توالی که به طور موقت استقرار می یابد یعنی A,G,I,L است و هر مرحله با مراحل تکامل روانی- جنسی فروید ارتباط دارد، در هر مرحله هدف، کنش متقابل شایسته است.

پارسنز در شکل نشان می دهد که چگونه این فرایند در قالب طرح AGIL قرار می گیرد. (Hamilton, ۱۱۰: ۱۹۸۳-۱۱۱)

پارسنز در سیر تکوینی و رشد شخصیت چهار مرحله تمیز می دهد.

(C. ۴G)

نوجوانی A

(C. ۳)

مرحله ادیپی (۳a.) نهفتگی

(۴ نظامهای نقش در خانواده)

(۳b.) تکذیب یا انکار متقابل (۴a.) بلوغ (رشد)

(تناسلی یا جنسی)

نظام هدف

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

(۴b.) ساختن پاداش (۱C.)

بحران دهانی

(۲a.) دلبستگی عاطفی والدین

تمایز و تفکیک خود

(۲b.) پشتیبانی و حمایت (۱a.) وابستگی دهانی

(هویت و همانندی مادر- فرزند)

(۱b.) بی بندوباری (سهل انگاری)

(۲I (C.

مرحله مقعدی L

الگوهای مرحله ایفای نقش و کنترل اجتماعی (خانواده، جامعه پذیری و فرایند کنش متقابل: ۴۱)،

راهنما: (۱,۴a) مرحله رشد روانی- جنسی، مراحل چهارگانه اصلی فرایند جامعه پذیری را نشان می دهد که باثبات نسبی همراه است.

(۱,۴b) مراحل یادگیری فرایند کنترل اجتماعی.

(۱,۴c) بحران انتقال که دوره های ثبات را به هم می زنند و باعث تغییراتی می گردند که به دوره جدیدی از سرگذشت شخصیت می انجامد. (Hamilton, ۱۹۸۳:۱۱۱)

لذا نتیجه می گیریم که:

وجود روابط عاطفی میان والدین و فرزندان و پشتیبانی و حمایت از اعضاء خانواده با حفظ نظم در خانواده مثبت یا مستقیم دارد.

هرچه روابط عاطفی میان والدین و فرزندان و پشتیبانی از اعضاء بیشتر، خانواده با نظم و با ثبات تر و در نتیجه انحراف کمتر می باشد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

- بین توجه به خواسته های اعضای خانواده و نظم رابطه مثبت وجود دارد.

- بین همسانی اهداف اعضای و نظم رابطه مثبت وجود دارد. اگر هر کس به فکر منابع شخصی خود و اهداف شخصی باشد روی نظم خانواده تأثیر منفی دارد.

- بین دادن پاداش و رضایتمندی رابطه مستقیم وجود دارد.

- بین رضایتمندی و نظم در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.

هر چه رضایت افراد کمتر باشد خانواده بی نظم و ثبات است و هر چه نظم و ثبات در خانواده کمتر باشد، انحراف نیز بیشتر می باشد.

- ابهام در اهداف و ضعف تعهدات جمعی باعث ضعف وفاق اجتماعی می گردند.

نهاد: پارسنز مجموعه ای از ترکیب نقش های نهادی شده و یا مناسبات پایگاه اجتماعی را که در یک نظام اجتماعی معینی دارای اهمیت استراتژیکی هستند، نهاد می خواند. منظور از اهمیت استراتژیکی، اهمیت ساختی است که برای دوام و استمرار یک نظام ضروری است پارسنز خانواده را بعنوان نهاد «ساختار خویشاوندی» یا مجموعه ای از نقش های والدین در نظر می گیرد. (Hanson, ۱۹۹۷: ۳)

نقش اجتماعی: عبارت است از مجموعه انتظارات رفتاری مبتنی بر هنجار که توسط محیط اجتماعی به فردی که دارای یک موقعیت معینی است، القاء می شود. حراست از قواعد و مقررات مربوط به نقش تا حد زیادی با پاداش و کیفر دادن تضمین می شود. البته باید اضافه کرد که این گونه نقش ها تا حدی دورنی شده و به صورت جزئی از شخصیت فرد درآمده است.

پارسنز می گوید تا آن جا که انتظارات میان دو طرف برآورده می شود، تعادل خدشه ناپذیر است و تأکید می کند که ارزشهای مشترک این پیوند را مستحکم می سازد.

بر اساس دیدگاه پارسنزی نتیجه می گیریم: در صورتی که دو نظام اجتماعی و شخصیتی نتوانند کارکردهای اصلی خود را انجام دهند میزان انسجام اجتماعی و به تبع آن میزان دستیابی به اهداف اجتماعی کمتر شده و احتمال انحراف متصور خواهد شد.

قضیه مکمل یکدیگر بودن نقش ها، مدتها یک کارکرد مهم در تحلیل جامعه شناختی الگوهای بستگی متقابل در خانواده را ارائه کرده است. (Crano & Aronoff, ۱۹۷۸: ۴۶۴) پارسنز (۱۹۴۹) می گوید که انسجام

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

زندگی زناشویی بر نقش های مکمل ولی متمایز در زندگی زناشویی استوار شده است. چنانچه زنان کار خارج از خانه داشته باشند یا اگر درآمدی بیشتر از درآمد شوهران شان داشته باشند و یا از نظر مقام و پرستیژ بالاتر از او باشند، ثبات ازدواج و زناشویی مورد تهدید قرار می گیرد. ولی بسیاری از ادبیات یا آثار تجربی، این فرضیه وضعیت رقابتی را تأیید نمی کنند.

پارسنز می گوید ثبات خانواده مداماً ایجاب می کند که زن در یک سطح شغلی پایین تر نسبت به سطح شغلی شوهرش قرار گیرد. اگر ثبات زناشویی حفظ شود، زن متأهل می بایست از کار کردن بپرهیزد، یا در یک شغل که وضعیت رقابت نداشته باشد، کار کند. پارسنز این موقعیت را هماهنگی (سازگاری) وضعیت می نامد که در حفظ انسجام خانواده مهم است. (Oppenheimer, ۱۹۷۷: ۳۸۷-۳۸۹)

پارسنز دو نقش متمایز، یکی مربوط به وظیفه و عملکرد ابزاری و دیگری مربوط به نقش بیانگر یا احساسی که روی کنش متقابل عاطفی در گروه متمرکز می باشد، را مطرح می کند.

بنابراین، فرایند تخصیص نقش در خانواده تابع تفاوت های جنسی می باشد به این صورت که به مردها نقش ابزاری و به زنان نقش های عاطفی واگذار می شود.

نقش ابزاری شوهر در خوشبختی زناشویی بسیار مهم است. نقش اولیه و اصلی شوهر تأمین حمایت مادی برای خانواده می باشد و زن کارخانه و بچه داری را به عهده دارد. شوهر مسئولیت های سازگاری اصلی در ارتباط با موقعیت های خارج از خانه را دارد در حالیکه اساساً ارائه دهنده عشق و محبت است و این هر دو نقش ابزاری و عاطفی، برای بقاء و حفظ گروه خانواده ضروری است. وقتی این مبادلات بواسطه شکست یکی از دو طرف در به عهده گرفتن تعهدات و وظایف قطع شود، آن گاه ازدواج یک نیروی موثر و عمده را برای انسجام و هماهنگی از دست می دهد.

(Oppenheimer, ۱۹۷۷: ۳۸۹ / Brinkerhoff & White, ۱۹۷۸: ۲۵۹-۲۶۰ / Crano & Parsons & Bales, ۱۹۷۸: ۴۶۴ / Aronoff, ۱۹۵۵: ۱۵۱)

تباین موقعیت مرد و زن در زندگی خانوادگی و اجتماعی، ناخواسته متضمن نوعی پیش فرض کارکرد گرایی جهت حفظ و دوام وحدت و انسجام خانوادگی است. بدین نحو هر چه انسجام خانوادگی بیشتر مورد احتمال بروز انحراف کمتر می شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

پارسنز به بررسی تقسیم کار، سلسله مراتب و رهبری می پردازد و آنها را با توجه به سهم کارکرد گرایي که در حفظ تعادل نظام دارند، مورد توجه قرار می دهد.

نوک و کینگستون (۱۹۸۸) گزارش کردند، والدینی که هر دو نان آور هستند به والدینی که یکی از آنها نان آور است، وقتی کمتری را با فرزندانشان می گذارند و فقط در تعطیلات آخر هفته وقت بیشتری را با آنها بسر می بردند و در تمام انواع خانواده ها ارتباط پدران با بچه ها کمتر از مادران است (Demo ۱۹۹۲: ۱۰۴-۱۰۷)

زنانی که شرایط تحصیلی و رفتن به کار را در اختیار داشته باشند احساس می کنند بیشتر قادرند از خودشان مراقبت کنند و بنابراین کمتر احتمال دارد یک ازدواج ناموفق را تحمل کنند. (Atkinson, ۱۹۸۷: ۱۲۵) به زنان استقلال بیشتری برای رهایی از مرد و از خانواده می دهد و آزادی بیشتری برای گرفتن طلاق بدست می آورند و دیگر این که تشابه و همانندی نقش های زن و مرد، فرض شده، انسجام زناشویی کمتری را ایجاد می کند.

این مسئله روشن نیست که عامل اصلی و تعیین کننده آیا مشغولیت در خارج از خانواده، استقلال اقتصادی، تشابه نقش ها یا چیز دیگری است. (White, ۱۹۹۰: ۹۰۵) گرین استاین (۱۹۹۰) و اشپینز و ساوت (۱۹۸۵) چنین مشاهده کرده اند که تنها معیار یا شاخص اشتغال زن را که بتوان به طور مثبت به طلاق ارتباط داد ساعات کاری اوست. در واقع گرین استاین مشاهده می کند که احتمال طلاق کمتر است، در مواردی که درآمد زن و سهم زن از درآمد کل خانواده بالا است.

عاملی که بعنوان تأثیر احتمالی بر فروپاشی ازدواج مطرح می شود مقدار درآمد زن نسبت به مجموعه درآمد خانواده است. درآمد بالای زن می تواند انتظارت نقش زناشویی سنتی را واژگون کند (بخصوص از جانب شوهر)، فشارها، تضادها، و نارضایتی های زندگی زناشویی را افزایش می دهد. دوم این که درآمد بالاتر زنان جالب بودن زندگی انفرادی را افزایش می دهد که از این طریق احتمال جدایی یا طلاق نیز افزایش می یابد. (Greenstein, ۱۹۹۰: ۶۶۰) مسئله دیگر جهت گیری زن به طرف شغل خود است، ممکن است چنین باشد که اشتغال خطر از هم پاشیدگی زندگی زناشویی را برای زنانی که جهت گیری شان قویاً به سمت شغل شان است و به کارشان عشق می ورزند، تخفیف دهد و خطر طلاق را برای زنانی که تعهدات شغلی زیادی ندارند و یا از وقوع کاری که انجام می دهند چندان رضایتی ندارند، افزایش دهد. (Greenstein, ۱۹۹۰: ۷۵) هر قدر زمینه اقتصاد و زندگی خانوادگی توسط زنان بیشتر اداره شود قدرت اجتماعی آنها نیز در خانواده بیشتر خواهد شد. اشتغال در کار خارج از خانه در چگونگی روابط عاطفی آنها با اعضاء خانواده اثر می گذارد و خطر از بین

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

رفتن تنها کارکرد باقی مانده خانواده یعنی تربیت فرزندان در محیطی مملو از اعتماد و صمیمیت بیشتر می شود.

۱۴-۳-۲-۲ تأثیر مشکل اقتصادی روی کیفیت و بی ثباتی زندگی زناشویی:

لاک (۱۹۵۱) به تأمین اقتصادی و کفایت اقتصادی بعنوان تعیین کننده اصلی در رضایت زناشویی و طلاق می نگرد. زوج هایی که بدنبال طلاق هستند، مشکلات و شکایات مالی را قویاً به عنوان مسئله ای عمده طرح می کنند. اخیراً به این نتیجه رسیده اند که آدارک تکافو و کفایت اقتصادی نسبت به درآمد عاملی مهمتر در رضایت زناشویی می باشد. (Schaninger & Buss, ۱۹۸۶: ۱۳۰)

زمانی که شوهر کاملاً یا گاهی بیکار باشد یا وقتی او درآمد خود را صرف موارد کاذب یا مضر نظیر مشروبات الکلی کند، مشکلات اقتصادی بیشتر جلوه گر و تجربه می شوند.

ترمان لیستی از شکایات شوهران و زنان را ارائه کرده است که در آن درآمد ناکافی بیشترین فراوانی را داشت. در صورتی که طرفین (زن و شوهر) گرایش های متفاوتی در رابطه با خرج کردن پول داشته باشند تنش ها و تضادها ممکن است بوجود آیند، وقتی یکی از طرفین قصد صرفه جویی شدید و پس انداز دقیق را داشته باشد و دیگری عادت به حیف و میل پول داشته باشد، تضادها غیرقابل اجتناب هستند و اگر یکی سعی کند برای نیازهای شخصی خود بیشتر خرج کند و نیازهای سایر اعضاء خانواده را مدنظر قرار ندهد، رنجش و بیزاری دیگری را به دنبال دارد. بسیاری شوهران آمادگی برآوردن نیازهای همسران شان را ندارند برخی پول را با دشواری خرج می کنند و هر دفعه به زن خانه هزینه هایی را که او می تراشد گوشزد می کنند اما این طبیعی است که یک زن تحت چنین شرایطی سرخورده و ناراضی می گردد. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۳۶-۱۳۸)

بالاترین میزان فروپاشی در میان خانواده ها با وضع اجتماعی اقتصادی پایین، خانواده هایی که در آن عدم اشتغال همیشگی است و در خانواده هایی با سطح تحصیلات کم اعلام شده است. (Ferguson, ۱۹۸۴: ۵۴۰)

به طور کلی رضایت زناشویی دارای ارتباطی مثبت با درآمد خانواده، تحصیلات، سن ازدواج همسران و وضعیت شغلی شوهر و ثبات شغلی می باشد. طلاق با همه این موارد رابطه ای منفی دارد و وضعیت شغلی همسر (زن) و نسبت درآمد زن به درآمدهای شوهر دارای رابطه منفی یا رضایت زناشویی است. گرچه تحقیقات اخیر نشان می

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

دهند که نگرش مثبت شوهر نسبت به شغل زن آن تأثیر را خنثی می کند. (Schaninger, & Buss, ۱۹۸۶: ۱۲۹)

مشکل اقتصادی کاهش چمشمگیری را در کیفیت زندگی خانواده های طبقه کارگر و طبقه متوسط ایجاد می کند. اختلاف و تضاد زناشویی تحت فشار اقتصادی افزایش یافته و کج خلقی و انفجار رو به ازدیاد مرد نان آور را به دنبال دارد. با وجود این برخی خانواده های محروم می توانند از این ماریپیچ سقوط به کمک سازگاری موثر جلوگیری کنند. بخصوص اگر که آنها در برابر بدبختی اقتصادی با پیوندهای خانوادگی محکم برخورد کنند. (Liker & Elder, ۱۹۸۳: ۳۴۳-۲۴۴)

فشارهای اقتصادی رابطه غیرمستقیمی با ارزیابی زوجین از زندگی زناشویی شان دارد. از طریق افزایش خشونت در کنش متقابل زندگی زناشویی و کاهش رفتارهای گرم و حمایتگر که زوجین نسبت به یکدیگر ابراز می دارند. این فرایند فرض شده، در مورد شوهران نسبت به زنان تأکید بیشتری دارد، زیرا رفتار آنها رابطه قوی تر و بیشتری با مشکلات اقتصادی دارد. انگیزه اولیه برای خشونت متقابل زوجین و کناره گیری آنها، واکنش منفی شوهر به مشکلات اقتصادی است فشارهای اقتصادی بیشترین تأثیر نامطلوب را بر نقش اجتماعی شوهر و هویت او داشته و در نتیجه احتمال دارد که منفی گری او را در کنش متقابل با خانواده تشدید کند.

دوران سخت اقتصادی می تواند تأثیرات و نتایج نامطلوبی برای خانواده داشته باشد از جمله این تأثیرات و نتایج خطر افزایش فروپاشی یا از هم گسیختگی زندگی زناشویی، بی نظمی، خانواده، صدمات بدنی و جسمی و بی تفاوتی نسبت به کودکان را باید نام برد، گرچه درباره فرایندهای علی که مشکلات اقتصادی را به روابط خانوادگی مرتبط می سازد اطلاع زیادی در دست نیست. افزایش و سنگینی فشارهای اقتصادی مسائل مربوط به تأمین مالی را پیش نظر می آورد و در بسیاری از خانوادهها باعث ایجاد دلسردی، خشم و افسردگی می شود.

از تحقیقاتی که لایکر و الدر (۱۹۸۳) انجام داده اند، گزارش می دهند مشکلات مزمن اقتصادی (فهرستی مشتمل بر بیکاری) دریافت مساعدت های دولتی و باقی ماندن در یک سطح درآمد پایین) رابطه ای قوی هم از نظر زمانی و هم از نظر پیش بینی آینده با تنش زندگی زناشویی داشته است و تنش های زندگی زناشویی با میزان بالاتری از بی ثباتی زندگی زناشویی (جدایی یا طلاق) مرتبط بوده است.

شواهدی وجود دارد برای این عقیده که گرمی و حمایت کنش متقابل زوجین می تواند تأثیری بر خوشبختی و رضایت زناشویی داشته باشد. مطالعات قبلی تأیید می کنند که فشارهای اقتصادی باعث عقب نشینی و از بین

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

رفتن توجه و محبت بین زوجین می شود. با این گفته تأکید دارند بر این که کاهش در کنش متقابل مثبت هنگامی پیش می آید که فشارهای اقتصادی روی یک زوج سنگینی می کنند.

شرایط عینی اقتصادی (درآمد، فشار اقتصادی و عدم ثبات شغلی شوهر)، کنش های متقابل خشونت و روابط گرم و حمایتگر شوهر را تنها به طور غیرمستقیم از طریق فشاری که زوجین در تلاش خود برای تأمین نیازهای لازمه با منابع غیرکافی تجربه می کنند، تحت تأثیر قرار می دهد. فشارهای اقتصادی، خشونت شوهران را افزایش داده و گرمی و حمایت کنندگی آنان را نسبت به زنان خود کاهش می دهد. خشونت مردان با درک بیشتری از عدم ثبات زناشویی از طرف زنان و سطح پایین تر رضایتمندی و خوشبختی (کیفیت زندگی زناشویی) برای زنان همراه است.

رفتار گرم، حمایت کننده شوهران با کیفیت زندگی زناشویی زنان ارتباط مثبت دارد، ولی با عدم ثبات زندگی زناشویی در ارتباط مستقیم نبوده است. فشار اقتصادی اثر غیرمستقیمی روی کیفیت زندگی زناشویی از راه رفتار شوهر دارد و روی هم رفته اثرات مستقیم و غیرمستقیم خشونت، گرمی و کیفیت زندگی، ۵۱ درصد واریانس را در احتمال طلاق یا جدایی مشاهده شده این زنان تشکیل می دهد.

مشکلات اقتصادی نیز باعث کاهش گرمی و حمایتگری مردان می شود که دارای اثر منفی روی ارزیابی زنان از زندگی زناشویی شان می باشد. گرچه به نظر می رسد که فشارهای اقتصادی بزرگترین تأثیر را روی رفتارهای خشونت یا حمایتگری مردان داشته باشند ولی در زنان نیز خشونت افزایش یافته و رفتار گرم آنها در نتیجه مشکلات اقتصادی کاهش می یابد. رفتار خشونت آمیز زنان ارتباط زیادی با خشونت شوهران شان دارد. کاهش رفتار گرم از طرف شوهران که هم زمان با فشارهای اقتصادی است دارای تأثیر منفی روی کیفیت زندگی زناشویی زنان است و این مسئله را که مشکلات مالی سرد شدن و تلخکامی روابط بین زن و شوهر را بدنبال داشته است، تأیید می کند. (Conger & Elder, ۱۹۹۰: ۶۴۳-۶۵۳)

بوث و همکارانش (۱۹۸۶) گزارش می دهند که افرادی که از درجه پایین خوشبختی و سعادت زندگی زناشویی برخوردارند بین ۴ تا ۵ برابر احتمال بیشتری دارد که پس از سه سال طلاق بگیرند تا آنهایی که از سعادت زندگی زناشویی بالایی بهره مند هستند. (White, ۱۹۹۰: ۹۰۷)

۱۵-۳-۲ نظریات دیگران:

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

نیاز به عشق و عاطفی در هر انسانی قوی است، پیوندهای خونی تأمین کننده عاطفی طبیعی بین والدین و فرزندان، برادران و خواهران است. عشق حاصل از ازدواج نزدیکترین رابطه انسان ها محسوب می شود. به کمک توسعه زندگی شهری امروزی، تأثیر فرهنگ غربی، آموزش نوین، ارزشها و ایده های در حال تغییر، اهمیت روبه رشد زندگی جنسی و غیره، رابطه عاطفی بین زن و شوهر اهمیت قابل ملاحظه ای را بدست آورده است. جهت برآوردن نیازهای اساسی روانی از قبیل عشق، محبت، همدردی، هر شخص به خانواده خود وابسته است. به عبارت دیگر، خانواده صمیمی هسته ای تنها جایی است که شخص می تواند انتظار واکنش های عاطفی را داشته باشد. اگر این امر در خانه برآورده نشود، شخص طبیعتاً ناراضی خواهد بود.

برگس و لاک با تأکید روی اهمیت عاطفه متقابل گفته اند که «اگر زن یا شوهری نیازی و آرزویی داشته باشد و به آن از طریق طرف مقابل برسد، رضایت حاصل از نیاز روانی نظیر اظهار عاطفه، تشویق به تفاهم همدلانه، انسجام رابطه از این طریق افزایش می یابد. در جای دیگر جامعه شناسان اظهار نموده اند که نیاز مشترک برای تفاهم همدلانه یکی از قوی ترین پیوندهای زندگی خانوادگی می باشد.

مک آیور خاطر نشان نموده که در مقایسه با خانواده پدر سالاری، زندگی امروزی بر پایه یک حس صمیمی تر نسبت به روابط شخصی شکل می گیرد. (Pothan, ۱۹۸۶: ۱۵۵-۱۵۶)

عوامل موثر در پایداری ازدواج

عوامل ثبات و پایداری

- انتخاب دقیق همسر

- مشورت در ازدواج

- تحصیلات بیشتر

- افزایش درآمد عوامل ناپایداری و عدم ثبات

- کاهش کارکردهای خانواده

- آشنایی خویشاوندی کمتر

- وابستگی کمتر زوجه

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

- کاهش همکاری اقتصادی

- آزادی بیش از حد از قیود

- تأکید بر فرد و منافع شخصی

- کاهش مخالفت عمومی، مذهبی و قانونی با طلاق

نقل از استیوارت و گلاین، ۱۹۸۸، ص ۳۷۲

جودی تود و آریلا فریدمن تحقیقی روی افرادی انجام دادند که پنجاهمین سالگرد ازدواج خود را جشن گرفته بودند. آن محققین با تعجب دریافتند که ۶۰ درصد زوجها ازدواج های ناموفق داشته اند، ۴۰ درصدی که خوشحال بودند سعادتمندی خود را به انی حقیقت نسبت می دادند که قدرت تصمیم گیری یکسانی داشتند (در تصمیم گیری ها مشترک عمل کرده اند). در این خانواده ها، مردان در مسئولیت های خانه داری و پرورش فرزند مشارکت کرده اند و بیشتر نسبت به همسران خود صمیمی، معاشرتی (ارتباطی) و با احساس بوده اند. در ازدواج های ناموفق صمیمیت کمی وجود داشته و شوهران احساسات واقعی خود نسبت به همسران را مخفی می کردند، تمامی تصمیم گیری های مهم، کجا زندگی کنند، چگونه پول خود را صرف کنند، چه بکنند-بعهد مردان بود. جدای از اقتدار مرد، عدم ارتباط متقابل (فقدان ارتباط) و کاهش صمیمیت، سابقه تحصیلی در زمان شروع ازدواج به نظر شاخص اصلی موفقیت یا فسخ ازدواج می باشد. (Stewart & Glynn, ۱۹۸۸: ۳۷۱-۳۷۴)

کونیک با استناد به نظریه گیگر تشریک مساعی را در تبدیل من و تو به ما جستجو می کند «یعنی هر فرد از اعضای یک گروه به منظور همدردی و ایجاد آسایش گروهی با یکدیگر تشریک مساعی می کنند».

کونیک برای گروه خانوادگی خصوصیات ذکر می کند و بیان می کند: «خانواده به عنوان گروه، اعضایش را با احساس صمیمیت، همکاری و تشریک مساعی به هم پیوند می دهد، یعنی رابطه اعضای خانواده بر پایه صفت صمیمیت و زندگی اجتماعی در داخل گروه است».

مساوات طلبی مربوط به فرایند تصمیم گیری یک متغیر بسیار مهم در توصیف سالم ماندن زناشویی است در گروه هایی که فرایندهای تصمیم گیری بصورت آزاد منبثانه تر و مساوات طلبانه تر گزارش می شوند حداقل ۷۲ درصد از پاسخگویان در ازدواج های سالم قرار دارند برعکس در گروه هایی که تصمیم گیری مستبدانه و از طرف

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

شوهر است فقط ۲۷ درصد ازدواج ها سالم ماندند (یعنی به انفصال و جدایی نینجامیده است). (Osmond & Martin, ۱۹۷۸: ۳۲۸) تاورمینا بر مبنای این که چه کسی تصمیمات اساسی و مهم را در خانواده می گیرد به سه الگو رسیده است. الگوی حاکمیت شوهر، الگوی حاکمیت زن و الگوی برابانه و مشارکتی بودن اخذ تصمیمات. (Tavormina, ۱۹۷۸: ۴۲۴) بلود معتقد است که بهترین و مطلوبترین نوع تصمیم گیری ها نه تنها باید برابانه و صمیمانه باشد بلکه باید دو جانبه بودن را نیز در بر گیرد. (Blood, ۱۹۶۹: ۲۰۵)

در مطالعات انجام شده توسط اسکاپ زوجهایی که افسرده نیستند رضایتمندی بیشتری از جنبه های اجتماعی عاطفی روابط خود ابراز داشته اند در حالیکه زوج های افسرده دارای تضاد بیشتر بوده و وقت بیشتری صرف تضاد کرده اند. مسائلی که بیشتر باعث ایجاد تضاد شده عبارتند از: طرز ارتباط ، مسائل جنسی و مشخصه های اخلاقی زوجین می باشد.

در بررسی کرچلر ۱۹۸۹، زوج های خوشبخت نشان داده اند که روزانه حدود هفت ساعت را در کنار هم می گذرانند. در حالیکه زوج های غیر خوشبخت تنها پنج ساعت را در روز با هم هستند. زوجهای خوشبخت بیشتر وقت خود را صرف صحبت، بحث در باره مسائل شخصی خود می کنند و نسبت به زوج های دیگر زمان کمتری را صرف تضاد و مشاجره می کنند.

اسکاپ و دیگران (۱۹۸۸) دریافتند که زوج های غیرخوشبخت بیشتر احتمال دارد که امر و نهی کنند، مخالفت کنند، انتقاد کنند، رد کنند و متهم کنند در حالیکه زوج های خوشبخت احتمال بیشتری دارد که توافق کنند، بپذیرند، کنار بیایند و از مزاح و خنده استفاده کنند. نسبت توافق به عدم توافق نیز یک معیار یا شاخص قوی از سازگاری زناشویی است.

بررسی های طولی نشان داده اند که مهارتهای ضعیف در امر ارتباط مقدم بر شروع ناراحتی های زناشویی هستند. (Noller & Fitzpatrick, ۱۹۹۰: ۸۳۵-۸۳۷)

جدا از آن چه که مردم نیاز دارند آنها به واکنش صمیمی یا عاطفی انسانها نیاز دارند. عقیده روانشناسان بر آن است که احتمالاً مهمترین علت مشکلات عاطفی ، مسائل رفتاری و حتی بیماریهای جسمی، کمبود محبت و دلبستگی یعنی کمبود رابطه عاطفی گرم در یک محیط کوچک از اعضاء صمیمی یا بستگان است. (Horton & Hunt, ۱۹۸۴: ۲۴۰) انسجام معیار حمایت کننده کنش و روابط متقابل است. نتایج تحقیقات بابر و بوهرلر بر وی ۴۷۱ دانش آموز قبل از سن بلوغ (۹ تا ۱۲ سالگی) تا اواسط سن نوجوانی حاکی از این بود که رابطه

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

انسجام با مشکلات رفتاری درونی و بیرونی نوجوانان، رابطه ای منفی است (یعنی هر چه انسجام بیشتر باشد مشکلات رفتاری نوجوانان کمتر است).

انسجام خانواده را دلبستگی (عاطفه) مشترک، کمک و پشتیبانی و حمایت، مسئولیت و توجه افراد خانواده تعریف می کنند. (Barber & Buehler, ۱۹۹۶: ۴۳۳; Barber, ۱۹۹۲: ۷۳) انسجام گروهی عناصری چون حفاظت، پشتیبانی مشترک، رابطه دوستی و نیت و منظور مشترک و هنجارهای مشترک را شامل می شود. در گروه منسجم شبکه روابط دوستی یک مکانیزم اصلی برای توسعه و تحقق استراتژی ها و اهداف جمعی است. (Hodson & Welsh & Rieble, ۱۹۹۳: ۳۹۹)

نوشته های مینوشین (۱۹۷۴)، استرلین و اولسون نشان می دهد که انسجام خانواده، یعنی «پیوند عاطفی میان افراد خانواده».

در مدل مک مستر از «کارکرد خانواده» اپستین و دیگران یک مفهوم جدید با نام رابطه یا درگیری عاطفی را که شبیه به تعریف مفهوم «انسجام» اولسون (۱۹۸۳) می باشد، اضافه کردند. طبق تعریف اپستین «درگیری عاطفی» یعنی، «حدی که خانواده علاقه را بروز می دهد و فعالیتهای شخصی و علایق فردی اعضای خانواده را ارزش می نهد».

شش سطح این رابطه مشخص شدند عبارتند از: فقدان رابطه، رابطه فاقد احساسات، رابطه خود شیفتگی، رابطه همدلی، رابطه بیش از حد و رابطه همزیستی، رابطه همدلی برای سلامتی، مطلوب شناخته شده است.

موس انسجام را با این عنوان به کار برده است «میزانی که افراد خانواده در خانواده درگیر و متعهد بوده و با هم مشارکت دارند و برای یکدیگر مفید و پشتیبان هستند». از نظر موس انسجام، حد پایین و بالا دارد که سطوح بالایی آن در سلامتی موثرترند.

طبق نظریه معاصر در مورد بالندگی نوجوانی، رشد مطلوب زمانی فراهم می شود که جوان خود را به ا فراد خانواده نزدیک حس کند و با این وجود آزادی عقیده و احساسی را درک نماید. (Barber & Buehler, ۱۹۹۶: ۴۳۳-۴۳۴)

تحقیق باربر و بوهرلر نشان داد که انسجام به طور معناداری روی بزهکاری نوجوانان تأثیر منفی دارد. پایه تحصیلی و جنسیت نیز با تخلف و بزهکاری ارتباط دارد. طبقه گزارش، پسرها رفتار بزهکارانه و تخلفی نسبت به دخترها داشتند. (Barber & Buehler, ۱۹۹۶: ۴۳۷) در محبت نظم و کنترل اجتماعی، موضوع عواطف

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

اهمیت خود را بیشتر باز می نماید. کمپر در تحلیل جامعه شناختی خود به پنج احساس منفی یعنی تقصیر، خجالت، اضطراب، افسردگی و عصبانیت که می توانند مولود روابط اجتماعی باشند، توجه می کند. او دو بعد برای روابط اجتماعی در نظر می گیرد بعد قدرت و بعد منزلت (میزان روابط اجتماعی مثبت). بعد رابطه قدرت حاوی زور گفتن و اجبار و تهدید و تنبیه کردن و سلطه یابی و غیره است. بعد رابطه منزلتی حاوی ایثار، حمایت عاطفی، دوستی و تمجید و غیره است.

بیشتر مطالعات در زمینه تصمیم گیری خانوادگی به این نتیجه رسیده اند که زوجهای خوشبخت بدلیل تصمیم گیری مشترک، گفتگوی مفید، توافق متقابل و مشترک بعنوان نمونه، مشخص و معرفی می شدند. سلطه یک همسر یا اختلافات گسترده بر سر قدرت دارای ارتباط با طلاق و نارضایتی زناشویی است.

جانسون عوامل زیر را برای میزان بالای طلاق ذکر کرده است:

۱- مجاز بودن طلاق از نظر مذهبی

۲- مجاز بودن طلاق از نظر قانونی

۳- صنعتی شدن روبه رشد

۴- شهرنشینی

۵- کنترل تولد بچه

۶- تحرک بیشتر جغرافیایی

۷- افزایش تحرک اجتماعی عمودی

اسویدلن افزایش طلاق را به دلایل زیر نسبت داده است:

۱- تغییر در گرایش مردم نسبت به طلاق (ننگ کمتری برای طلاق قائل می شوند)

۲- آموزش نادرست و غلط پیرامون ازدواج و خانواده

۳- فقدان انسجام یا سازگاری در خانواده

۴- تأمین و حمایت قانونی بیشتر برای زنان جهت امن ساختن طلاق.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

بر طبق نظر بابر عوامل عدم خوشبختی زناشویی را می توان چنین مطرح کرد: عدم وفاداری، حسادت، ضعف فکری (عقب ماندگی ذهنی)، فقر، تنبلی، منازعه بر سر مسئولیت تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، اقوام، ناتوانی جنسی مرد، خشکی و بیروحي، شهوت جنسی شدید، نوشیدن الكل، نق زدن و ایرادگیری، اختلافات مذهبی، استقلال زن، بدخلقی و بیماری و... می داند. که بعد از جدایی و طلاق باعث بزهکار شدن فرزندان می شود.

برتداندراسل، احساسات شدید فردگرایی، جنبش های فمینیستی (مربوط به حمایت از زن) را از دلایلی می داند که طلاق را تسهیل بخشیده است. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۱۴-۱۱۶)

روابط خارج از زناشویی

روابط همسر در خارج از محدوده زناشویی تهدیدی جدی برای ثبات زناشویی می باشد. این همان عشق متقابل و احترام و اعتماد را که پایه ازدواج است، تضعیف می کند. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۳۲)

ترک یا رهایی :

ترک یا رهایی دلایل عمده دیگری برای طلاق است. پیامدهای آن عبارتند از احساس تحقیر آمیز عدم پذیرش، بی اطمینانی، مشکلات اقتصادی، فقدان مراقبت و نظارت بر روی بچه ها، اضطراب و تشویش در بچه ها و والدین رها شده، می باشد. ترک «طلاق مرد بدبخت» است یعنی ترک بیشتر در طبقات اقتصادی پایین تر پیش می آید. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۴۶-۱۴۷)

عادات ناسالم و بدخلقی:

عادات ناسالمی نظیر الکسیم، قمار، اعتیاد و عدم پایبندی به اصول اخلاقی (مفاسد)، دوستان ناشایست، امراض مقاربتی، تضادهای پایدار و تنش را در زندگی زناشویی ایجاد می کند که نهایتاً منجر به طلاق می گردد. عادات ناسالم (مثل الكل و ...) می تواند موجب مشکلاتی جدی در سلامتی شود در خانواده ای که درآمد زیاد نیست مشکلات جدی را نیز ایجاد می کند. رابطه فرد با خانواده اش به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می گیرد، خانواده یک بزهکار بسیار رنج می بیند. خانواده نسبت به خود شخص بیشتر ننگ توقیف، محاکمه و حبس را متحمل می شوند، وقتی نان آور خانواده در حبس است، خانواده دچار مشکلات اقتصادی جدی می شود. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۵۴)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

سن:

وقتی که تفاوت بیشتری در سن و سال زن و شوهر وجود داشته باشد مشکلات ممکن است، زیاد شود. سن تا حد زیادی گرایشات و علایق، همینطور بلوغ عاطفی و روانی یک فرد را تعیین می کند. وقتی دو نفر اختلاف زیادی در سن و سال داشته باشند اختلاف در همه زمینه ها ممکن است پیش آید که البته به نوبه خود می تواند منجر به تضاد شود. کوز مشاهده کرد که در صورتی که زوجین دارای اختلاف سن و سال زیادی باشند سازگاری مشکلتر خواهد بود. بابر گفته که مگر تحت شرایط خاصی و در مورد خلق و خوی خاص، اختلاف سنی خیلی زیاد خطر بزرگی را در ازدواج شکل می دهد. دیر یا زود اختلاف سنی زیاد منجر به اختلاف در علایق و فعالیت ها می شود. با این حال مطالعاتی که از طرف ترمان و برگس انجام گرفت نشان داد که زوج هایی که اختلاف سنی زیادی دارند برخی از خوشبخت ترین زوجها بودند. می توان گفت چنانچه عوامل دیگری بر این عامل افزوده شوند و با آن بیمارزند و موجبات تقویت آن را فراهم سازند، زندگی خانوادگی به مخاطره می افتد.

(Pothen, ۱۹۸۶: ۱۵۰-۱۵۱)

عدم تشابه تحصیلی و موقعیت اجتماعی:

اختلاف عمده بین موفقیت تحصیلی شوهر و زن می تواند چندمین مشکل ناسازگاری را ایجاد کند. وقتی که همسر در امر تحصیل نسبت به دیگری خیلی عقب باشد یک شکاف بزرگ در طرز تفکر، رفتار، علایق، گرایشات و ارزشهایشان ممکن است رخ دهد. (Pothen, ۱۹۸۶: ۱۴۷) به نظر ترمان هنگامی نیکبختی زنان کامل تر خواهد شد که شوهر تقریباً پنج سال بیشتر از آنها تحصیل کرده باشد. هامیلتون می گوید «میان سعادت خانوادگی و همگونی تحصیلات بستگی مستقیمی وجود دارد. همگونی تحصیلی خود مظهر و مبین تناسب جهان بینی است». هر قدر زوجین از دیدگاه های اجتماعی نظیر تحصیل، اشتغال، یا فردی و جسمانی نظیر سن و یا فرهنگ و یا طبقات تراز یکدیگر باشند، به همان نسبت میزان طلاق رو به کاهش می گذارد.

بدرستی می توان گفت هر قدر فاصله های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، شغلی و حتی زبانی و دینی زوجین بیشتر باشد احتمالاً بیشتر در معرض تهدید طلاق قرار می گیرند.

دین:

به نظر می رسد که خانواده هایی که دارای مشخصه «پایبندی مذهبی» بالایی هستند کمتر متمایل به فروپاشی هستند. نتایج پیشنهاد می کند که پایبندی زیاد به سمت کاهش خطرات احتمالی فروپاشی زندگی زناشویی

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

گرایش دارد. (Fergusson & Horwood, ۱۹۸۴: ۵۴۰-۵۴۷) عمدتاً عقاید مذهبی به صورت نیروی نیروی خاص و نگهبان ازدواج دیده می شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می کند. (Booth, ۱۹۸۳: ۳۹۰) رضایت و توافق زوجین به درجه توافق زوج در مورد موضوعاتی نظیر موارد زیرین بستگی دارد: دارایی خانواده، امور تفریح و مذهب خود، الزام و تعهد نسبت به تداوم ارتباط می باشد. (Wilson & Filsinger, ۱۹۸۶: ۱۴۷)

مذهب از طریق حمایت از ارزشها، فعالیت های خانواده و از طریق تسهیل در امر سازگاری با مشکلات زندگی ممکن است که ازدواج را جذاب تر کند. ویلکینسون و تنر می گوید «پایبندی مذهبی تأثیر مستقیم روی عاطفه خانواده مستقل از فعالیت های خانواده دارد». (Filsinger & Wilson, ۱۹۸۴: ۶۶۴) لوینگر در سال (۱۹۷۶) الزام مذهبی را به همراه مفهوم دیگری که آن را «تعهد نسبت به پیوند خانوادگی» نامید به عنوان مانعی بر سر راه طلاق می شناخت. (Schaninger & Buss, ۱۹۸۶: ۱۳۰)

۳- چهار چوب تئوریکی

در فصل گذشته ضمن مرور ادبیات موضوع، علاوه بر بیان نظریه های گوناگون در مورد انحراف، نظریات برخی از جامعه شناسان از جمله ساترلند، بلومر، ماتزا، هیرشی، هال، دورکیم، گود، پارسنز، و ... مطرح شد. این واکاوی نشان داد که هر دیدگاه به برخی از عوامل مؤثر بر نظم اشاره کرده اند، اما هیچ یک از این نظریه ها به طور جامع، عوامل مؤثر بر نظم در سطح خرد را مطرح نکرده و هر یک تنها به یک یا دو عامل در این زمینه توجه نموده اند، در اینجا به اختصار به این نظریات اشاره می کنیم.

ادوین ساترلند که نظریه معاشرت گوناگون را مطرح کرد، نقش کنش متقابل اجتماعی را در شکل گیری رفتار و گرایشات انسانها مورد تأکید قرار داده و معتقد است رفتار مجرمانه در اثر تماس و همنشینی با الگوهای جنایی، آموخته می شود. هر چه تماس افراد با چنین محیطهایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیکتر و عمیق تر باشد (عمق معاشرت) و مدت زمان معاشرت طولانی تر باشد، احتمال این که فرد در نهایت به یک بزهکار تبدیل شود، بیشتر است. این تئوری بر این که چه چیزی آموخته می شود (شامل فنون و تکنیک های خاص ارتکاب جرم) و از چه کسی آموخته می شود، متمرکز شده است.

(Vander Zanden, ۱۹۹۶: ۱۴۱)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

نظریه ساترلند حاکی از آن است که هر چه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر می باشد. به عبارت دیگر، وجود افراد مجرم در خانواده فرصت برای آموختن و یاد گیری انحرافات سایر اعضا را فراهم می سازد.

هم چنین، بر اساس آنچه گفته شد، از نظر بلومر واکنش افراد انسانی در مقابل اشیاء بر اساس معنای آنها صورت می گیرد. وی کنش متقابل را بر سه قضیه ساده متکی می دانست:

۱- افراد انسانی همه در مقابل اشیاء و موضوعات بر اساس معنایی که آن اشیاء برای آنها دارند، واکنش نشان می دهند.

۲ - معنی اشیاء از کنش متقابل سر چشمه می گیرد .

۳ - معنای مذکور در جریان کنش و برخورد فرد با چیزها مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته، تغییر می کند.

هر کدام از افراد در برخورد و در کنش و واکنش با دیگری کاری را که آن دیگری انجام می دهد، ارزیابی می کنند و سپس سعی می کنند رفتار و وضعیت خود را بر اساس ارزیابی خود از کنش دیگران جهت یا تغییر دهند .

بنابراین رفتار دیگران در عمل فرد حضور دارد تو در طرحی که فرد برای کنش خود ترسیم کرده است، مؤثر واقع می گردد. لذا می توان نتیجه گرفت که:

عمل انحرافی دیگران و تماس با افراد کجرو روی کنش فرد تأثیر منفی دارد .

ماتزا نیز سه مفهوم اصلی را مطرح کرد که عبارت بودند از: ممنوعیت، ارتباط نزدیک با پدیده کجرو، مشخص شدن.

منظور از ممنوعیت هر چیزی است که فرد را در جامعه ای که اعتبار زیادی برای موفقیت های اقتصادی قائل است در وضعیت نامساعدی قرار می دهد.

منظور از ارتباط نزدیک با پدیده کجرو، ارتباط با یک خرده فرهنگ کجرو است. در اینجا ماتزا اشاره می کند به اینکه ارتباط نزدیک با فرد کجرو می تواند انحرافات بعدی را تحریک کند و منظور از مشخص شدن اشاره است به اهمیت عمل از دید جامعه، از آن جمله اقدام به بر چسب زدن.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

ماترا اضافه می کند که این سه به اتفاق هم تصویر کاملتری از انحراف و روند کجرو شدن به دست می دهند.

(Stewart & Giynn, ۱۹۸۸:۱۴۴) هیرشی نیز کجروی را معلول ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه می داند .

او چهار علقه اجتماعی را مطرح کرد که عبارت بودند از: عقیده یا باور، دلبستگی و تعلق، و تعهد و مشغولیت. به نظر وی هر چه فرد در هر یک از این عناصر نقش مهمتری داشته باشد، احتمال ارتکاب به انحراف کمتر است .

منظور از دلبستگی، عاطفه و حساسیت نسبت به دیگران است. هیرشی می گوید افرادی که با گروه های دیگر مثل خانواده، مدرسه و گروه همسالان رابطه قوی و محکمی دارند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند. تحقیقات او در زمینه تأثیر دلبستگی به والدین، مدارس و گروه همسالان روی اعمال بزهکارانه نشان داد پسرانی که شدیداً دلبستگی به والدین دارند کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند نسبت به پسرانی که دلبستگی کمتری دارند (Vold & Bernard, ۱۹۸۶:۲۴۱-۲۴۲).

نظریه هیرشی حاکی از آن است که: کاهش دلبستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضاء خانواده روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد. هر چه همبستگی میان اعضاء بیشتر باشد، میزان کنترل بیشتر می شود و هر چه میزان کنترل بیشتر، بزهکاری کمتر می باشد. علاوه بر این، نظریه هیرشی نشان می دهد که مشغول بودن، فرصت برای فعالیت های بزهکارانه را محدود می کند. به عبارت دیگر، بین بیکاری و شدت بزهکاری همبستگی وجود دارد.

همان طور که اشاره شد، گود شکل بحرانی از بین رفتن نظم در خانواده را طلاق می داند و می گوید انواع دیگر گسیختگی خانواده احتمالاً به این شیوه ختم می شود. گود اشاره می کند که اگر زن یا مرد عشق و علاقه ای را که انتظار آن را دارند، به دست نیاوردند انگیزه ادامه زندگی خانوادگی سست می شود و به همین جهت است که میزان طلاق در چنین خانواده هایی نسبتاً بالا است. هم چنین گود می گوید «کودکان خانواده های «تو خالی» کمتر احتمال دارد که از شادی و سلامت روانی برخوردار باشند دقیقاً به خاطر این که اعضای خانواده در وظایف عاطفی خود نسبت به همدیگر کوتاهی کرده اند.» او عواملی چون گرمی (صمیمت)، دلبستگی، عشق و محبت را در اجتماعی کردن فرزند مؤثر می دانست (Goode, ۱۹۸۹:۱۶۵).

علاوه بر این گفته شد، از بین رفتن نظم در خانواده پیامدهایی از جمله بزهکاری فرزندان را به دنبال خواهد داشت. مطالعات نشان می دهد که بزهکاری نوجوانان با «خانواده های گسسته شده» ارتباط دارد. اغلب میزان

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

بزهکاری در خانواده های گسسته نسبتاً بالاتر از خانواده های سالم می باشد و هم چنین میزان بزهکاری کودکان خانواده های از هم گسسته شده در اثر جدایی یا طلاق بالاتر است تا در مورد کودکان خانواده هایی که در نتیجه مرگ یکی از والدین از هم گسسته شده اند، زیرا شخص داغدار از حمایت اجتماعی برخوردار است و کمتر امکان دارد دوره ای از مشاجرات، کینه توزیها و عدم وفاداری را پشت سر گذاشته باشند. هم چنین مطالعات نشان داده اند که کودکان بزرگ شده در خانواده هایی که والدین از هم طلاق گرفتن خود داری نموده ولی به جنگ و دعوا با یکدیگر ادامه می دهند نسبت به کودکان خانواده های طلاق گرفته دارای مشکلات عاطفی بیشتری هستند.

کیفیت روابط بین والدین دارای بیشترین اثر می باشد، بنابراین دشمنی، عصبیت، سردی و کناره گیری احتمالاً اثرات مخرب بیشتری روی کودکان دارد تا صرف غیبت یکی از والدین (merton & Nisbet, ۱۹۷۱): ۵۲۵-۵۲۶, Goode, ۱۹۸۹/ ۱۶۶-۱۶۷) تضاد بین والدین تأثیرش از طلاق روی بچه ها بیشتر است.

جلوگیری از طلاق ممکن است بیش از طلاق در بوجود آوردن جرم جوانان مؤثر باشد. ترور گیبین اشاره می کند که وضع خانواده غیر گسسته به علت تیرگی روابط ممکن است در موقعیت هایی به بدی خانواده های گسسته باشد و این خود روی بزهکاری تأثیر مثبت دارد.

ویلیامز هال نیز به پنج عامل خانوادگی بر انحراف اشاره کرد که عبارت بودند از :

الف) خانواده گسسته شده.

ب) کشش یا فشار خانواده.

ج) انضباط و روابط خانواده.

د) مجرمیت در خانواده .

هـ) اهمال و غفلت (Hall Willams , ۱۹۸۲: ۸۹-۹۴).

آبراهامسون دریافت خانواده هایی که جنایت کاران را به وجود می آوردند نسبت به خانواده های گروه غیر بزهکاران شیوع شرایط عاطفی ناسالم را در افراد خانواده نشان می دهند - که فشار خانواده نامیده می شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

این فشار خانواده با خصومت، تنفر، عصبانیت، آزرده‌گی، پرخاشگری و آشفتگی‌های عاطفی به وجود آمده و حفظ شده، هم در والدین و هم در فرزندان آشکار می شود. شاو و مک کی نیز اثر فزاینده فشار درونی و اختلاف را عامل تبیین کننده بزهکاری می دانستند. لذا می توان نتیجه گرفت که: عدم روابط گرم و عاطفی در خانواده روی بزهکاری تأثیر دارد .

هم چنین مطالعات آقا و بانو گلوگ، مانهایم و دیگران نشان داده است که موضعگیریهای مدیریتی ضعیف والدین (به عنوان مثال فقدان نظارت و کنترل) با رفتار مشکل ساز بچه ها، مانند بزهکاری، مصرف مواد مخدر، زود رسی نجسی ارتباط دارد. نظم ناکافی و بی ثبات شامل کنترل کاملاً سست یا کنترل کاملاً شدید و سخت روی رفتار افراد تأثیر دارد.

علاوه بر این، بحث وتن، و گلاسکو و فرگوسن نشان داده که در پسرهای دارای پدران بزهکار نسبت به سایر بچه ها احتمال بزهکار شدن دو برابر است و در پسرهای دارای برادران بزهکار بزرگتر، احتمال بزهکاری سه برابر بیشتر است. وست و فارینگتون ابراز می دارند که اگر پدر بچه بزهکار باشد احتمال دارد که سر پرستی و نظارت کافی و صحیح کاهش یابد و احتمال بزهکاری در کودک وجود دارد (Hall williams, ۱۹۸۲:۹۵-۱۰۰ Barber, ۱۹۹۲:۷۲).

همان طور که اشاره شد، دور کیم دو عامل مهم انسجام اجتماعی و تنظیم اجتماعی را به عنوان واقعیات اجتماعی مسئول نرخ خود کشی در جامعه می‌داند. هر گاه شیرازه تنظیم های اجتماعی از هم گسسته گردند، نفوذ نظارت کننده جامعه بر گرایشهای فردی، دیگر کارایی اش را از دست خواهند داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد، دور کیم چنین وضعیتی را بی هنجار خوانده است. در این وضعیت آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی شوند و در نتیجه افراد بدون راهنمای اخلاقی می مانند . هر کسی تنها هدفهای شخصی اش را دنبال می کند و زمینه برای بروز رفتارهای جنایی و جرم فراهم می گردد. (چلبی، ۱۳۷۳: ۳۲/ کوزو، ۱۹۷۷:۱۹۲-۱۹۱/ Vold & Bernard, ۱۹۸۶:۱۵۱-۱۵۲).

بنابراین، فرد گرایی (توجه به منافع و اهداف شخصی) تأثیر منفی روی نظم دارد. هر چه درجه توافق گروهی قوی تر باشد، اعضاء رفتار انحرافی کمتری از خود بروز می دهند و تقید به وجدان جمعی افزایش می یابد .

دور کیم (۱۹۳۳) تئوری بنیاد نهاد که تقسیم کار بر مبنای جنس که وابستگی به یکدیگر را تشویق می کند، در یک نظام خانوادگی ثابت و استوار، امری ناگزیر است. تقسیم کار یکی از بنیانهای اساسی نظم اجتماعی است، نتایج حاصل از تقسیم کار عبارت است از برقراری نوعی نظم خود بنیاد اجتماعی و اخلاقی. تقسیم کار اگر یگانه

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

سر چشمه همبستگی اجتماعی نباشد، دست کم مهمترین آن است. تقسیم کار را باید دارای خصلتی اخلاقی دانست، زیرا نیازهایی چون نظم، هماهنگی و همبستگی اجتماعی معمولاً نیازهایی اخلاقی اند .

لذا نتیجه می گیریم که: هر چه نظام تخصیص نقشها منجسم تر باشد، نظم با ثبات تر و لذا انحرافات کمتر می باشد. مهم ترین مسأله نظم اجتماعی برای دور کیم و تا حدودی تونیس اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی این که بدون انسجام و نوعی اعتماد و پایداری، نظم اجتماعی ممکن نیست. ترنر نیز تحت تأثیر دور کیم، انسجام را فرایند سازمان دهنده نظم اجتماعی می داند که واحدهای اجتماعی منفک را به یکدیگر مرتبط می سازد. دور کیم نشان می دهد که آنچه باعث انسجام اجتماعی می شود ، مجموعه عواطف و رفتارهای مناسبی است .

انسجام معیار حمایت کننده کنش و توجه افراد خانواده تعریف می کنند (Barber & Buehler, ۱۹۹۴:۴۳۳/Barber, ۱۹۹۲:۷۳) (انسجام گروهی عناصری چون حفاظت، پشتیبانی مشترک، رابطه دوستی و نیت و منظور مشترک و هنجارهای مشترک را شامل می شود، Hodson, ۱۹۹۳:۳۹۹). (مینوشین، استرلین و السون نشان دادند که انسجام خانواده یعنی «پیوند عاطفی میان افراد خانواده». اپستین و دیگران یک مفهوم جدید با نام رابطه یا درگیری عاطفی را مطرح کردند. منظور از درگیری عاطفی یعنی حدی که خانواده علاقه را بروز می دهد و فعالیت‌های شخصی و علایق فردی اعضاء خانواده را ارزش می نهد.» هم چنین شش سطح را برای رابطه یا درگیری عاطفی مطرح کردند که عبارتند از: فقدان رابطه، رابطه فاقد احساسات، رابطه خود شیفتگی، رابطه همدلی، رابطه بیش از حد و رابطه همزیستی. رابطه همدلی برای سلامتی مطلوب شناخته شده است، Barber & Buehler, ۱۹۹۶:۴۳۳-۴۳۴) (همان طور که بیان شد، بدون نوعی وابستگی عاطفی، نظم هنجاری غیر ممکن است پایه نظم هنجاری جامعه عاطفه است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از مشخصه های اصلی همبستگی اجتماعی اند همگی ریشه در وابستگی عاطفی دارند. وابستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی اجتماع است .

به تعبیر دور کیم همبستگی اجتماعی مبتنی بر برابری در فکر، احساس و کنش است. نظریه دور کیم حاکی از آن است که: هر چه همدلی و عاطفه مشترک اعضاء بیشتر باشد روی نظم خانواده تأثیر دارد. به عبارت دیگر هر چه انسجام بیشتر باشد، نظم با ثبات تر است و هر چه نظم با ثبات تر باشد، انحرافات کمتر می باشد .

هم چنین گفته شد پارسنز چهار مسئله کار کردی (به عنوان طرح (AGLL را مطرح می کند، که عبارت است از: تطابق، هدف یابی، همبستگی (انسجام) نهفتگی (حفظ و نگهداری الگوها).

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

علاوه بر این پارسنز میان چهار خرده نظام شامل ارگانیزم رفتاری، نظام شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی در درون نظام کنش، فرق می گذارد. اصولاً مبنای انحرافات از ناهماهنگی و کارکردهای نامطلوب چهار نظام است. اما نظام فرهنگی و نظام شخصیتی دو محور عمده تولید انحراف تلقی می شوند، در نظام پارسنزی کارکردهای G و L ضامن سلامت یا انحراف هستند. بر اساس دیدگاه پارسنزی نتیجه می گیریم: در صورتی که دو نظام اجتماعی و شخصیتی نتوانند کارکردهای اصلی خود را انجام دهند میزان انسجام اجتماعی و به تبع آن میزان دستیابی به اهداف اجتماعی کمتر شده و احتمال انحراف وجود خواهد داشت. علاوه بر این، پارسنز نیز برای «مسأله حفظ نظم اجتماعی» اهمیت فوق العاده ای قائل است. او اجتماعی کردن و کنترل اجتماعی را مکانیزمهایی می داند که نظام اجتماعی از طریق آن ها تعادل خود را حفظ می کند. پارسنز راه حل اساسی نظم اجتماعی را در نظام فرهنگی و هنجاری جامعه جستجو می کند و روابط از نوع اجتماعی را که به تعبیری خاص گرا-انتشاری هستند مسئول نظم و انسجام اجتماعی می داند. وی به نکات عاطفی موجود بین همسران در خانواده توجه دارد و خانواده را به عنوان تنها نهاد موجود در جامعه در نظر می گیرد که می تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز را برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد ارائه دهد (Atkinson, ..., ۱۹۸۷: ۱۱۰).

هم چنین پارسنز متغیرهای الگویی را مطرح می کند که کنشگر می بایست از میان تقسیم بندیهای دو قسمتی پنج گانه انتخاب خود را بکند. متغیر عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی، بود یا نبود عاطفه و احساس مناسب برای هر موقعیت خاصی را در بر می گیرد. مثلاً انتظار داریم کنش متقابل والدین با فرزندان بسیار عاطفی باشد. از متغیر فوق نتیجه می گیریم: دلبستگی عاطفی بین اعضاء خانواده با نظم و ثبات در خانواده رابطه مستقیم یا مثبت دارد.

هم چنین از متغیر نفع شخصی در برابر نفع جمعی که گرایشات کنش به سوی منافع فردی یا منافع و اهداف گروهی را در بر می گیرد می توان نتیجه گرفت که تمرکز اعضاء خانواده در جهت اهداف همسان با نظم در خانواده رابطه مستقیم دارد (Hamilton, ۱۹۸۳: ۱۰۳) (حاکمیت وجوه اظهاری و ابزاری در خانواده می تواند در کنش افراد تأثیر گذار باشد. هر چه حاکمیت به سمت وجه ابزاری میل کند شدت وجه اظهاری کاهش می یابد و میل به منافع شخصی افزایش می یابد و این مسئله خود روی نظم در خانواده تأثیر منفی دارد).

علاوه بر این، پارسنز در سیر تکوینی و رشد شخصیت چهار مرحله را از هم تمییز می دهد: بحران دهانی، مرحله مقعدی، مرحله ادیبی، نوجوانی که نشان می دهد هر چه روابط عاطفی میان والدین و فرزندان نو پستیانی از اعضاء بیشتر باشد نظم خانواده با ثبات تر و در نتیجه انحراف کمتر می باشد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

هم چنین پارسنز معتقد است انسجام زندگی زناشویی بر نقش های مکمل ولی متمایز در زندگی زناشویی استوار شده است. مرد نقش ابزاری و زن نقش عاطفی (بیانگر) را به عهده دارد، این هر دو نقش، ابزاری و عاطفی برای بقاء و حفظ گروه خانواده ضروری است.

همان طور که اشاره شد، لاک به تأمین اقتصادی و کفایت اقتصادی به عنوان تعیین کننده اصلی در رضایت زناشویی و طلاق می نگرد. فشارهای اقتصادی رابطه غیر مستقیمی با ارزیابی زوجین از زندگی زناشویی شان دارد، از طریق افزایش خشونت در کنش متقابل زندگی زناشویی و کاهش رفتارهای گرم و حمایتگر که زوجین نسبت به یکدیگر ابراز می دارند. دوران سخت اقتصادی می تواند تأثیرات و نتایج نامطلوبی برای خانواده داشته باشد از جمله این تأثیرات و نتایج خطر افزایش فروپاشی و از هم گسیختگی زندگی زناشویی، بی نظمی خانواده، صدمات بدنی و جسمی و بی تفاوتی نسبت به کودکان را باید نام برد.

مطالعات کانجر و الدر نشان می دهد که فشارهای اقتصادی باعث عقب نشینی و از بین رفتن توجه و محبت بین زوجین می شود. گر چه به نظر می رسد که فشارهای اقتصادی بزرگترین تأثیر را روی رفتارهای خشونت آمیز یا حمایتگری مردان داشته باشد ولی در زنان خشونت افزایش یافته و رفتار گرم آنها در نتیجه مشکلات اقتصادی کاهش می یابد (Congew & Elder, ۱۳۰۰: ۱۹۹۰-۱۳۱) (عامل دیگری که بر نظم خانواده تأثیر دارد، تصمیم گیری و همفکری مشترک می باشد. بیشتر مطالعات به این نتیجه رسیده اند که زوجهای خوشبخت به دلیل تصمیم گیری مشترک، گفتگوی مفید، توافق متقابل و مشترک به عنوان نمونه، مشخص می شوند. سلطه یک همسر یا اختلافات گسترده بر سر قدرت دارای ارتباط با طلاق و نارضایتی است. طلاق یا نارضایتی زناشویی بیشتر با تصمیم گیری موضوعات مربوط به پول ارتباط دارد. زوجهای خوشبخت در قیاس با مطلقه ها کنترل مالی و تصمیم گیریهای مشترک بیشتری را نشان می دهند (Schaninger & Buss, ۱۳۰۰: ۱۹۸۶-۱۳۱) در صورتی که طرفین (زن و شوهر) گرایشهای متفاوتی در رابطه با خرج کردن پول داشته باشند، ممکن است تنش ها و تضادها بوجود آیند، وقتی یکی از طرفین قصد صرفه جویی شدید، پس انداز دقیق را داشته باشد و دیگری عادت به حیف و میل داشته باشد، تضادها غیر قابل اجتناب هستند و اگر یکی سعی کند برای نیازهای شخصی خود بیشتر خرج کند و نیازهای سایر اعضای خانواده را مد نظر قرار ندهد، رنجش و بیزاری دیگری را به دنبال دارد.

تود و فریدمن دریافتند که زوجهای خوشبخت، سعادت زناشویی خود را به این حقیقت نسبت می دادند که قدرت تصمیم گیری یکسانی داشتند. در این خانواده ها، مردان در مسئولیت های خانه داری و پرورش بچه

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

مشارکت کرده اند و بیشتر نسبت به همسران خود صمیمی، معاشرتی (ارتباطی) و با احساس بوده اند. در ازدواجهای ناموفق شوهران تمامی تصمیم گیریهای مهم، کجا زندگی کنند، چگونه پول خود را صرف کنند و... را می گرفتند، (Stewart & Glynn، ۱۹۸۸: ۳۷۱-۳۷۴).

همان طور که گفته شد، عامل مهم دیگری که بر نظم در خانواده مؤثر است. اعتقادات مذهبی می باشد. فرگوسن و هارود اشاره کرده اند خانواده هایی که دارای مشخصه «پایبندی مذهبی» بالایی هستند کمتر متمایل به فروپاشی هستند. (۱۹۸۴، ص ۵۴۷-۵۴۰) هم چنین بوث بیان می کند عقاید مذهبی به صورت نیروی خاص و نگرهبان ازدواج دیده می شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می کند. (۱۹۸۳، ص ۳۹۰) فیلسینگر و ویلسون اشاره می کنند مذهب از طریق حمایت از ارزشها، فعالیت های خانواده و از طریق تسهیل در امر سازگاری با مشکلات زندگی ممکن است که ازدواج را جذاب تر کند. ویلکینسون و تنر نیز می گویند «پایبندی مذهبی تأثیری مستقیم روی عاطفه خانواده مستقل از فعالیت های خانواده دارد.» (۱۹۸۴، ص ۶۶۴).

۱-۳ نظریه چلبی - نظم در سطح خرد:

همان طور که ملاحظه شد، هر دیدگاه به برخی از عوامل مؤثر بر نظم اشاره می کند. از آنجا که چلبی عوامل مؤثر بر نظم در سطح خرد را به طور کامل و جامع مطرح نموده، در بخش چهار چوب تئوریک از نظریه چلبی در این زمینه استفاده کرده ایم.

نامبرده اظهار می دارد که «نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوی مواجه است که این چهار مشکل عبارت است از :

۱) همفکری مشترک.

۲) همگامی مشترک.

۳) همدلی مشترک.

۴) همبختی مشترک. (۱۳۷۵، ۱۹).

چلبی این چهار مشکل را برای هر گروه اجتماعی مطرح می کند. به نظر وی هر گروه یا هر «مایی» اگر این چهار مشکل را حل کرده باشد، دارای نظم می باشد ولی اگر این چهار مشکل را نداشته باشد نظم و تعادل خود را

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

از دست داده و دچار اختلال می شود. در اینجا ما خانواده را به عنوان طبیعی ترین گروه اجتماعی در نظر گرفته و این چهار مشکل را برای خانواده به مثابه یک گروه ساختاری در نظر می گیریم. طبق این نظریه اگر خانواده این چهار مشکل را نداشته باشد، نظم آن متعادل و با ثبات است، اما اگر یکی از این چهار مشکل در خانواده وجود داشته باشد، منجر به کاهش نظم و تعادل در خانواده خواهد شد. مثلاً، خانواده ای ممکن است پولدار باشد و اعضاء خانواده مشکلی از این جهت نداشته باشند، اما عاطفه مشترک بین اعضاء خانواده وجود نداشته باشد، نظم در این خانواده نامتعادل و بی ثبات خواهد بود.

چلبی می گوید «دو عنصر اساسی سازنده جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل است. از لحاظ تحلیلی تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری.» (۱۳۷۵، ۱۷-۱۶).

همچنین چلبی اشاره می کند که:

در بعد تعاملی ساخت اجتماعی، روابط ابزاری اثر باز کنندگی و در مقابل روابط اظهاری اثر انسدادی بر نظم و اجتماع دارند. طبق تعریف، رابطه ابزاری خود هدف نیست، بلکه وسیله و محملی است برای رد و بدل کردن چیزی و یا کسب هدفی خاص. نوعاً این گونه روابط سرد و ویژه است و از صمیمیت مبرا است. دغدغه اصلی کنشگران درگیر در این نوع رابطه (اعم از کنشگران فردی یا جمعی) به حداکثر رساندن نفع خویش است. این نوع رابطه بالقوه زوال-بخش، رقابت آمیز، خشونت زا و تضاد آلود (عمدتاً از نوع تضاد توزیعی) هستند. در رابطه اظهاری که گرم و انتشاری است نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد. تعلق عاطفی و معاشرت پذیری اساس این نوع رابطه را تشکیل می دهد. و هر قدر صبغه عاطفی و اخلاقی روابط اظهاری افزایش یابد، به همان نسبت نیز میزان اثر انسدادی و انتظامی آنها نیز افزایش می یابد. (۱۳۷۵، ۲۵۱-۲۴۹).

چلبی اظهار می دارد که «از طریق تعامل اظهاری است که «ما» یا «اجتماع» یا گروه اجتماعی شکل می گیرد. با تشکل «ما» یا گروه است که می توان صحبت از انگاره های منظم و نسبتاً پایدار تعاملات نمود. در سطح خرد، به لحاظ تحلیلی دو عنصر «فرد» و «تعامل» و اثر ترکیبی آنها یعنی «ما» هر سه دست اندرکارند». برای هر یک از این سه عنصر چهار بعد در چهار چوب «اجیل پارسنز» مطرح می کند:

چلبی به این نکته اشاره دارد که در روابط مبادله ای، کالا و خدمات مورد احتیاج اطراف رابطه رد و بدل می شوند. در رابطه قدرت دستورات رد و بدل می شوند و بالاخره در روابط اجتماعی حق و عاطفه و تکلیف مبادله می شوند.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

نامبرده برای «ما» نیز در قالب اجیل چهار بعد قائل می شود، در بعد ابزاری «ما» رابطه خود را با محیط خویش تنظیم می نماید. در بعد سیاسی (G) نقش رهبری در «ما» مطرح است و در بعد فرهنگی نقش اطلاعات، انتقال آنها و یاد گیری عمده است و در بعد اجتماعی I که بعد محوری «ما» است تعاملات صورت می گیرند .

چلبی اظهار می دارد که «با تشکل ما می توان از نوعی نظم خرد سخن گفت، این نظم اجتماعی همزمان در برگیرنده افراد، تعاملات، و «ما» است. جهت حفظ ما و بالطبع حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوی مواجه است که عبارتند از:

۱- همفکری مشترک. (L)

۲- همگامی مشترک. (G)

۳- همدلی مشترک. (I)

۴- همبختی مشترک. (A)

چلبی می گوید:

بدون حداقل مجموعه ای از نمادها، اطلاعات و ارزشهای مشترک، باید نسبی تعاملات او «ما» قابل تصور نیست. لذا یکی از مقتضیات نظم خرد فراهم کردن حداقل همفکری، درک مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی است. در صورتی که همفکری مشترک در ابعاد فوق الذکر نباشد در سه عنصر نظم یعنی فرد، تعامل و «ما» اختلال حاصل می شود و قابلیت یاد گیری فرد کاهش می یابد، از ظرفیت اجرا فرد به طور مؤثر استفاده نمی شود و ذخیره نمادی شخص منحصر به فرد و محدود باقی می ماند. نقشه‌های شناختی فرد اصلاح و تعمیم نمی پذیرند و به تبع اینها، فرد حداقل قدرت کنترل و انطباق خود را نسبت به محیط به طور مؤثر از دست می دهد. اینها پیامدهای اختلال در نظام شخصیتی است .

او می افزاید که:

در رابطه با عنصر تعامل نیز بدیهی است که تعاملات حداقل در بعد ارتباطی دچار اختلال شده و کارکرد خود را از دست می دهند. به دنبال آن «ما» نیز استعداد انطباقی خود را با محیط خویش از دست می دهد و به تدریج حریم فرهنگی آن مخدوش و کمرنگ می گردد و بالاخره در صورتی که حداقل نوعی هم ارزشی مشترک

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

(اطلاعات ارزشی و هنجارهای مشترک) وجود نداشته باشد، هر سه عنصر مزبور به نوبه خود دچار اختلال می شوند. فرد احساس تعهد و تعلق خود را نسبت به دیگران و ما از دست می دهد و به تدریج دچار آنومی و از خود بیگانگی می شود یعنی نوعی سر در گمی، احساس جدایی و انزوا. تعامل نیز در بعد اظهاری مختل می گردد و به عبارت دیگر روابط ارتباطی (اجتماعی) آسیب می بینند. حقوق و تکلیف در ما نیز مخدوش و مکدر می شود. چلبی در ادامه بیان می دارد که :

مشکل دوم نظم خرد (G) مسأله هماهنگی مشترک است. نظم اجتماعی نوعی سازش بیرونی را طلب می نماید. چرا؟ عمدتاً به خاطر این که افراد هر کدام در بعد ارگانیکی و ظرفیت اجرا (G) منحصر به فرد هستند. به علاوه گر چه در خلال جامعه پذیری فرض این است که همگی نیاز هایشان هنجاری گردد مع ذالک هر کدام در فرایند یادگیری و جامعه پذیری، در ارتباط با محیط های مختلف، تجربیات منحصر به فرد کسب می نمایند. بنابراین قابل تصور است که افراد هر کدام خواسته ها و تمنیات نسبتاً مختص به خود داشته باشند. در یک کلام افراد ضمن اینکه نفع مشترک دارند همزمان به طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد، بویژه در موقعیت کمیابی، نیز هستند. بدین ترتیب جهت جلوگیری از بالفعل شدن تضاد منافع و حاد شدن آن لازم است راه حلی پیدا شود به طوری که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک نایل آیند. در صورتی که مسأله همگامی مشترک (سازش بیرونی دو جانبه) حل نشود مصالح جمعی و بلند مدت تحت الشعاع مصالح فردی و کوتاه مدت قرار می گیرد. نتیجه آنکه «ما» در ارتباط بیرونی، قدرت انطباقی خود را از دست می دهد و از لحاظ درونی دچار مشکل انسجامی می شود.

مسأله سوم نظم در سطح خرد (I) به نظر چلبی مسأله همدلی متقابل و احساس تعلق مشترک است. او مطرح می کند که فی الواقع «خمیر مایه اصلی «ما» تعلق افراد به یکدیگر و به ما است. فقدان حداقل نوعی همدلی و احساس تعلق مشترک یعنی نبود ما و اضمحلال ما به «من» ها. دور کیم در تحلیل نهایی پایه هر نظم اجتماعی را عاطفه می داند». (ص ۲۰).

چلبی اظهار می دارد که:

در صورتی که حداقل نوعی همدلی مشترک می باشد هر سه عنصر شخصیت، تعامل و «ما» همگی در وجه I دچار مشکل می شوند. اول این که فرد، تعهد و وابستگی عاطفی خود را نسبت به دیگران و به خصوص «ما» از دست می دهد. دوم اینکه تعامل اجتماعی معنی و مفهوم خود را از دست می دهد و سوم آن که «ما» با از دست دادن بعد اجتماعی خود و همزمان با از دست رفتن هویت جمعی افراد نسبت به ما، تبدیل به نوعی تجمع می

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی اسمان مراجعه کنید.

شود. به عبارت دیگر هر سه عنصر به طرف قطب A میل می کنند در واقع مرکز ثقل ما وجه I آن است با میل پیدا کردن «ما» به A نابودی و محو مانیز نزدیک می گردد .

هر چه روابط بین اعضای گروه نزدیک تر باشد، آن گروه از عهده حفظ و تقویت یگانگی خود بر خواهد آمد .

در چهار چوب اجیل می توان چهار نوع مبادله را از لحاظ تحلیلی از هم تمیز داد.

چلبی در ادامه اشاره می کند که «مبادله نامتقارن گرم، انتشاری و عاطفی است، در این مبادله طرفین نسبت به یکدیگر احساس مثبت دارند. ایثار، یاری دگر خواهانه، بخشش از مظاهر برجسته این نوع مبادله است. در مبادله متقارن گرم، رفاه و نفع طرفین هر دو اولی و مطمح نظر طرفین است طرفین از دید یکدیگر از احترام خاص برخوردار هستند و به رفاه حال یکدیگر علاقه مندند. منشا این احترام خاص متقابل و توجه مشترک نسبت به رفاه حال یکدیگر را باید در همفکری و همدلی، اعتماد و حسن نیت متقابل جستجو کرد .»

آخرین مشکل ماهوی نظم اجتماعی که در سطح خرد چلبی مطرح می کند، همبختی مشترک است. مراد وی از همبختی مشترک نفع مشترک و اقبال مشترک است. اساساً نفع مشترک ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد، نیازهایی که تأمین آنها از طریق جمع و با مشارکت دیگران در جمع بیشتر ممکن نیست. تجلی راه حل جمعی برای رفع بعضی نیازهای مشترک در وضعیت تعادلی یعنی تعادلهای قرار دادی (مثل قواعد رانندگی) و یا در میثاقها (مثل قانون) نهفته است .

به نظر چلبی «منظور از اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان نیاز متقابل افراد است به تشریک مساعی فیزیکی. مظهر عالی این تشریک مساعی ار تشقسیم کار می داند». چلبی مطرح می کند :

در صورتی که مسأله همبختی مشترک نظم حل نشود، سه عنصر، شخصیت (فرد)، تعامل و «ما» همگی عمدتاً در بعد (A) دچار ضعف و اختلال می گردند. در رابطه با شخصیت، فرد پاسخ مؤثر نسبت به نیازهای خود دریافت نمی کند و از هر گونه مازاد تعاونی بی بهره می گردد، باز دهی هوش و ظرفیت اجرای وی نیز کاهش می یابد. در رابطه با عنصر تعامل روابط مبادله ای در وهله اول دچار نقصان می شوند و بالاخره در ارتباط با عنصر «ما» قدرت انطباق آن با محیط بیرونی و قدرت نظارتی و تنظیمی آن نسبت به محیط درونی هر دو کاهش می یابد .

چلبی می افزاید که:

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

در صورت عدم حل مسأله همبختی مشترک، هر سه عنصر فرد، تعامل و «ما» هر کدام از محور AL به سمت محور GL میل می نمایند. «ما» با میل کردن به طرف محور GI کوچکتر (از لحاظ عددی)، فشرده تر (از لحاظ هنجاری)، بسته تر (به لحاظ نوآوری و عضوگیری)، کم تحرک تر (به لحاظ جابجایی افراد) و بالاخره خاص گراتر (به لحاظ گرایش ارزشی) می شود.

۲-۳- فرضیه های محوری تحقیق.

همان طور که گفته شد، چلبی چهار مشکل را برای هر گروهی یا «مایی» در سطح خرد مطرح می کند - هر گروه با «مایی». (گروه به معنی جامعه شناسی و اجتماعات طبیعی با چهار مشکل روبرو است). اگر این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد، نظم آن متعادل و با ثبات است. نظریات چلبی در مورد نظم در سطح خرد برای هر گروهی قابل طرح می باشد و یک نظریه کلی است که تمام گروهها را در بر می گیرد. اگر در گروهی همفکری، همگامی، همدلی و همبختی مشترک وجود داشته باشد نظم آن متعادل و با ثبات می باشد. اما اگر مثلاً در گروهی همبختی باشد، ولی همدلی وجود نداشته باشد، نظم در گروه نامتعادل و بی ثبات خواهد بود و دچار اختلال می گردد.

بر اساس آنچه گفته شد، طبق نظریه نظم خرد چلبی، می توان چهار فرضیه را برای هر گروه اجتماعی با توجه به چهار مشکل ماهوی آن (چهار ه) به شکل زیر مطرح نمود. این فرضیه ها عبارتند از:

۱- بین همفکری مشترک و نظم در گروه رابطه مثبت وجود دارد.

۲- بین همگامی مشترک و نظم در گروه رابطه مثبت وجود دارد.

۳- بین همدلی مشترک و نظم در گروه رابطه مثبت وجود دارد.

۴- بین همبختی مشترک و نظم در گروه رابطه مثبت وجود دارد.

یعنی هر چه همدلی مشترک، همفکری مشترک، همگامی مشترک و همبختی مشترک در گروه بیشتر باشد، نظم آن گروه با ثبات تر و متعادل تر خواهد بود.

در مطالعه حاضر منظور ما از گروه، گروه خاصی است که نمود بارز یک گروه طبیعی می باشد و آن خانواده است و چهار مشکل فوق را در مورد خانواده در نظر گرفتیم.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

در مورد خانواده به عنوان یک گروه طبیعی با توجه به چهار مشکل طرح شده توسط چلبی در مورد نظم در سطح خرد، می توان چهار فرضیه اصلی به شکل زیر مطرح نمود. این فرضیه ها عبارتند از:

۱- بین همفکری مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

۲- بین همگامی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

۳- بین همدلی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

هر چه پیوند عاطفی بین اعضای خانواده بیشتر باشد، نظم در خانواده بیشتر می باشد. عواطف مشترک اعضا و بهره گیری از پیوند عاطفی و حمایت خانوادگی با نظم رابطه مثبت دارد.

۴- بین همبختی مشترک و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد.

هم چنین اشاره کردیم از بین رفتن نظم در خانواده پیامدهایی از جمله بزهکاری فرزندان را به دنبال دارد و بحرانی ترین حالت از بین رفتن نظم در خانواده را طلاق در نظر گرفتیم، با توجه به این مطالب می توان فرضیه های زیر را مطرح کرد:

۱- عدم همبختی مشترک در میان اعضا خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می شود. این اختلال می تواند موجب طلاق و کثر رفتاری اعضا خانواده از جمله کثر رفتاری فرزندان شود.

۲- عدم همگامی مشترک در میان اعضا خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می شود. این اختلال می تواند موجب طلاق و کثر رفتاری اعضا خانواده از جمله کثر رفتاری فرزندان شود.

۳- عدم همفکری مشترک در میان اعضا خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می شود. این اختلال می تواند موجب طلاق و کثر رفتاری اعضا خانواده از جمله کثر رفتاری فرزندان شود.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۴- عدم همدلی مشترک در میان اعضاء خانواده موجب اختلال در نظم خانواده می شود. این اختلال می تواند موجب طلاق و کثر رفتاری اعضاء خانواده از جمله کثر رفتاری فرزندان شود.

هم چنین می توان فرضیه زیر را مطرح کرد که:

۵- بین طلاق و کثر رفتاری فرزندان رابطه مثبت وجود دارد.

به عبارت دیگر، طلاق می تواند موجب کثر رفتاری فرزندان شود.

همان طور که اشاره شد، داشتن ایمان، از جمله عواملی است که بر روی سلامت خانواده مؤثر است. لذا یکی از فرضیه های اساسی و مهم در تحقیق حاضر تأثیر گرایش مذهبی (دینداری یا دین ورزی) بر نظم خانواده می باشد.

۶- اعتقادات مذهبی با نظم در خانواده رابطه مثبت دارد.

فرضیه های اصلی تحقیق را می توان به وسیله نمودار ترسیم کرد، که در ذیل تحت عنوان الگوی علی بزهکاری به آن اشاره می کنیم.

۳-۳- الگوی علی بزهکاری.

مدل فوق با توجه به مطالب و فرضیه های ارائه شده و به منظور درک بهتر آن ترسیم شده است. در این مدل، آن دسته از متغیرهایی منظور شده اند که گمان می رود بیشترین تأثیر را روی بزهکاری (متغیر وابسته) داشته باشد.

به همین منظور ابتدا الگوی علی به صورت یک چهار چوب مفهومی کلی مطرح می شود.

نمودار الگوی علی (بزهکاری) را با توجه به تأثیر نظم خانواده به شکل کلی نشان می دهد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد و با توجه به نمودار هر گروهی (اینجا منظور خانواده است) با چهار مشکل ماهوی (چهار هـ) مواجه است. اگر خانواده این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد، نظم آن با ثبات و متعادل است در غیر این صورت دچار اختلال می شود.

به عبارت دیگر، عدم همبختی مشترک، عدم همفکری مشترک، عدم همگامی مشترک و عدم همدلی مشترک در میان اعضاء خانواده باعث اختلال در نظم خانواده می شود. از یک طرف، اختلال در نظم خانواده می تواند منجر به طلاق گردد و طلاق نیز می تواند بزهکاری فرزندان را به دنبال داشته باشد و از طرف دیگر اختلال در نظم خانواده می تواند خود منجر به بزهکاری فرزندان شود. یعنی اختلال در نظم خانواده به طور مستقیم می تواند منجر به بزهکاری فرزندان گردد و هم چنین می تواند به طور غیر مستقیم از طریق وقوع طلاق روی بزهکاری فرزندان تأثیر گذارد.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فصل سوم:

روش تحقیق

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۳- روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

در فصول گذشته به موضوع و چهارچوب تئوریک اشاره شد. اینک به مرحله ای می‌رسد که باید در آن به بیان روش و متد استفاده شده در این تحقیق پرداخت. هدف اصلی این مرحله جمع‌آوری اطلاعات در مورد تحقیق می‌باشد. برای رسیدن به این هدف باید اطلاعات بدست آمده را جمع بندی نمود. روش تحقیق استفاده شده در این تحقیق روش اسنادی است و در روش اسنادی باید توجه داشت که اصالت یک تحقیق اسنادی به منابع حائز اهمیتی است که از آنان استفاده کرده است که ما در این تحقیق از منابع فراوان و بسیاری شامل کتابها و سایت‌ها و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده بود بهره برده ایم .

مأخذ موجود در تحقیق اسنادی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد : ۱- کتب ۲- مجله و نشریه‌ها و ۳- اسناد دیگر .

در این تحقیق همانطور که در چکیده اشاره شد، به بررسی نظریات موجود در باره نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده) پرداخته‌ایم و این موضوع نیازمند تحقیق بیشتر می‌باشد ولی ما در حد توان خواسته‌ایم تا در شناساندن و تفهیم این موضوع قدم برداریم .

بطور کلی به علت وجود انواع فراوان بزهکاری خواسته‌ایم تا معنای روشنی از این کلمه و ارتباط آن در جامعه بویژه خانواده را مورد بررسی قرار دهیم. به همین علت از نظریات اساتید و علمای این موضوع استفاده برده ایم. محور اصلی تحقیق ما را نقش خانواده در شکل گیری بزهکاری تشکیل می‌دهد. نقشی که می‌تواند جامعه را به جلو یا عقب پیش برد .

در تعریف مسأله به مسائلی که در شکل گیری بزهکاری نقش اساسی دارند اشاره شده است که دربرگیرنده انحراف و طلاق و خانواده و نظم اشاره شده است و از نظریات صاحب‌نظران استفاده نموده ایم .

تئوری‌های اشاره شده به دو رویکرد جامعه شناسی و روانشناسی اشاره دارد که هر یک از این تئوری‌ها به صورت ریز و جداگانه بیان شده و بزهکاری را موشکافانه بررسی می‌نماید و نیز اشاره ای به نظریات بزهکاری و نظم خانواده شده است. و در ادامه به نوع شناسی مرتون از انواع انطباق اشاره شده است که شامل همنوایی نوآوری شعائر گرایی انزواطلبی شورش می باشد که هر یک کاملاً توضیح داده شده است. در ادامه به نظریه بر چسب می رسمیم بر خود لازم دانستم تا کمی در این باره بحث کنم. این تئوری فرد را به این سمت هدایت می کند که فرد

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

توانایی تصمیم گیری آگاهانه را ندارد یعنی فرد نمی تواند خوب و بد را تشخیص دهد و این مورد در افراد بزهکاری که در جامعه ما وجود دارد بطور واضح مشاهده می شود چرا که فرد بعزت تشخیص ناصحیح وارد گروه های بزهکار یا دست به اقدام بزهکارانه میزند و در ادامه تحقیق نظریات و مباحث کامل تری در زمینه بزهکاری بیان شده است .

چهارچوب تئوریکی که در این تحقیق استفاده شده است علاوه بر بیان نظریه های گوناگون در مورد انحراف تئوری ها و نظریات برخی از جامعه شناسان از جمله ساترلند و بلومروماترا - میرنی هال دور کیم، گود ، پارمتر مطرح شده است که در ادامه به بحث در مورد این تئوری ها می پردازیم ابتدا به نظریه ساترلند اشاره می کنیم که اونظریه معاشرت گوناگون را مطرح می کند نقش کنش متقابل اجتماعی را در شکل گیری رفتار و گرایشات انسانها مورد تاکید قرار داده است و معتقد است رفتار مجرمانه در اثر تماس و همنشینی با الگوهای جنایی آموخته می شود این سخن ساترلند را میتوان عینان در جامعه دید افراد با شرکت در گروه همسالان و محیط های اجتماعی با افراد دیگر تماس پیدا کرده و خلق و خوی افراد دیگر را جذب میکنند چه بسا در این میان فرد با افرادی بزهکار ارتباط پیدا می کند که این باعث میشود فرد رفتار مجرمانه و الگوهای جنایی را فرا می گیرد در ادامه هیرشی اضافه می کند کجروی را معلول ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه می داند او همچنین چهار علقه اجتماعی را مطرح می کند که عبارتند از عقیده یا باور دلبستگی و تعلق و تعهد و مشغولیت به نظر وی هر چه فرد در هر یک از این عناصر نقش مهمتری داشته باشد احتمال ارتکاب جرم کمتر میباشد در جامعه ما می توان مشاهده کرد که همین نبود مشغولیت یا کار باعث صدمات فروانی به افراد جامعه شده چرا که فرد به علت بی کاری دست به ارتکاب جرم زده است دورکیم نیز نظریه ای را ارائه کرده که اشاره به این دارد که هر چه همدلی و عاطفه مشترک اعضا بیشتر باشد روی نظم خانواده تاثیر دارد پارسنز نیز ۴ مسئله کارکردی را بیان می کند که عبارتند از: تطابق و هدف یابی و همبستگی و نهفتگی و بر اساس این دیدگاه نتیجه می گیریم در صورتی که در نظام اجتماعی و شخصیتی نتوانند کارکردهای اصلی خود را انجام دهند میزان انسجام اجتماعی و به تبع آن میزان دستیابی به اهداف اجتماعی کمتر شده است و احتمال انحراف وجود خواهد داشت و مطالعات کانجر و الدر بیان میکنند که فشارهای اقتصادی باعث عقب نشینی و از بین رفتن توجه و محبت بین زوجین میشود این نظریه کاملاً در جامعه ما صادق است افراد یا به علت کمبود مالی نمی توانند ازدواج کنند که در این صورت فحشا که یکی از اقسام بزهکاری زیاد می شود و یا همین کمبود مالی پس از ازدواج گریبان گیر زوجین میشود که باعث سردی روابط بین زوجین و کم شدن مهر و عاطفه بین آنها می شود که گاهی این مورد نیز باعث طلاق میگردد که این هم یکی از اقسام بزهکاری است که ما در جامعه خود شاهد آن می باشیم در ادامه به فرضیه

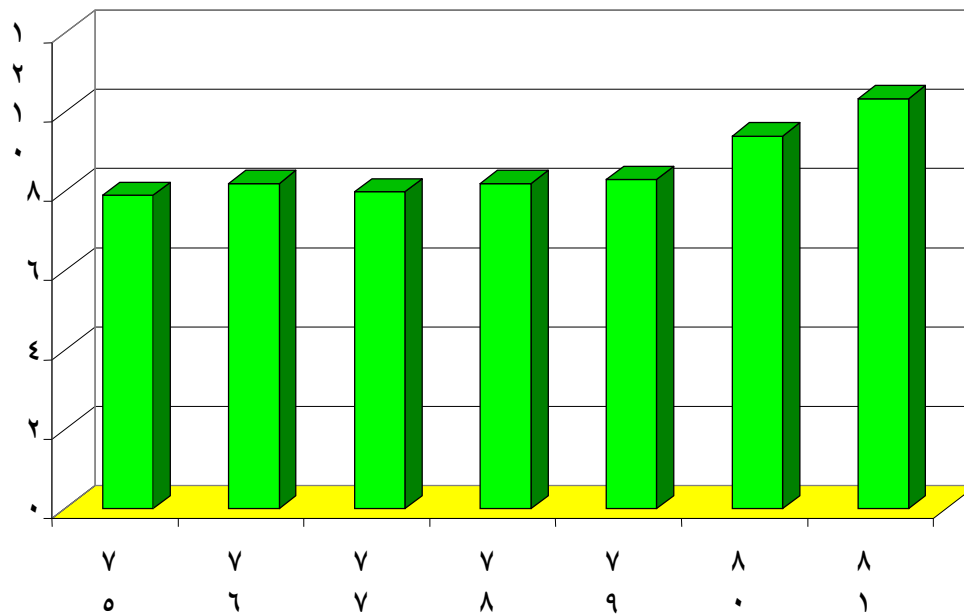
این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

های محوری تحقیق اشاره می کنیم که بر گرفته از نظریات چلپی می باشدایشان برای هر گروه ۴ مشکل مایی را در سطح خرد مطرح میکند و اشاره دارد که اگر این ۴ مشکل حل شود نظم و ثبات حاکم خواهد شد به نظر وی اگر در گروه همفکری و همگامی و همدلی و همبختی مشترک وجود داشته باشد نظم آن متعادل و با ثبات می باشد و کاستی یک مورد اختلال بوجود خواهد آورد و ایشان این ۴ اصل را بصورت ۴ فرضیه ارائه نموده اند که بین همه موارد و نظم رابطه مثبت دو سویه برقرار می باشد در ادامه خانواده به عنوان یک گروه طبیعی با توجه به ۴ مشکل طرح شده توسط چلپی در مورد سطح خرد می توان ۴ فرضیه اصلی را می تواند اینگونه باشدبین همفکری و همگامی و همدلی و همبختی و نظم در خانواده رابطه مثبت وجود دارد عواطف مشترک و بهره گیری از پیوندهای عاطفی و حمایت خانوادگی رابطه مثبت وجود دارد و اشاره شده است که از بین رفتن نظم یا نبود این ۴ اصل بزهکاری فرزندان را به دنبال می آورد و در بحرانی ترین حال طلاق را در پی دارد عدم وجود این ۴ اصل موجب طلاق و کثر رفتاری خانواده و فرزندان می شود همانطور که فرگوسن و هاوارد اشاره کرده اند اعتقادات مذهبی نیز در خانوادهها نقش بسزایی دارند و کمتر تمایلی به فروپاشی دارند در جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم مخصوصا در شهرستانها و در روستاها که توجهات و تعصبات بر مسائل اعتقادی فراوان است کمتر شاهد این هستیم که در خانواده هامسئله طلاق مطرح گردد بطور کلی میتوان بیان داشت که عدم وجود ارتباط میان ۴ اصل اشاره شده و نظم در خانوادهها منجر به طلاق می گردد و طلاق نیز میتواند در شکل گیری فرزندان بزهکار نقش بسزائی را ایفا کند .

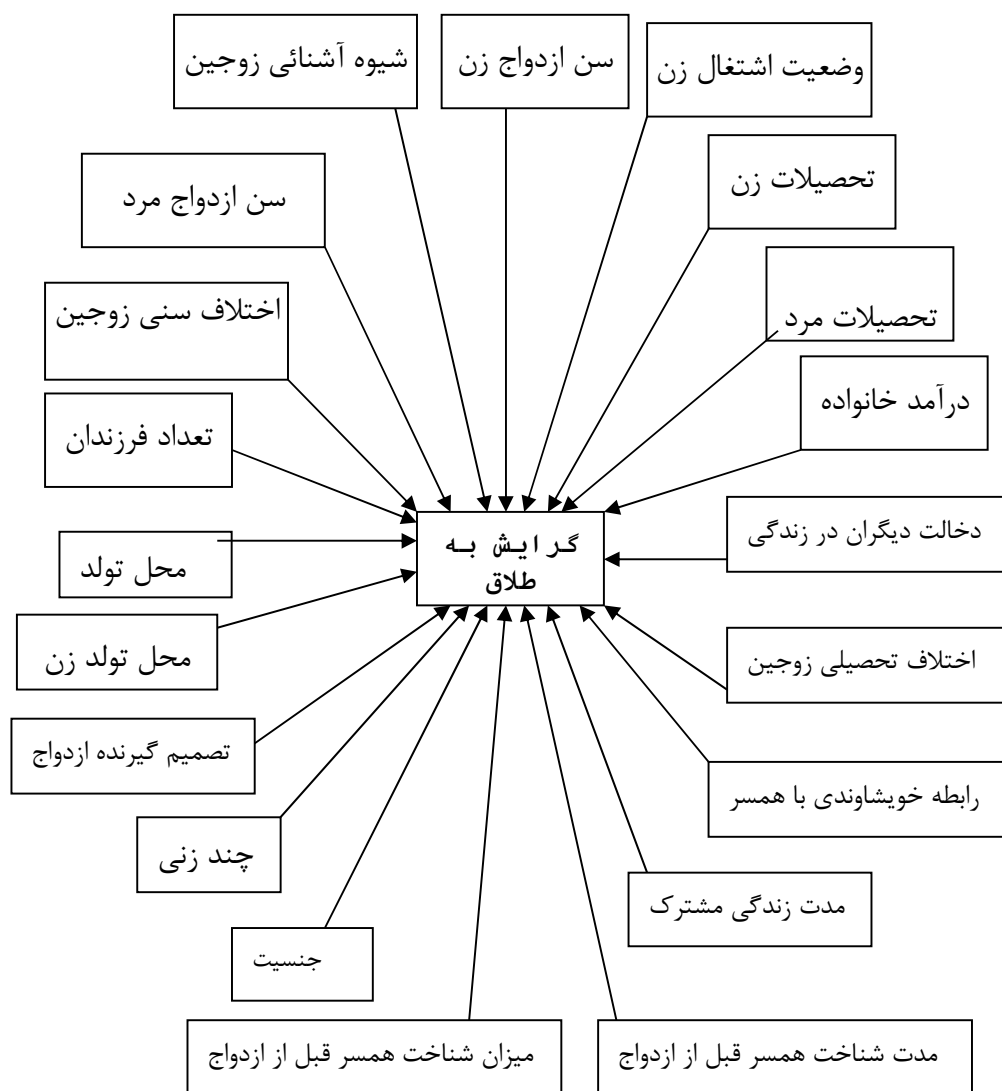
این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

هدف از انجام این تحقیق بررسی عوامل گرایش زوجین به سوی طلاق می باشد

آمارهای طلاق کل کشور از سال



این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.



این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فصل چهارم:

نتیجه گیری

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۴- نتیجه گیری:

مطمئناً این تحقیق توانسته است برخی از فرضیات متقدمین را مجدداً اثبات نماید. بدین منظور شایسته است که به مرور فرضیات تحقیق پرداخته و از نظریات ارائه شده بهره جوییم.

همان طور که اشاره شد نظم در سطح خرد با چهار مشکل ماهوی مواجه است که عبارتند از: همفکری مشترک، همدلی مشترک، همگامی مشترک، همبختی مشترک. هر گروه یا «مایی» اگر این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد دارای نظم می باشد در غیر این صورت دچار اختلال می گردد. اختلال در نظم خانواده می تواند منجر به طلاق و بزهکاری اعضای خانواده از جمله فرزندان گردد.

اساساً نقشهای خانوادگی زمانی به مؤثرترین شکل تحقق می یابد که در برگیرنده تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و به طور عادلانه بین اعضای تقسیم شود و همچنین درباره انجام وظایف اعضا پی گیری مستمری انجام گیرد، در خانواده های نوجوانان بزهکار به خاطر از هم گسیختگی و غفلت خانوادگی تخصیص نقشها در خانواده به درستی صورت نمی گیرد، والدین دچار غفلت شده و به مسائل تربیتی، تحصیلی، اقتصادی و تفریحی کودکان و نوجوانان اهمیت نمی دهند و آنها را به حال خود رها کرده و فرزندان بیشتر به اجتماع و گروههای همسالان روی می آورند و نظارت والدین بر روی آنها کم می شود.

عموماً مرزها در خانواده های نوجوانان بزهکار شرایط مناسبی ندارد، چنین خانواده هایی احتمالاً اعضایش را به سمت رفتارهای مخرب و پر خاشگرانه پنهانی سوق می دهد و مبارزه برای کسب قدرت در خانواده شدت می گیرد. نقشهای خانوادگی در خانواده های نوجوانان غیر بزهکار متفاوت می باشند و در خانواده های نوجوانان غیر بزهکار نقشها شرایط مطلوبتری دارند. چون نقشهای خانوادگی شامل: نقشها و وظایف اعضای خانواده، چگونگی تقسیم وظایف بین اعضا، قدرت برنامه ریزی برای ادای وظایف، تبیین نقشها و مرزها برای اعضا و وضع مقررات برای برقراری نظم در خانواده های نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیر بزهکار در سطح پایین تر می باشد. این امر تأثیر زیادی در ایجاد رفتار بزهکارانه آنان داشته است.

در واقع این موضوعات باعث شده اند که خانواده های نوجوانان غیر بزهکار محیطی امن برای آنها بوده و نوجوانان با پناه بردن به آن از گزند آسیب ها دور باشند. ضعف در اجرای نقشهای خانوادگی یکی از زمینه های اصلی بروز اختلالات رفتاری به ویژه بزهکاری در نوجوانان است.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

در گروه نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در مسائلی نظیر قدرت ابداع خانواده در حل مشکلات خویش، حمایت از یکدیگر در مواقع بحران، تدبیر راههایی برای حل مشکل، ارزشیابی راه حل های اعمال شده، ارتباط صریح، اعتماد متقابل، مسئولیت پذیری ایجاد مقررات و آگاهی از مسائل سایر اعضای خانواده با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت می تواند زمینه ساز بروز رفتارهای ضد اجتماعی در فرزندان نوجوان خانواده گردد.

اصولاً وجود مهر و محبت در کانون خانواده به تقویت ایمان، تلقین ارزشهای اخلاقی و به وجود آمدن خودپنداری مثبت در نوجوانان کمک می کند و اثر مهمی در رفتار نوجوانان دارد. همچنین ایجاد روابط صمیمی در خانواده محیطی مناسب جهت طرح مشکلات و مسائل نوجوانان و وسیله ای مناسب برای تسکین ناراحتی های دوران بلوغ است.

با توجه به متغیرهای الگویی پارسنز به ویژه متغیر عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی نتیجه می گیریم که بین دلبستگی عاطفی و نظم و ثبات در خانواده رابطه وجود دارد و از متغیر نفع شخصی در برابر نفع جمعی نتیجه می گیریم تمرکز اعضای خانواده در جهت اهداف همسان با نظم در خانواده رابطه مستقیم دارد و از نظر پارسنز در زمینه سیر تکوینی و رشد شخصیت نتیجه می گیریم که وجود رابطه عاطفی میان والدین و فرزندان و پشتیبانی و حمایت از اعضاء خانواده با حفظ نظم در خانواده رابطه مثبت یا مستقیم دارد.

* هیرشی معتقد است کاهش صمیمیت در روابط متقابل اعضاء خانواده روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد.

* در پایان نظر شخصی خودم را به این مطالب اضافه می کنم بزهکاری همانطور که تعریف شد و معانی مختلف آن بیان شد نشأت گرفته از عوامل فراوانی است که یکی از اساسی ترین عوامل به نظر من همانطور که در مطالب قبلی اشاره شده است خانواده می باشد تاثیرات خانواده بقدری مهم و اثر ساز می باشد که می تواند فرد را به موفقیت و یا بدبختی و ذلت سوق دهد خانواده به عنوان مهمترین پایگاه

اجتماعی که به عنوان پایگاه اولین فرد دران

عضویت دارد نقش اساسی را در تربیت و اجتماعی کردن افراد بر عهده دارد در این میان مسائل و احتیاجات مادی که گریبان گیر افراد در جامعه می باشد و مخصوصان قشر جوان که به علت نبود کار و شغل مناسب نمی توانند نیازهای مادی را پاسخ گویند مجبور به روی آوردن به کارهای خلاف می شوند که ممکن است این کارها هم خود فرد و هم اجتماع را به بزهکار شدن سوق دهد امید است با یاری خداوند متعال و عنایات مسئولین خدوم کشور عزیزمان هر روز شاهد از بین رفتن ریشه ها و بنیان های بزهکاری در کشور اسلامی باشیم.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

فهرست منابع

منابع:

- ۱ - آرون. ریمون، «مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی»، ترجمه باقر پرهام - چاپ سوم، ۱۳۷۲، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (شرکتهای سهامی).
- ۲ - اسکیدموم. ویلیام، ۱۹۷۲ «نظریه های جامعه شناسی تفکر نظری در جامعه شناسی»، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران - چاپ دوم ۱۳۷۵، تهران: انتشارات تابان.
- ۳ - اشرف. احمد، ۱۳۵۵، «کثر رفتاری و مسایل انسانی و آسیب شناسی اجتماعی، مجموعه گفتارهای درسی»، تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- ۴ - تامین. ملوین، «جامعه شناسی قشر بندی و نابرابری های اجتماعی - نظری و کار بردی»، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، ۱۳۷۳، تهران: توتیا.
- ۵ - ترنر. جانatan، اچ ۱۹۷۷، «ساخت نظریه جامعه شناسی»، ترجمه عبد العلی لهسانی زاده - ۱۳۷۳، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- ۶ - تنهایی. حسین ابوالحسن، ۱۳۷۱، «در آمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی»، چاپ اول، مشهد: نشر مرنديز.
- ۷ - توسلی. غلام عباس، ۱۳۷۰، «نظریه های جامعه شناسی»، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۸ - چلبی. مسعود، ۱۳۷۳، «تحلیل شبکه در جامعه شناسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره دوم شماره ۵ و ۶ (پاییز و زمستان)، ۹-۴۲، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۹ - چلبی. مسعود، ۱۳۷۶، «تعهد کار»، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، فرهنگ و اخلاق کار، سال دوم، شماره ۵، ۷۵-۱۰۴، تابستان.
- ۱۰ - چلبی. مسعود، ۱۳۷۵، «جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری اجتماعی»، چاپ اول، تهران: انتشارات نشرنی.
- ۱۱ - چلبی. مسعود، ۱۳۷۵، «جزوه کلاس 'روش تحقیقی' گروه جامعه شناسی، دانشگاه الزهراء.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۱۲ - چلبی. مسعود ، ۱۳۷۲، «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید جلد دوم شماره سوم، ۱۵-۲۸، تهران: دانشگاه تهران.

۱۳ - دواس. دی. ای، ۱۹۹۱، «پیمایش در تحقیقات اجتماعی»، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران: نشرنی.

۱۴ - دور کیم . امیل، «درباره تقسیم کار اجتماعی،» ترجمه باقر پرهام - چاپ اول ۱۳۶۹، نقش جهان (کتابسرای بابل).

۱۵ - دور کیم. امیل، «قواعد روش جامعه شناسی»، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ پنجم، ۱۳۷۳، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۶ - رابر تسون. یان، ۱۳۷۲، «در آمدی بر جامعه»، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۷ - رفیع پور. فرامرز، ۱۳۷۲، «سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی»، پژوهشی در سه استان اصفهان، فارس و خراسان، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی، نشر ارغنون.

۱۸ - روزن باوم. هایدی، ۱۹۷۳، «خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه»، ترجمه محمد صادق مهدوی، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۹ - روشه. گی، ۱۹۷۲، «جامعه شناسی تالکوت پارسنز»، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول ۱۳۷۶، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

۲۰ - ساروخانی، باقر ۱۳۷۶، «طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن»، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۲۱ - ساروخانی. باقر، ۱۳۷۵، «مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده»، تهران: انتشارات سروش.

۲۲ - ستوده. هدایت الله، ۱۳۷۴، «مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی»، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.

۲۳ - سرایی. حسن، ۱۳۷۲، «مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق»، تهران: انتشارات سمت.

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۲۴- صدیق. رحمت الله، ۱۳۶۷، «تحلیل نظریه های مربوط به کجروی های اجتماعی»، نشریه علوم تربیتی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی، سال یازدهم شماره ۱ و ۲: ۶۶-۵۵، تهران: دانشگاه تهران.

۲۵- صفوی. امان الله، ۱۳۷۰، «تئوری های انحراف»، رشد آموزش علوم اجتماعی سال دوم و سوم، شماره ۶ و ۷ و ۸ و ۹، آموزش و پرورش، تهران.

۲۶- کر لینجر. پدهازور، ۱۹۷۳، «رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری»، ترجمه حسن سرایی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۶، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲۷- کوزر. لیویسن، ۱۹۷۱، «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی»، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، تهران: انتشارات علمی.

۲۸- گسن. ریموند، ۱۹۸۸، «مقدمه ای بر جرم شناسی»، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول پاییز، ۱۳۷۰، تهران: انتشارات مترجم.

۲۹- گلدسته. اکبر و دیگران، ۱۳۷۷، «راهنمای کاربران، SPSS، For Windows»، جلد اول و دوم، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی حامی.

۳۰- گیدنز. آنتومی، ۱۹۸۸، «دور کم»، ترجمه یوسف اباذری، ۱۳۶۳، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

۳۱- مصطفوی. فرخ، ۱۳۷۵، «روشها، فنون و تکنیک های نوین تحلیل داده های علوم اجتماعی و رفتاری- کاربردهای لاجیت (Logit) و پروبیت (Probit) در علوم اجتماعی «مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی».

منابع اینترنتی:

۳۲- سایت دانشگاه تهران

۳۳- سایت دانشکده دانشگاه شهید بهشتی

۳۴- سایت انجمن جامعه شناسان ایران

۳۵- سایت دانشکده دانشگاه الزهرا

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این پایان نامه با قسمت فقط پنج هزار تومان به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید.

۳۶- سایت دانشگاه آزاد کرج

۳۷- سایت دانشگاه آزاد تهران مرکز

۳۸- سایت دانشکده دانشگاه علامه طباطبائی

۳۹- سایت دانشگاه آزاد رودهن

۴۰- سایت روز نت